

# برگهای تاریخ

دوران قاجاریه



ابراهیم صفائی

# برکات می تارخ

گردآوری و پژوهش ، از

ابراهیم صفائی



انتشارات بایک

- 
- برگ های تاریخ
  - چاپ جلدی
  - مرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی
  - حق چاپ برای ناشر محفوظ است
  - چاپ و نقل اسناد و کلیشه ها بی اجازه کتبی ممنوع می باشد
  - انتشارات بایک - میدان ۲۴ اسفند اول آیزنهاور بازار ایران طبقه سوم شماره ۹۳

تلفن : ۹۲۷۶۱۷



---

میرزا حسینخان سپہسالار اعظم

## مقدمه

میرزا حسینخان سپهسالار قزوینی فرزند میرزا نبی خان<sup>۱</sup> متولد سال ۱۲۴۳ ق، از زمامداران کاردان و تجددخواه و تحصیلکرده و بایمان دوران قاجاریه است، او در آغاز خدمت نماینده بازرگانی و سپس کنسول ایران در بمبئی بود، در سال ۱۲۷۱ ق بمقام سرکنسولی ایران در تفلیس و در سال ۱۲۷۵ به سمت وزیر مختار ایران در دربار عثمانی برگزیده شد و لقب مشیرالدوله گرفت و در سال ۱۲۸۵ بمقام سفارت کبری ارتقاء جست. او آبرومندترین سفیر ایران در دربار عثمانی بود و حیثیت سیاسی ایران و احترام اتباع ایران مقیم عثمانی را افزود.

در سال ۱۲۸۷ ق که ناصرالدین شاه رهسپار زیارت عتبات شد، سپهسالار در فراهم آوردن تشریفات پذیرائی شکوهمند دولت عثمانی از شاه ایران، خدمتی شایسته نشان داد و از اینرو مورد توجه بیشتر شاه گردید و به طهران آمد و شغل وزارت عدلیه و وزارت وظایف و اوقاف را بر عهده گرفت.

در سال ۱۲۸۸ بمقام صدارت رسید، قحطی معروف سال ۱۲۸۸ ق در آغاز صدارت او روی داد و او تا آنجا که توانست صمیمانه در نجات مردم از خطر گرسنگی کوشید و شخصاً در میان بینوایان پول و نان بخش می نمود و یک دارالمساکین هم برای نگهداری فقیران درست کرد و سرپرستی آن را بمخبرالدوله سپرد.

در هجدهم جمادی الثانی ۱۲۸۹ ق (شهریور ۱۲۵۱ ش و جولای ۱۸۷۲-م) امتیاز بی سابقه و سخاوتمندانه بی برای استفاده از منابع طبیعی و زیرزمینی کشور

و ایجاد راه آهن و تأسیس بانک و پی ریزی واحدهای صنعتی و کشاورزی سعی او (با واسطگی ملکم) بیکی از اتباع انگلیس بنام ژولیوس رویتر داده شد، واگذاری این امتیاز سپهسالار را بجانبداری انگلیس ها نامبردار نمود، درحالی که منظوروی ایجادینک تحول اقتصادی و بهره برداری از منابع طبیعی کشور بود که در آن زمان بادست ایرانی میسر نمی شد :

درسال ۱۲۹۰ ناصرالدین شاه را بمسافرت اروپا وادار کرد و او رابا پیشرفت های درخشان صنعت و اقتصاد فرنگستان و آثار تمدن جدید که در نیمه دوم قرن نوزدهم چهره اروپا را دگرگون ساخته بود آشنا نمود .

در بازگشت شاه، درباریان و روحانیان بعنوان اعتراض به قرارداد رویتر برضد سپهسالار همصدا شده برکناری او را خواستند ، سفارت روس نیز مخالفان سپهسالار را تحریک کرد .

ناصرالدین شاه برای آرام کردن آشوب طهران ناچار سپهسالار را در رشت از صدارت عزل کرد و خود به طهران آمد و قرارداد رویتر موقوف الاجرا ماند . پس از چند ماه شاه سپهسالار را به طهران خواست و وزارت خارجه را به او تفویض نمود، سپس وزارت جنگ با لقب « سپهسالار اعظم » و فرماندهی کل سپاه ایران نیز به او واگذار شد، در سال ۱۲۹۲ کارهای استان خراسان و سیستان و گرگان هم زیر نظر سپهسالار درآمد و در ۱۲۹۵ وزارت جنگ و وزارت خارجه با سرپرستی امور چند استان و شهرستان با اختیارات بیشتر به سپهسالار داده شد ، هم درین سال برای بار دوم موجبات مسافرت ناصرالدین شاه را باروپا فراهم ساخت .

اودر نیمه اول سال ۱۲۹۷ از مقام خود معزول و بحکومت قزوین منصوب شد ، سپس در ذیقعد ۱۲۹۷ برای دفع فتنه شیخ عبیدالله و سروسامان دادن بدر بار آشفته

مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز، با مقام پیشکاری و فرماندهی کل آذربایجان رهسپار آن استان گردید.

در اوایل سال ۱۲۹۸ ق محض شرکت در جشن جلوس الکساندر سوم و تسلیت قتل الکساندر دوم از طرف ناصرالدین شاه بدربار پترزبورگ رفت و پس از بازگشت به فرمانفرمایی کل خراسان و سیستان و نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب گردید و سرانجام در روز بیست و یکم ذی‌حجه ۱۲۹۸ در مشهد درگذشت.

با توجه بکوشش‌ها و کارهای سپهسالار، بی‌تردید باید گفت که اومردی‌کردان و با هوش و متجدد و وطنخواه بود و میخواست ایران را با تمدن فرنگستان نزدیک و با پیشرفتهای صنعتی و اقتصادی اروپا آشنا کند و مظاهر تمدن غرب را در ایران متداول سازد و کشور خود را در دنبال کاروان تحولات عظیم نیمه دوم قرن نوزدهم اروپا حرکت دهد. اما کارشکنی‌های سیاست خارجی و مخالفت و تعصب روحانیان و جهل و سودجویی و تنگ‌نظری برخی از رجال و درباریان صاحب نفوذ آن زمان مانع پیشرفت هدف‌های عالی او گردید.

سپهسالار وقتی در وزارت عدلیه بود فرمانداران عصر استبداد را در تمام شهرستانها از مجازات قتل بزه‌گران و خونیان منع کرد و کیفر قتل را موکول بر رسیدگی و حکم نهائی وزارت عدلیه نمود و بارشوه‌خواری سخت پیکار کرد و مقرراتی برای تعیین حدود وظایف کارکنان دولت (بنام کتابچه تنظیمات) نوشت و به امضاء شاه رسانید و در اجراء آن مراقبت کرد.

وزارت جنگ را نظم و سروسامان داد، چند افسر روسی و چند افسر اتریشی را برای وزارت جنگ استخدام کرد و قزاقخانه تأسیس نمود و قسمتی از قشون سواره ایران را با اصول نظامی قزاق‌دوس و هفت فوج و شش صد توپچی را با تعلیمات نظامی اتریش تربیت کرد<sup>۲</sup> و مقداری اسلحه از فرانسه و آلمان برای ارتش ایران خریداری نمود،

وزارت خارجه را از رکود و بی سامانی دوره تصدی میرزا سعید خان<sup>۳</sup> رها کنید، نخستین سازمان قراسوران<sup>۴</sup> (ژاندارمری) و پلیس بسعی او پدید آمد، تشکیل هیئت وزیران بعنوان «دربار اعظم» و تقسیم مسئولیت و بمشورت گذاشتن کارهای مهم دولتی نیز به پیشنهاد او انجام گردید و راهسازیهای جدید در ایران در زمان صدارت او آغاز شد، مسجد و مدرسه ناصری که اکنون به مسجد سپهسالار معروف است و باغ و عمارت قدیم بهارستان (محل مجلس شورای ملی) از آثار اوست.

سپهسالار شیفته تمدن غرب بود و افکار برخی از رجال سیاستگر و تجددخواه عثمانی مانند مدحت پاشا نیز در او اثر گذارده بود، او مصلحت سیاسی ایران را در دوستی و همکاری با انگلیس ها تشخیص میداد از اینرو سیاست روس را بر ضد خود برانگیخت، گرایش سیاست یکطرفی و ملایمت در برابر انگلیس ها در مرزبندی سیستان و بلوچستان او را متهم ساخت و از داخل و خارج ایران مخالفت های شدید با وی آغاز گردید تا جایی که نسبت خیانت به او دادند و حاج ملاعلی کنی<sup>۵</sup> و سید صالح عرب<sup>۶</sup> دو مجتهد متنفذ (که از رواج هرگونه آثار تجدید در ایران روی گردان بودند) او را تکفیر کردند

ناصرالدین شاه مکرر کاردانی و شایستگی سپهسالار را ستود و امیدواری بسیار داشت که ایران بسعی او بسوی یک تحول و تجدید اجتماعی گام بردارد، اما یکجانبه بودن او در سیاست خارجی و کارشکنی مخالفانش سرانجام وضعیتی در طهران پدید آورد که شاه نتوانست یا نخواست همیشه او را مشمول حمایت بی دریغ خود دارد و بسا دور شدن سپهسالار از پهنه سیاست برنامه ها و نقشه های اصلاح طلبانه اش از میان رفت و نظم و نسق قشون و وزارت خارجه نیز چنانکه در زمان او بود پایدار نماند. دوران زمامداری سپهسالار از دوره های مهم و حساس سیاست خارجی عصر قاجاریه می باشد و با رفتن او انحطاط سیاسی حکومت قاجاریه روز افزون شد.



درباره سپهسالار و تمایل او به سیاست انگلستان و کارهای وی در کتاب‌های مختلف مطلب‌ها نوشته شده و درباره او داوریه‌های گوناگون رفته است .

برخی از تاریخ‌نویسان شایستگی و تجدد و وطن‌خواهی او راستوده و به نیکی از وی یاد کرده‌اند ، برخی دیگر او را از دوستان وفادار انگلیس‌ها دانسته و اتهاماتی نیز بر وی بسته‌اند ولی بدیهی است نقل قول بدخواهانه چند نویسنده ایرانی یا خارجی نمیتواند میزان داوریه قطعی باشد، خاصه نسبت به کسی که در میان زمامداران عصر قاجاریه شخصیتی ممتاز و جایگاهی برتر دارد و در کارهای او حرکت و جهش و روشنفکری دیده می‌شود .

خوشبختانه من به تعدادی از سندها و گزارش‌های دوران وزارت و صدارت سپهسالار دست یافتم این سندها هم معرف شخصیت و هم نشان‌دهنده طرز تفکر و تمایلات سیاسی و شیوه کشورداری اوست، و بجز آنکه میزان و سنجشی برای بهتر شناختن سپهسالار بدست میدهد ، نکته‌های جالب از روابط سیاسی ایران با روس و انگلیس و عثمانی و افغانستان در بردارد و حقایقی آشکار در میان هر یک از سطور این اسناد نهفته است که می‌تواند ما را بواقعیتهای بسیار رهنمون شود .

این اسناد گذشته از ارزش و اهمیت تاریخی سیاسی، از لحاظ تاریخ اجتماعی ایران و شناخت آداب و رسوم کشورداری و نشان دادن چگونگی مناسبات ناصرالدین شاه با صدر اعظم و وزیرانش و نمودن میزان اختیارات و اقتدارات صدر اعظم در آن دوران نیز جالب توجه است و نمودار شیوه نگارش رسمی و اداری آن زمان هم میباشد. از سپهسالار پیش از این چندین سند در کتاب سپهسالار اعظم و کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی<sup>۷</sup> منتشر شده، من هم در کتاب‌های اسناد سیاسی دوران قاجاریه و نامه‌های تاریخی و اسناد نویافته برخی از نامه‌های او را چاپ کرده‌ام و اینک این اسناد را که تا کنون منتشر نشده با نام « برگ‌های تاریخ » بصورت یک کتاب عرضه میدارم .

این کتاب ششمین کتاب محتوی اسناد است که با پژوهش و کوشش من منتشر می‌شود. اینگونه اسناد زمینه تحقیق بیشتر را برای پژوهشگران تاریخ قرن گذشته ایران فراهم می‌آورد و نیز وسیله سنجشی برای مقایسه اوضاع داخلی و سیاسی ایران یک قرن پیش با ایران سربلند و آباد امروز در دسترس نسل جوان قرار می‌دهد تا بتواند با سانی گذشته را با اکنون مقایسه کند و روزگار خود را قدر بداند.

- ابراهیم صفائی

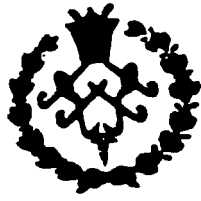
- 
- ۱ - میرزا نبی خان قزوینی لقب امیردیوان داشنه و سالها وزیر عدلیه و سپس والی (استاندار) فارس و اصفهان بوده و «ماه نوش لب خانم» سی و ششمین دختر فتح‌علی شاه را به‌سری گرفته و از او نیز پسری بنام «داراب» داشته است.
  - ۲ - کلنل منتویچ و کلنل شیونسکی فرماندهان قزاقخانه و نظام اتریش.
  - ۳ - میرزا سمیدخان انصاری گرمرودی (مؤتمن‌الملک) از سال ۱۲۶۸ تا ۱۲۹۰ ق وزیر خارجه ایران بود و در سال ۱۳۰۱ ق درگذشت.
  - ۴ - قراسوردان کلمه‌یی است ترکی بمعنی «سیاهی‌پرس» و این واژه از عثمانی اقتباس شده است، در ایران نیز پیش از مشروطیت «اموران گشت شب» ده‌گذریان ناشناس را با خطاب «سیاهی کیستی؟» دستور توقف میدادند و بازجویی میکردند.
  - ۵ - متوفی بسال ۱۳۰۶ ق
  - ۶ - متوفی بسال ۱۳۰۳ ق
  - ۷ - هر دو کتاب یاد شده تألیف محمود فرهاد منمند میباشد.

## سند اول

فرمان تقدیر از خدمات سپهسالار با خط ناصرالدینشاه

مهر ناصرالدینشاه

چون همه روز جناب سپهسالار اعظم خدماتی بظهور میرساند که موجب رضای خاطر ما است، بخصوص در انتظام عمل قشون و سایر متعلقات آن اهتمام و دولتخواهی فوق العاده بظهور رسانیده است و در این اوقات هم که اداره مملکت معظم خراسان و استرآباد و سیستان را بعهده او محول فرموده ایم قرارهای شایسته و طرحهای تازه در انتظام امور آن ممالک و سرحدات بنا نهاده است، بیشتر موجب خشنودی خاطر ما شد، یک سرداری نظامی باشمسه مرصع از تن پوش خودمان را برای افتخار ایشان التفات فرمودیم - ۹۳ سیچقان ثیل .



خبرك هم از منو خدا بزرگوار عظيم فرزانه  
 برابر انتم زانك

الذات فرسولم نياورد ساز و مذهب ز غنا و عطا است

بعضی در اعطای عمر توک در استعداده ال  
 ۶۳  
 ۶  
 ۶

در کماله ذوق اعلا نیاورد ساز و مذهب و در این ادوات

۱۱ / دله ملک عظیم و ناله زنگاره سولهه ار

ممول رفیع الم تسلط با شایسته در اعطای امور که  
 و طوع و عذر آن

ما یک در سر راه بنا اندک به بند مذهب خودتغیر

یک سردار از نفا من با بسته رفیع از تنی لوش حمان

فرمان تقدیر از سپهسالار

## سند دوم

فرمان وزارت جنگ و وزارت خارجه سپهسالار در سازمان تازه که در ۱۲۹۵-ق-  
داده شده است

امضا و مهر ناصرالدینشاه

برای تحصیل آن نوع انتظامات که در امور کلیه مقصود خاطر خطیر همایون است  
ترتیبات جدید در ذیل شرائط و حدود معینه مقرر داشته ایم که با تأییدات غیبیه و  
فضل خداوندی کار مملکت مظهر انتظامات و قرین امتیازات خواهد شد، یک شعبه اهم  
و رشته اتم بهمه کفایت جناب اشرف سپهسالار اعظم مقرر است و باید بشرح ذیل  
مراقب اجرا و انجام تعلیمات و مقررات علیه همایونی بوده در نیک و بد این کارها  
که مستقلاً و منحصرأ بهمه اوست خود را بالانحصار مسئول داند و بغیرت و کاردانی  
خود همان درجه کفایت و کارگذاری را ظاهر کند که خاطر ما از وجود او منتظر است .  
امر قشونی کلاً و مستقلاً بدون استثنای جزئی با شرایط و لوازم آن که از  
شرح و تفصیل مستغنی است، امور خارجه با آنچه حق و شرط این وزارت است، سمنان ،  
دامغان، شاهرود، بسطام ، خراسان ، سیستان ، استرآباد ، گرگان ، ترکمان ، قزوین ،  
خمسه ، گروس ، آذربایجان، خرقانین ، یهود و مسیحی و کبر، امور سرحدیه و تذکره،  
فی ۱۵ شهر شوال المکرم بارس ثیل ۱۲۹۵

ناصرالدینشاه در بالای این فرمان بخط خود نوشته است « انشاءالله مبارک و

میمون است .»



وزارت جنگ و نیروی دریایی

بازرسی آن نواحی است که در گذشته مورد خطرناکی است  
در زمینه شرایط و مرزهای مرزها استیم و با آنکه به نسبت قبضه زمینها

مناطق دین جوار است خواهد بود یک شبهه هم در گذشته است

بهر طرف بهای مدعوم است و با شرح زیر است

در گذشته است قبضه زمینها در یک و در این کار است

فرضاً که خاکسار زمینها در کار است و در این کار

کنند و خاطر دارند و در این مناطق

آمدن قوتها که در گذشته بدون آنها بر این مناطق است

آمدن خارجیه با این جهت و در این مناطق است

مردان است و استر با در کمان و در این مناطق است

مردان است و استر با در کمان و در این مناطق است

فرمان وزارت جنگ و وزارت خارجه سپهسالار

## سند سوم

متن مقرراتی که از طرف ناصرالدین شاه برای تعیین حدود وظایف و مسئولیت وزیران نوشته شده و پیوست فرمان هر یک از وزیران بوده است .

بسمه تبارك و تعالی

دولت علیه ایران برای انتظام امور و تحدید تکالیف و تحصیل نتایج صحیحه مطلوبه که مبدء و منشاء آن نظم داخله و استحکام اوضاع اساسیه است بتاریخ پانزدهم شهرشوال بارسئیل هزار و دوست و نود پنج هجری قرار کارها و دوائر و مهام مملکت را بشروح مندرجه در این ورقه تعیین و مرتب میفرماید .

مرجمیت وزارتخانهها و ادارات جزء و حکام ولایات و متصدیان امور و طبقات نوکر و صنوف اهالی در ذیل این قرارداد معلوم و مضبوط است و حدود هر کار بدرجهئی محفوظ خواهد بود که تعدی و تخطی از خطیثات و کبائر معدود و مرتکب آن مورد مجازات سخت می شود .

از روی این قرارداد هر کس تکلیف خود را خواهد دانست و دولت در نیک و بدکارها طرف مسئولیت و محل مدح و ذم و تحسین و توبیخ و الثفات و مؤاخذه خود را معین کرده است .

جناب اجل اکرم «آقا»<sup>۱</sup> بالاستقلال ولایات و امور مشروح را اداره خواهند کرد.

اصفهان ، یزد ، کرمان ، بلوچستان ، کرمانشاهان ، کردستان ، اسدآباد ، کنکاور ، عراق ، ۲ کمره ، عربستان<sup>۳</sup> لرستان ، نطنز ، جوشقان ، محلات ، فارس ، بروجرد ، گلپایگان ، خوانسار ، همدان .

نظم دفتر استیفا و محاسبات ، دیوان عدالت عظمی ، وزارت وظایف و اوقاف بشرح قواعد موضوعه جدیده، ایشیک‌خانه<sup>۴</sup> و انتظامات دربخانه ، تلگرافخانه ، گمرک ، بیوتات دولتی از قبیل صندوقخانه و رختدارخانه و زینخانه و غیره و غیره ، قنوات و باغات و عمارات دولتی ، امور خزانه و نظم و ترتیب جواهرات، عمله خلوت ، تفنگداران، جارچیان، شاطران، کالسکه‌خانه، اصطبل‌خانه ، چاپارخانه. جناب اشرف مجد سپهسالار اعظم بدین تفصیل کفایت مهام ملکیه خواهند نمود .

امور قشونی کلاً و مستقلاً بدون استثنای جزئی با شرائط و لوازم آن که از شرح و تفصیل مستغنی است . امور خارجه با آنچه حق و شرط این وزارت است. سمنان ، دامغان ، شاهرود و بسطام، خراسان ، سیستان ، استرآباد، گرگان، ترکمان ، قزوین ، خمسه ، گروس ، آذربایجان ، خرقانین ، یهود و مسیحی و کبر ، امور سرحدیه ، قورخانه، جبه‌خانه ۵ ، خزانه نظام ، ذخایر قشونی و غیره و غیره . حضرت والا نایب السلطنه ۶ ولایات و امور مشروحه ذیل را اداره خواهد کرد. حکمرانی و انتظام طهران کما فی السابق ، قم، ساوه، زرنند ، ملایر، تویسرکان کاشان ، نهاوند ، گیلان ، مازندران ، دماوند ، فیروزکوه ، عرایض و حوائج علماء سادات و محترمین بتوسط ایشان بحضور مبارک میرسد، شاهزادگان و منتسبین خاندان سلطنت ذکوراً و اناثاً هر نوع حاجت و استدعائی دارند بایشان اظهار کرده بواسطه ایشان بحضور همایون عرض. میشود و جواب بایشان رسیده بآنها ابلاغ خواهند نمود، امور تجارت و محاکمات این طبقه با اطلاع و صوابدید ایشان خواهد بود.

فقط نواب اعتضاد السلطنه،<sup>۷</sup> جناب علاء الدوله<sup>۸</sup> ، جناب عضد الملک<sup>۹</sup> ، جناب امین السلطان ،<sup>۱۰</sup> مقرب الخاقان میرشکار حق دارند که در خدمات مرجوعه



بخودشان کما فی السابق مستقیماً بحضور همایون عرض مطالب کنند و در امور و ابواب جمعی خود کما فی السابق مستقل خواهند بود، مگر امریکه متعلق بایشان است مربوط بیکه از ادارات مستقله ثلاثه باشد که با المناسبه بمحل خود اظهار و تحصیل جواب خواهند کرد، این استثنا که در حق ایشان منظور شده است فقط برای خدماتی است که بآنها محول است و هیچ جزء آن بجائی مربوط نیست، یا امور شخصیه خودشان که میتوانند مستقیماً بحضور همایون معروض دارند.

در موجبات استقلال و حفظ حدود و شرایط استیلای صاحبان ادارات که مرجع خدمات دولت هستند از جانب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی لازمه رعایت و تقویت مرعی و معمول خواهد بود، باید دانست اداره یعنی حصد و مقصود از این ترتیب و قرار داد چیست؟، معنی اداره حفظ مال دیوان است و نگاهداری حکام و منع آنها از تعدی بر رعیت. ایجاد قوانین و قواعد جدید که متضمن آبادی ولایت و حفظ رعیت و انتشار صنایع و رواج تجارت و اکتشاف معادن و ساختن راهها و پلها و نگاهداری ابنیه و عمارات و گذاشتن نظم درست که مردم از مال و جان ایمن و آسوده باشند و عرض و ناموس خلق محفوظ باشد، حفظ طرق و شوارع، تادیب و قمع اشرار و قطاع-الطریق، تراشیدن خرج بی معنی برای دولت، زیاد کردن منافع و عایدات ملکی و کم کردن مخارج و مصارف بیهوده و بی معنی، ایصال حقوق مردم، رساندن حقوق دیوان بخزانه دولت بموقع و وقت، برقرار کردن دیوانخانه های مظالم دولتی در هر شهر و بلد در کمال استقلال که بعراض مظلومین آن ناحیه در نهایت بی غرضی رسیدگی شود و اجمالاً اینکه در اداره معموله باید بی فوت فرصت ایجاد چنان انتظامات و قرارها کنند که موجب حصول نتایج خوب و مفید شده عارضین اطراف آسوده، طرق و معا بر امن، رفتار مباشرین و کارگذاران قرین عدالت، اسباب تجارت

و آبادی همه جا فراهم ، لوازم تامین و اجتماع تفاریق و پراکندگی رعایا ممهد باشد  
اما تکالیف صاحبان اداره .

در مخارج ولایات و سایر وجوهات فقط اسناد و احکامی را محل اعتنا و قبول  
بدانند که بصح و امضای همایونی موشح است لا غیر و در آخر هر سال حساب ولایات و  
وجوه جمعی خود را بلاعذر و بلا تأخیر و بموجب مستندات صحیحه در دفتر  
بگذرانند .

امور و اعمال هر حاکم و عامل از جزء و کل حتی بلوکباشی ها را مراقب باشند و از  
سلوک و رفتار آنها بی خبر نمانند و روزنامه های صحیح بخفیه و آشکاراز رفتار و کردار  
آنها بگیرند و ملتفت باشند که آنها از حد خود نگذشته برعایا و زیردستان  
تعدی نکنند .

امر و احکام دولت را فوری الاجرا دانسته ساعتی تاخیر ننمایند .  
هر يك از صاحبان اداره باید در جزء و کل امور مرجوعه خود را مسئول  
بدانند .

باید این سه وزیر خود را «کنفس واحد» فرض کرده و خودشان را در مورد  
خبر و شر و نیک و بد شریک و سهیم بدانند باین معنی که اگر به احدی اختلالی رود  
هر دو نفر دیگر متفقا باو امداد کنند و تا آن جزء کار باصلاح و انتظام نیاید آرام  
نگیرند و کلیه معین یکدیگر باشند ، مداخله بکار یکدیگر را حرام بدانند و  
بالفرض اگر سهواً کاری متعلق بیکی از ادارات بجای دیگر رجوع شده باشد ، فوراً  
بمرتکب حالی کنند که پیرامون این خلاف نگردد ، مداخلات بغیر حق ، خلاف قانون  
و یا ساو خطای عظیم است .

باید هیچ مفسد و مفتنی نزد این سه وزیر راه نداشته و احیاناً اگر احدی فضولی

و فتنه آمیزی کند باید گوینده را هر که باشد دندانش را کشیده بمشتش بگذارند که دیگران عبرت بگیرند .

حکام ولایات باید رجوعشان بالانحصار با اداره متبوعه خودشان باشد و مأذون نیستند بنخیه و آشکار حتی باحوال پرسی و اخوابیات به اشخاص دیگر و جا های دیگر کاغذ بنویسند .

صاحبان ادارات در امور قشونی بجناب اشرف سپهسالار اعظم رجوع کرده خودشان مداخله نمایند و كذلك در امور خارجه و مسائل سرحدیه بایشان اطلاع داده جواب بخواهند .

مطالب اظهاریه از ولایات را صاحبان ادارات بعرض حضور همایون رسانیده و از جوابهایی که خواهند نوشت خاطر مبارک رامستخضر میدارند .

گذشته از ادارات مستقله و تکالیف مخصوصه که شرح داده ایم هفته دو روز معین که شنبه و سه شنبه باشد وزرای ثلاثه در مجلس خاص دولتی نشسته چند نفر دیگر از وزرای عاقل و کافی حاضر کنند در کلیه مسائل دولتی و اموراتصلیه مملکت و ترقیات هر شعبه از قشون و غیره گفتگو کرده حاصل مذاکرات و قراردادهای آن مجلس را بعرض رسانند .

نوشتجات و عرایض و مطالب و اظهارات ادارات بسوایل مختلفه بحضور همایونی فرستاده نخواهد شد ، فقط بتوسط امین الملک<sup>۱۱</sup> کلیه نوشتجات و عرایض بحضور رسیده جوابها و احکام علیه را منحصرآ امین الملک بادارات ابلاغ خواهد کرد ..

حالا معنی مسئولیت را بگوئیم که مکرر در ضمن قرارداد های دولت لفظ مسئولیت گفته شده است و چون معنی و تفسیر آن را ندانسته اند بنظر سهل کرده اهمیت

آنرا منظور نداشته‌اند، در وقوع خلاف تعهد مرجع خدمت و مدیر امر مسئول است باین معنی که قصور غیرت و عدم کفایت خود را ظاهر کرده وقت دولت را ضایع و کار مملکت را معطل نموده است، به‌ازای این تقصیر مورد پرسش و مواخذه و از تمام اعتبارات و امتیازات محروم خواهد شد .

و باز از تکالیف صاحبان اداره است و بفقرات سابقه الحاق میشود که در ولایات اطبای حاذق بحفظ صحت و معالجه اشخاص و اهالی گماشته در هر بلوک که مرکز یک حکمرانی است مجلس حفظ صحت مقرر دارند و روزنامه جات این مجالس و اطبا مرتباً بطهران رسیده ملاحظات لازمه در نگاهداری و سلامت نفوس محترمه مملکت بشود و در هر جا دواخانه ها و ملزومات علاج امراض فراهم گردد . تمام آبادیها و بتخصیص شهرها باید از هر جهة پاك و تمیز شود بطوریکه وجهاً من الوجوه کثافات و ناپاکی موجب حدوث امراض و علت امزجه و اتلاف نفوس نشود .

هر بلد قانون آبله کوبی را به اطفال خردسال مجری دارند چنانکه در هیچ آبادی حتی طوایف صحرا نشین از این معنی غفلت نشده بلکه مسامحه و اهمال در این کار در تحت تنبیه و مجازات معدود شود .

از تلگرافخانه روزنامهجات ولایات را بمناسبت هر اداره نزد وزرای مسئول خواهند فرستاد که بعد از ملاحظه و تحصیل اطلاعات فوراً بحضور همایون فرستاده خاطر مبارک را از اتفاقات هر سمت مستحضر دارند، از امور واحوال قشونی و سرحدی در هر جا باشد صاحبان ادارات بجناب اشرف سپهسالار اعظم اطلاع خواهند داد .

نوشتجات حکام و مطالب سائره را از ادارات مستقله بطور اختصار و بدون حشو و زوائد نزد امین‌الملک خواهند فرستاد و امین‌الملک همان اصل و خلاصه را عرض کرده هر گونه زوائد را ترك و جوابهای لازمه و احکام مقتضیه را تحصیل و به

## ادارات ابلاغ خواهد نمود .

بندگان اعلیٰ حضرت اقدس شاهنشاهی بالصرّاحه مقرر فرمودند که من بعد هر چه احکام و فرمایشات برای هر کس و هر جاست بعنوان ادارات مستقله مرقوم شود و بالمناصبه رجوع هر کاری و حدود هر فرمایشی با ادارهئی باشد که آنکارو آن شخص بآنجا مربوط است و در این معنی انتظام امر و استقلال وزرای ثلاثه کاملاً مرعی خواهد شد .

مهر و امضای شاه و لاک و مهر سلطنتی ۱۲

- ۱- میرزا یوسف مستوفی الممالک ( از ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ ق صدر اعظم بود )
  - ۲- سلطان آباد اراک ۳- خوزستان ۴- تشریفات ۵- اسلحه خانه
  - ۶- کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه ( پس از عزل سپهسالار با گرفتن لقب امیر کبیر وزیر جنگ شد و شانزده سال این مقام را داشت و سازمان نظامی ایران را مختل و پربشان کرد )
  - ۷- علیقلی میرزا وزیر علوم ( از شاهزادگان دانشمند و نیکنام دوره قاجاریه )
  - ۸- محمد رحیم خان قاجار رئیس کشیکخانه و فراشخانه سلطنتی
  - ۹- علیرضاخان قاجار مهردادشاه و رئیس ایل قاجار ( و نایب السلطنه در آغاز سلطنت احمد شاه )
  - ۱۰- آقا ابراهیم وزیر دربار - سابقاً رئیس آبدارخانه سلطنتی ( پدر میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم )
  - ۱۱- میرزا علیخان منشی حضور ناصرالدین شاه و عضو دارالشورای دولتی ( بعد لقب امین الدوله گرفت و رئیس دارالشوراشد و در زمان مظفرالدین شاه هم یکسال مقام صدارت داشت )
- توضیح- در پایان صفحه شانزدهم مقصود از «میر شکار» مصطفی قلیخان است که پس از فوت رحمت الله خان ساری اصلاً رئیس شکارخانه ناصرالدین شاه شد .

۱۲- اصل این نوشته در وزارت خارجه و در مجلس موجود است ، تاریخ تنظیم این مقررات سه ماه پس از بازگشت ناصرالدین شاه از دومین سفر اروپا بوده و پیداست که مشاهده صنعت و اقتصاد شکفته و شهرها و روستاهای آباد و پاکیزه و قوانین و نظامات انسانی و پیشرفته اروپا در فکر او تأثیر کرده و به تنظیم این مقررات نو پرداخته تا شاید ایران عقب مانده آن روزهم گامی بسوی تمدن جدید بردارد و ایرانیان محروم آن زمان نیز از امنیت و عدالت بهره گیرند ، برخی از این نظامات بصورتی ضعیف اجرا شد اما بسیاری از کارگذاران بزرگ و کوچک عرصه استبداد که از خود کامکی و خود سری و آزمندی دست برنمیداشتند و برای پاس منافع و اغراض خصوصی و نامشروع خود با اجرای عدالت و قانون و رعایت حقوق عمومی بسختی مخالف بودند ، بیشتر این مقررات را از همان آغاز کار نادیده گرفته و بفراموشی سپردند و پس از برکناری سه سالار ( که خود خواهان و نظامات نو و اصول دادگری بود) آسوده خاطر به روش استبدادی خودیش ادامه دادند .



## سند چهارم

فهرست سه مورد از موارد اختلاف سپهسالار ( وزیر جنگ و وزیر خارجه ) با میرزا یوسف مستوفی الممالک ( وزیر مالیه و عدلیه ) که بدستور شاه از طرف امین الملک ( امین الدوله ) با سپهسالار سؤال و جواب شده و راه حلی پیش بینی گردیده و صورت سؤال و جواب بخط میرزا علیخان امین الدوله تنظیم شده و ذیل آن به امضای شاه رسیده است .

سه فقره از مسائل کتابچه معروضه جناب آقا ۱ بگفتگوی با جناب سپهسالار اعظم موقوف بود حسب المقرر مذاکره شد جواب جناب معزیه الیه این است .  
اولاً- در باب محاکمات دایره فیما بین اهالی نظام و اتباع وزارت امور خارجه و سایر طبقات، این اظهار تأمل و ملاحظه که شده است میگویند لازم نیست ، همه افراد خلق رعیت یک دولت و در زیر یک حکم و یک قاعده هستند اگر باز هم احتمال مخالفت و مغایرتی در این دو دستگاه بزرگ درست بود این فقره بایستی اظهار شود ،

بحمدالله این خیالات نیست و با توجهات خاطر همایون باید موافقت چاکران درباری سبب پیشرفت خدمت دولت شود، عارض اگر از اتباع وزارت خارجه یا اهالی نظام است بارقه نزد جناب آقا فرستاده می شود موافق قانون معدلت بهره مقتضی است احقاق حق کنند و بالعکس اگر اهل نظام و اتباع وزارت خارجه طرف شکایت باشند جناب آقا عارض را بارقه میفرستند قرار احقاق حق اوبسای نحو کلان داده خواهد شد .

ثانیاً- در باب حساب وجه نظام و قورخانه و ملبوس و بروات خارجه و نظام سؤال

شده است که دفتر استیفا حق رسیدگی و تصحیح را دارد یا نه (؟) میگویند هر حساب و هر سند وقتی صحیح خواهد شد که دفتری شود و البته همه این محاسبات باید بدقت بیاید لیکن جناب آقا قدغن‌کنند گفتگویی که احياناً در يك فقره بهم میرسد از دفترخانه بجناب آقا اظهارکنند و ایشان بمن بنویسند، من از آنها که دخیل این امور و مسئول کار خودشان هستند می‌پرسم و جواب را مستقیماً بجناب آقا اظهار میکنم که یارفع اشتباه دفتریان بشود یا غلطی که واقع شده است اصلاح کنند.

ثالثاً - در حساب و بروات اهل نظام وزیر لشکر میتواند طرف سؤال و جواب

شود یا خیر (؟)، میگویند البته با اینکه مهر وزیر لشکر در نزد من سند صحت بروات و احکام قشونی است لکن در مسائل لازمه همینکه بسؤال و جوابی احتیاج شد از من سؤال خواهند کرد و بتوسط من اطلاعات وزیر لشکر را خواهند دید، بیواسطه وزیر لشکر نمیتواند طرف سؤال واقع شود.

در باب اهالی نظام و اتباع خارجه که دخیل عمل مباشری و حکومت باشند یا کسان و بستگان آنها سؤال شده است که در معامله با آنها تکلیف چیست (؟) میگویند مادام که احدی از این قبیل اشخاص طرف گفتگو باشند بمجرد اظهار جناب آقا در موقف حساب حاضر خواهم کرد و بعد از تشخیص اینکه چیزی بدمه آن شخص وارد است وزارت جنگ و خارجه عاجلاً قرار ادای حقوق دیوان را خواهد داد.

محل امضای ناصرالدین شاه

۱- عنوان «آقا» و «جناب آقا» ویژه میرزا یوسف مستوفی الممالک بوده و بمناسبت

بزرگواریهایی که داشته او را «آقا» و «جناب آقا» خطاب میکردند.



افشای و این آقا. در راه بخت میسر. آنچه تو هستی

آن در صواب و بدعت ایستاد. نیز نظر تیر در آن کلاه بگریز  
کجاست بتر. با سینه درین کوه دراز نشسته و کجاست بزم تیر  
مجلس صندلی بکشد. مجال جدید استیج. در آن راه نهد که بر کوه  
افشای نیز نظر را خوانیم. و بهله نیز نظر تیر را در کوه

صواب و بدعت ایستاد. در این راه بخت میسر. آنچه تو هستی  
کجاست بتر. با سینه درین کوه دراز نشسته و کجاست بزم تیر  
مجلس صندلی بکشد. مجال جدید استیج. در آن راه نهد که بر کوه  
افشای نیز نظر را خوانیم. و بهله نیز نظر تیر را در کوه

سرسختی و این آقا. در راه بخت میسر. آنچه تو هستی

نظر. در این راه بخت میسر. آنچه تو هستی. در آن کلاه بگریز  
کجاست بتر. با سینه درین کوه دراز نشسته و کجاست بزم تیر  
مجلس صندلی بکشد. مجال جدید استیج. در آن راه نهد که بر کوه  
افشای نیز نظر را خوانیم. و بهله نیز نظر تیر را در کوه

صواب و بدعت ایستاد. در این راه بخت میسر. آنچه تو هستی  
کجاست بتر. با سینه درین کوه دراز نشسته و کجاست بزم تیر  
مجلس صندلی بکشد. مجال جدید استیج. در آن راه نهد که بر کوه  
افشای نیز نظر را خوانیم. و بهله نیز نظر تیر را در کوه

## سند پنجم

نظریاتی است که سپهسالار برای پیشرفت کارهای وزارت جنگ و وزارت خارجه به شاه پیشنهاد کرده، متن پیشنهاد بخط امین الدوله است .

جناب سپهسالار اعظم عرض می‌کند، اینکه دیروز سند مسئولیت خود را در امور وزارت جنگ و کارهای وزارت خارجه بلا تأمل نوشته بایک شرط عرض کرده بودم از روی صدق مسئله بود که هر دو کار بسته برسیدن پول در وقت و موقع است و هیچ دلیل نمیخواهد که اگر پول قشون و مواجب و مرسوم اتباع وزارت خارجه خوب و بوقت رسید در حسن ترتیب و اداره این دو کار محظوری نمی‌ماند .

این محل که برای قشون از گیلان و اصفهان و گمرک معین شده است موافق تشخیص دفتر لشکر برای مخارج معین و معلوم است علاوه بر این غالباً مخارج اتفاقی بهم میرسد که اگر در رسیدن وجه بروات و حواله‌جات تأخیری پیدا شود و در برسد علاج آن خارج از اقتدار من و مضر این درجه مسئولیت است، باید در این باب قراری داده شود که یا حواله‌جات بی تأخیر برسد یا این تأخیرات را از عالم مسئولیت من مستثنی فرمایند .

(شاه در زیر این پیشنهاد نوشته است «علاء الدوله عرض کرد که جناب آقا قسار

دیگر در فقره پول دادند که زود و خوب برسد»)

باقی دستور العمل تنگ‌بند گیلان را موافق امر همایون کلید برای مخارج قشونی معین کرده‌اند، چون احتمال بعضی مخارج اتفاقی و ادعائی و ظهور بعضی تأخیرات است لازم است که صد هزار تومان از گیلان و یکصد و بیست هزار تومان دیگر را از محل دیگر مرحمت فرمایند .

(شاه نوشته است «علاء الدوله عرض کرد جناب آقا محل دیگر هم مشخص کردند»)

حد زحمتی که در اداره قشون و امورات وزارت امور خارجه بوجود مسعود  
همایون راجع است :

در کلیات امور لشگری احکام علیه همایونی صادر خواهد شد و بس ؛ دیگر  
در جزئیات و کارهای کوچک چه متعلق به دسته جات یا اشخاص وجود مسعود  
مبارک قبول هیچگونه زحمت نمیفرمایند و هر وقت در اصول مسائل و رثوس کار  
حرفی باشد فقط برای اطلاع خاطر مبارک عرض می شود .

(شاه نوشته است « بسیار خوب »)

امور خارجه و مذاکره با سفرای خارجه را و مامورین ایندولت که در خارج  
هستند با خیالات و اطلاعات خود مقرون بکمال مصلحت و صرفه دولت علیه فیصل  
خواهد داد .

در این امور هم تنها علم و اطلاع خاطر همایون را تا هر درجه مایل باشند  
باقتضای اراده علیه مقرر خواهند فرمود .

در زیر این پیشنهاد هم شاه نوشته است « بسیار خوب »

در پیشگاه حضرت شاهنشاهی

مقامات دولتی و اهل قیام و عبادت و علم و ادب و کرامت و شرف و کبریا  
 بهت برکت و عفو و بخشش و رحمت و مهربانی و کرمی و سخاوت و  
 در آنست که هرگز در این عالم و این زمانه کسی را ندیده ام که  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و

بصفت

و

بنا بر این که این مملکت که در پیشگاه حضرت شاهنشاهی  
 در آنست که هرگز در این عالم و این زمانه کسی را ندیده ام که  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و

در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و

بنا بر این که این مملکت که در پیشگاه حضرت شاهنشاهی  
 در آنست که هرگز در این عالم و این زمانه کسی را ندیده ام که  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و  
 در راه حق و عدل و انصاف و احسان و کرمی و سخاوت و

## سنبل ششم

دستخطی است که ناصرالدین شاه در پاسخ یادداشت سپهسالار و تأیید استقلال و اختیارات او در ۱۲۹۳ ق نوشته است. (یادداشت سپهسالار بدست نیامد)

مهر ناصرالدین شاه .

جناب سپه سالار اعظم

مختصر جواب عرایض شما این است که امر قشون و وزارت خارجه هر دو به شما محول است و اهمیت هر دو امر در نظر ما واضح است و چون انتظام این دو امر را [از] شما خواسته است هر چه بکنید و هر قدری بدهید و هر عرضی بکنید پذیرفته است و هیچ محل ایراد و بحثی نیست .

مکرر این حکم را کرده ام حالا هم می نویسم، اما اگر خودتان کوتاهی بکنید و عقب کار نروید، بی نظمی را راجع بپاره چیزهای دیگر نکنید .

اگرچه اهتمام در امور و پی کار روی شما معروف و مبرهن است بعد از ملاحظه این دستخط حقی دیگر نخواهید داشت که در بی انتظامی این دو امر عرض بکنید یا بشکوه بنمائید، شما هم با آن دولتخواهی و عقلی که دارید البته ملاحظه استقلال پیشکاران ولایات و حکام و دلخوشی مردم را باید بکنید که چون هر یک از نوکرها و طبقات همه در کارهای محوله بخودشان مسئول هستند و دولت انتظام آن عمل را از آن‌ها می خواهد بهانه بدست آنها نیفتاده در کار خودشان مستقل باشند و مأیوس نباشند، همه اینها ملاحظاتی است که در انتظام عمل دولت است و الا هیچ ملاحظه اشخاص نیست  
زیاده چه بنویسم (؟) ۹۳

در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 از نیت در کف دست من  
 در اول تابستان هر سال  
 سفلی است و در کف دست من  
 و الله اعلم بما فی قلبه  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین



در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین  
 در وقت نظام ده معرکه آسمان و زمین

## سند هفتم

گزارشی است که سپهسالار به شاه نوشته و از تفتین و سمایت درباریان و رجال نسبت بخود شکایت کرده است .

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم، غلام خانه زاد از شدت اطمینان بصدقت و امانت و درستکاری هر وقت عباراتی که مغایر و مخالف این صفات باشد اگر چه از افواه مردمان مغرض و حسودعاری از این عوالم هم باشد بواسطه استماع نمایم بشدتی پریشان و بدحال میشوم که مافوقی بر آن متصور نیست و اگر خدا نکرده بدانم یا بفهمم که ذره‌ئی از اطمینان همایونی نسبت باین غلام خانه زاد فتوری رسیده است محققاً مرگ و موت را باین قسم زندگانی ترجیح خواهم داد ، این غلام بیمقدار از تصدق خاکپای مبارک و اثر توجه و تربیت ملوکانه روحانفداه بامردان بزرگ و وزیرای نمره اول روی دنیا داعیه همسری دارم و این مردمان از خدایی خبر در چه عوالم میخواهند خانه زاد را داخل نمایند .

خلاصه عملشش ساله خزانه نظام و یکساله محلی را در ضمن چند فردا و سه عریضه معروض داشته تقدیم خاکپای مبارک نمودم و عرض مینمایم عمل درست و صحیح که در عرایض و افراد ۲ نوشته و عرض شده است، جمیع آنها را بهر محکمه و مجلس که میل مبارک اقتضا نماید رجوع فرموده یا بدست هر موافق و مخالف این غلام خانه زاد بدهید اگر توانستند یکدنیار اخلاف و یاسهو و نسیان بیرون بیاورند و در خاکپای مبارک ثابت و مدلل نمایند، آنوقت غلام خانه زاد مورد هر نوع ملامت و شماتت و مواخذة و سیاست میتوانم بود .

اگر صداقت و امانت و درستی خانه زاد مرة بعداولی در خاکپای مبارک بدرجه ثبوت و وضوح رسید آنوقت اگر عرضی بنخاکپای مبارک کرده باشند بدانند که میخواهند این یکنفر غلام خانه زاد و تربیت یافته همایونی که در امورات دولت يك حرکت مذبوحی مینمایم و يك های و هوی بسیار ناقص دارم اوهم نباشد و ضایع گردد ، در آن صورت تنبیه و مجازات این قبیل اشخاص موقوف بعدالت و مروت و خانه زادپروری ذات اقدس همایونی روحنافته خواهد بود . امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع غلام خانه زاد حسین

شاه بالای گزارش سپهسالار چنین نوشته است

جناب سپهسالار اعظم - عرایض شما همه را دیدم و افراد گذشته و هذه السنه همه را خواندم . اگر ایرادی در حساب وجوه قشونی بوده بر شما نبود که لازم بشود اینطور عرایض بنویسید و افراد بفرستید ، همین معاملات قشونی و خزانه است که همه ساله بوده است و بخوبی گذشته و اختتام یافته است . انشالله امسال هم بطور شایسته و بی عیب خواهد گذشت ، بهچوجه نگرانی خاطری نبوده و نیست ، افراد و عرایض را فرستادم که ضبط نمایند . باید اهتمام در وصول تتخواه هذه السنه و کهنه بشود بخصوص مواجب محلی توشقان نیل قسمتی که نزد حکام محلی مانده است باید دولت خاطر جمع بشود که این مبلغ کزاف که از کیسه دولت بیرون رفته است بنوکر داده است یانه (؟) این کار خیلی خیلی جای دقت و تأمل است ، وهم چنین معامله محلی هذه السنه لوی نیل روی توشقان نیل برود سربه کروورات میزند ، خیلی جای دقت است و اهمیت دارد ، (۱۲۹۶) .



## سند هشتم

گزارشی است از سهالار در باره خزانه نظام و پای افزار و ملبوس قفون

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم . دستخط مرحمت آیت مبارک اقدس همایون اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحانفداه که در صدر عریضه عاجزانه چاکرانه فدوی در باب تنخواه خزانه نظام شرف صدور یافته بود که امین الملک در مجلس بنواند و توضیحات لازمه بشود، زیارت باعث افتخار و سرافرازی و مباحات شد. امین الملک هم رسید امشب هم که شب سه شنبه بود مجلس شد لکن قرار شد که در مجلس آتیه صورت وجه خزانه نظام قرائت و توضیحات لازمه بشود پس از اتمام آن بمرض خاکپای مبارک خواهد رسید . موازی دوهزار و دو بیست جفت لبعین آجیده دوخته سابق بر این جلیل خان تحویل انبار ذخیره کرده براتش هم بشرف صدور مقرون گردید، این روزها نیز موازی دوهزار و هشتصد جفت دیگر از همان لبعین ها تحویل علی محمد خان کرده است که قبض آن لفاً از عرض حضور مرحمت ظهور مبارک همایونی میگردد، امیدوار است مقرر شود قبض علی محمد خان را امین السلطنه ضبط کرده از خودش قبض بفرستد که چاکر فدوی برات صادر نماید.

هر قدر ملبوس قدکی که جلیل خان از انبار ذخیره استقراض کرده بود به انبار مزبور رد کرده و قبض گرفته است که ملفوفاً بشرف خاکپای مبارک خواهد رسید ، امور اینجا نیز از میامن اقبال مصون از زوال ملوکانه روحانفداه در کمال خوبی است از همه جا اخبار خوب میرسد، نوشتجات زیاد از خراسان و استرآباد رسیده است چون چاکر فدوی نمیخواهد خاطر خطیر مبارک اقدس همایونی ملوکانه روحانفداه را مشغول

ملاحظه آنها نماید و نوشتجات مزبور هم بحمدالله حاوی امر عمده و امر مهمی نبود برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نداشت، شجاع الدوله (۱) عریضه بخاکپای مبارک عرض نموده و دو توپ آغری برسم پیشکش فرستاده است بخاکپای مبارک تقدیم شد، درباب عمل روسها و آخال همانطور است که در مرآت خاطر خطیر مبارک ملوکانه روحنفاذ منعکس شده است و فرمودند، کار آخال باین سهولت و آسانی هم نیست، از نوشتجات شجاع الدوله که باین غلام خانمزااد نوشته، ولفاً بخاکپای مرحمت اقتضای مبارک تقدیم شده و از لحاظ قضاالحاظ مبارک میگذرد معلوم می‌شود که باین سهولت و آسانی نبوده است، در خراسان و استرآباد از توجهات خاطر آفتاب اثر مبارک امنیت و آسودگی است و در تبریز هم اگرآرام شده‌اند و دیگر شرارتهای سابق رفع شده است - الامرالاقدرالاعلی مطاع مطاع - غلام خانمزااد - حسین

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است

جناب سپهسالاراعظم - از روی دادامور مطلع شدم قبوض علی محمدخان را دیدم يك قبض لبقین را دادم امین السلطنه که خودش قبض بدهد و برات صادر شود ملبوس و چادر قرضی را هم بسیار خوب و زود تحویل داده است موجب مسرت شد، هر چه هم مانده باشد همینطور برسانند، صورت مجلس در فقره وجوهات نظام هر چه شد بعرض برسانید.

کاغذ شجاع الدوله را خواندم (۲) نقشه ذوالفقارخان را دیدم و دوباره اعاده دادم نگاهدارید بکار می‌خورد، الحمدلله نوشته‌اید از همه جا اخبار خوب رسیده است موجب ابتهاج شد، حکایت ایرلند در این موقع شکست در افغانستان (۳) چیز خوبی نیست از یوروپ هر نوع خبر برسد زودتر بعرض رسانند.

۱- امیر حسین خان قوچانی حاکم قوچان.

۲- در متن «خاندم».

۳- از اشاره بموضوع شکست در افغانستان میتوان این گزارش را مربوط به سال

۱۲۹۷ ق دانست.

گزارش سپهسالار در باره تعداد قشون ایران در سال ۱۲۹۲ ق

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم - دستخط مرحمت  
نمط انجم نقط مطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه که درباب تعیین عدد نفری  
نوکر و قشون موجب خوار دولت بافتخار اینغلام بی مقدار شرف صدور یافته بود  
دو ساعت قبل از این بشرف زیارت آن مشرف گردیده فوراً وزیر لشکر<sup>۱</sup> رانسانده  
از روی ثبت دفتر در دو طغرافرد نوشته فرستاده و دورقمه هم بخود این چاکر نوشته  
همگی از شرف عرض خاکپای مبارک لغاً می گذرد ، عدد قشون بصد هزار نفر بالغ  
می شود و از روی حقیقت این عدد قشون خیلی خوب و کافی است ، هرگاه این قشون  
بطوری که قاعده و قاتون نگاهداری قشون است باانتظام و منقح و با جیره و مواجب  
درست نگاهداشته شود ، خیلی فتوح میتوان باهمین قشون کرد، خاصه با ظل ظلیل  
مبارک اقدس همایون ملو کانه روحانفداه که سرآمده همه چیز است، معروضه شب ۲۶ جمادی  
الاولی ۱۲۹۲ - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانم زاد - حسین

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم - افراد رسید عدد نوکر الحمد لله خیلی است چون شما رئیس  
این جمع هستید انشاء الله منظم خواهد شد، صد هزار نفر قشون دارید ، بیست هزار  
نفر مثل ساخلو و لایات و تفنگچی استرآبادی، خراسانی و غیره و غیره موضوع شود  
هشتاد هزار نفر قشون میتوانید حرکت بدهید - ۹۲ - ۲ .

۱- میرزا عنایت

۲- این شماره افراد قشون با ساخلو و تفنگچیان محلی در زمان سپهسالار بوده ولی  
پس از وی که در وزارت جنگ بعهده کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه واگذار شد نظم دوره  
سپهسالار از هم گسیخت و شماره قشون کاهش یافت و بخصوص در زمان مظفرالدین شاه پراکنده  
و بی سروسامانی بسیار در قشون حکمفرما گردید .

## سند و هم

گزارش سپهسالار درباره استقرار قراسوران (واندارم) در راهها (۱۲۹۲ق)

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم - دیروز دوشنبه چهارم شوال بر حسب اراده مطاعه مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه وزیر لشکر ونصیرالدوله و امین السلطان واعتماد السلطنه و ناصرالدوله وحسامالدوله و نصرالملك و محمد صادق خان امین نظام و چند نفر دیگر را که از طرق و شوارع با بصیرت بودند حاضر و در باب قراسوران راهبائی که در دفتر قراسوران ندارد گفتگو و خراسان و استرآباد و مازندران و گیلان را موضوع نموده (۱) ، از برای باقی اماکن نهصدویست نفر سوار بموجب تفصیلی که در فرد علیحده لفاً از عرض خاکپای مبارک میگردد معین نمودند و از برای تعیین عده قراسوران (۲) خیلی دقت و مذاکره شد باینطور قرار گرفت، از صبح تا چهار ساعت بغروب مانده که این غلام خانزاد به تلگرافخانه رفت مشغول انجام این کار بودیم . هر گاه فرمایش شود امین السلطان تفصیل مجلس راشفاهاً بعرض خاکپای مرحمت پیرای مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه خواهد رساند .

صورت نقشه راهم که امر قدر نفاذ جهانمطاع خسروانه شرف صدور یافته بود به محمد صادق خاق امین نظام سپردم که نقشه را حاضر نماید ، چند روزی طول دارد. سلامتی و اقبال موکب فیروزی کوکب همایونی که از جاجرود تشریف فرمای شهر شوند نقشه مزبور از عرض حضور مرحمت ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه خواهد گذشت در باب قراسوران بهرطور امر قدر قدر مطاع صادر شود اطاعت خواهد شد -

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین -

شاه در بالای گزارش نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم - نظم راهها الزم امور دولت است هرقراری که برای امر قره سورانی و سواران که الی حال در راهها بوده اند داده اید همه مستحسن و تفاوت مخارج اینها همه قبول و از الزم مخارج است ، نقشه خوب بزرگ با معنی کشیده و بمن بدهید نسخه هم پیش خود نگاهدارید . از امروز انتظام طرق را از شخص شما میخواهم .

۱- ظاهراً در خراسان و مازندران و استرآباد و گیلان پیش از تاریخ این گزارش قراسوران بر قرار شده است .

۲- صورت صحیح کلمه «قره سوران» است ولی در فارسی بیشتر «قراسوران» تلفظ می شده است و بجز توضیحی که در باره معنی این کلمه در زیر نویس صفحه هفتم دادیم این نام را مرکب از دو واژه ترکی و فارسی «قره» و «سواران» نیز دانسته اند ، بمعنی سواران سیاه ، و «سوران» را مخفف «سواران» پنداشته اند لیکن همان معنی که در صفحه هفتم نوشته شد درست تر می باشد .

عظیم  
 صاحب سینه  
 قلم  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

توبه بکنم

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه  
 در این سینه

کتابخانه سلطنتی در راهها

## سند یازدهم

کزارشی از سپهسالار به ناصرالدین شاه درباره چند مورد از رویدادهای داخلی و خارجی .

قربان حاکمپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - دیشب را که سفیر کبیر از جانب دولت مدعو بود با کمال شوق و مباهات حاضر شده این خانه زاد دولت هم که همه وقت آمال و آرزویش شکوه و فر دولت است بنحویکه مقتضی بود تمهید لوازم نموده پنجاه و شش نفر هم از رجال دولت و امرای نظام در سر میز حاضر بودند سفیر کبیر خیلی مفتخرانه و مسرورانه علناً بذات اقدس ملوکانه روحانفاده دعا می کرد و بسیار خوشحال و خوشوقت بود ، شاهزادگان عظام و رجال هم تا انقضای مجلس همه بصحبت و مسرت و تقدیم دعوات مشغول بودند . محض استحضار خاطر مرحمت مظاهر اقدس شاهانه جسارت رفت .

دیروز عصر را هم وزیر مختار انگلیس<sup>۲</sup> نزد اینفلام آمده بود، خانه زاد از او پرسیدم که واقعاً يك هممه از بابت قشون انگلیس که در قندهار محصور بودند در میان مردم هست و تفصیل و حقیقت امر چه چیز است خود بیان کنید . وزیر مختار گفت: صورت مسئله بطوریست که مشهور است، قشونی که در محاصره قندهار داشتیم بیرون آمدند جنگ نمایند يك نفر ژنرال و يك نفر کلنل در جنگ با افغانها کشته شدند و بسیاری هم از صاحب منصب جزء و قشون مقتول شده و بقیه قشون دومرتبه به ارك قندهار که محصور بودند معاودت کردند و کمکی که از برای این قشون از کابل خواسته بودند دیروز به قندهار رسید و میگفت در این دو روز خبر خواهد

رسید و هر خبری برسد من خود بشما خواهم گفت ، اما میگفت، افغانها قسم خورده‌اند به قرآن که تا يك نفرشان هم باقی بماند جنگ کنند تا بعد چه شود ( ؟! ).

تلگرافی هم از حضرت ولیعهد<sup>۳</sup> در باب حمزه آقاى منگور<sup>۴</sup> رسیده بود که عیناً تقدیم شد، دیشب در این مورد با سفیر کبیر مذاکره شد، میگفت: حمزه آقا نمى تواند دیگر بخاك عثمانى و میان طوایف داخل شود زیرا که در این مدت رفتاری با افراد و ایلات نکرده که حالا بتواند بیاید. و قرارداد آنچه لازم است بنویسد.

در باب تفنگداران مأمور آذربایجان هم ابلاغ تلگرافی تلگرافچی سلطنت آباد دیروز عصر رسید و از امر مبارك مستحضر شد چون در ضمن معروضات دیروز این فقره را بموقف عرض رسانیده بود دیگر تجدید عرض نمود . الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین .

ناصرالدین شاه در بالای گزارش نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم - تفصیل مهمانی را آقا وجیه (د) عرض کرد ، خوب شد بسفیر کبیر خوش گذشت . در فقره حمزه آقا، حاکم ساوجبلاغ بی جهة ماده فسادى را فراهم آورده است، حمزه آقا، را که مطمئناً پیش حاکم میاید چرا باید حکم به گرفتنش بدهد و بعد از این کار بی قاعده نتواند بگیرد هم بدتر ، خلاصه این فساد زود تمام نخواهد شد و کار خوبی نکرده‌اند .

۱- فخرى بيك سفیر کبیر عثمانى

۲- تامسن

۳ - مظفرالدین میرزا (شاه)

۴ - حمزه آقا از سران گردنکش کرد بود که در مرز ایران و عثمانى نیروى محلى

داشت و دست بتجاوزهاى می‌زد، طوری که در یادداشت ناصرالدین شاه در این سند دیدیم بی

تدبیری و نادانى حکام محلى باعث تجرى بیشتر او می‌شده است، حمزه آقا پس از سالها

که بصورت نیمه‌یاغى در مرز ایران و عثمانى جنگ و گریز میکرد در ۱۲۹۸ ق بتدبیریا

فرب امیر نظام گروسى گرفتار شد و خود با سه نفر از خواصش بنام‌هاى سواد آقا - خضر آقا -

على آقا کشته شدند . ۵- وجیه‌الله میرزا (سیف‌الملک)



صفت برین مومنان

خبر از آنکه در آن روزها

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

روز قیامت است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

در آن روز که هر کس که در آن روز است

## سند دوازدهم

گزارش سپهسالار درباره مستشار مالی اتریشی و یادداشت ناصرالدین شاه درباره کار شکنی‌هایی که در کار مستشار می‌شده است .

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم - اگر چه خاطر مرحمت اثر الهام پذیر مبارک اقدس همایون اعلی حضرت قدر قدرت ظل الهی روحانفداه بر جمیع امور محیط و مستغنی از عرض چاکر فدوی است، لیکن از نقصان عقل عاجزانه بعرض عبیدانه جسارت می‌ورزد . این شخص اتریشی که از برای انتظام عمل مالیه احضار شده و آمده است<sup>۱</sup> چندی است در اینجا است و تا حال يك سه ماهه از مواجب خود را گرفته چند روز دیگر هم سه ماه دیگر را مطالبه خواهد کرد و همچنین تنخواه نقد خواهد گرفت و چاکر فدوی از اراده مطاعه مبارکه ملوکانه روحانفداه در حق او استحضار ندارد که تکلیف او چیست (؟) و در ازای این پول دولت که می‌گیرد چه خدمت باید بکند (؟) به چه کار مشغول شود (؟) در هر حال این عرض چاکرانه از روی قصور عقل عاجزانه است ، البته بهر طور اراده مطاعه مبارک تعلق پذیرد مقرر خواهند فرمود از آن قرار اطاعت و مجری خواهد داشت . الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین

دستخط شاه که مقداری از آغاز آن محوشده است .

جناب سپهسالار اعظم - قبل از عزیمت از طهران ... که گفتم همه روزه یا هفته چهار روز .... و همین شخص مالیه با اجزای .... بنشینید آنچه بنظر ... مالیه رسید از

اصلاحات مالیه و عمل گمرک و اوزان و مقادیر و .. و .. بنشینید حرف بزیند صورت مجلس را ناصر الملک<sup>۲</sup> بعرض برساند تا آنچه بسلیقه ما برسد و صلاح باشد حکم به اجرای آن بشود :

خود ناصر الملک و امین الملک<sup>۳</sup> این حکم را البته فراموش نکرده اند ، دیگر بعد از آن من ابدأ نشنیدم و نخواندم ( ۴ ) که چه مجلسی شد یا چه گفتند و چه شنیدند ، تکلیف ما بغیر از این نبود که حکم شد یک روز هم پی این کار نرفتند بسیار محل تعجب و حیرت است .

البته دستخط ما را بده ناصر الملک و امین الملک ملاحظه کنند و درحاشیه همین عریضه شما بنویسند به بینم چرا اجرای این حکم نشده است و معوق مانده (؟) مردی معطل ، پول دولت بدون جهة بخرج برود .

۱



۱ - نام مستشار مالی بلژیکی دانسته نشد

۲ - میرزا محمود خان ناصر الملک قراگزلو معاون صدارت و عضو مجلس شورای دولتی

۳ - میرزا علی خان (امین الدوله) منشی مخصوص شاه و مسئول پست و عضو مجلس

شورای دولتی

۴ - در متن « نخاندم »

*Handwritten notes in Persian, including a large heading 'فردا در یکشنبه' and several columns of cursive text.*

فردا در یکشنبه

جداست حسنه بین من تو شویم و نه ایام خندشده بگذرد

و با هم کین نهاده و جیب هموار تو چند روز میسم

مچا کوزه زنده ایچ به کجا روکا و رخ زنده دس ده و هم زنده ایچ

چند است پانجه بجو کار شوق تو در غم می شوئی با زده اندر همه خورشید با زده ایچ

## سنه سیزدهم

گزارشی از سپهسالار در باره قشون کرمانشاه و کردستان

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم، چا پاری که از برای ابلاغ نوشتجات مفصله دایره او امر قضا مظاهر جهان مطاع اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه در فقره حاضر و آماده نمودن قشون کرمانشاهان و کردستان و انعقاد اردوی «زهاب» و غیره نزد نواب حسام السلطنه (۱) رفته بود مراجعت کرده جوابهای شاهزاده را آورد که لفاً از عرض حضور مرحمت ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفداه میگذرد، همه مشعر بر اطاعت و امتثال امر قدر قدر خسروانه و سرعت اقدام در انجام آن خدمات و انعقاد اردوی «زهاب» است و از برای چادر و ملبوس و سیورسات قشون شرحی نوشته اند چاکر خانزاد هم از میان تربیت آستان ملوک پاسبان همایون تدارکات فوجی و کل لوازم را حاضر و آماده نموده و بدون یک طرفه العین غفلت مشغول تدارک این فقرات هستم و امیدوارم بهیچوجه فروگذار در هیچ نکته نشود و روز شنبه انشاء الله توپخانه با توپچی و ملزومات رو بکرمانشاهان بلا حرف حرکت می نماید و از برای این شش عراده توپ که از اینجا فرستاده میشود تویی دو بست تیر گلوله در قورخانه بستند حاضر است روز شنبه همراه توپهاروانه میشود، فهرست برواتی که لفاً از عرض خاکپای مرحمت پیرای مبارک میگذرد، اگرچه بشرف صحنه مبارک ملوکانه رسیده و کل بروات هم همانقدر که بشرف صحنه مبارک مقرون شد بمهر مهر آثار مشرف می شود لیکن عضد الملک (۲) میگوید چون در دستخط مبارک مرقوم نشده است که بمهر برسد از آن جهت بروات را بمهر مهر آثار مبارک مشرف نمی سازد، هر گاه اراده مطاعه مبارک قرار گیرد

در دستخط مرحمت آیت مبارک در فهرست مرقوم شود که به مهر مبارک برسد -  
 الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین  
 شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است .  
 نوشتجات حسام السلطنه دیده شد انشاء الله لوازم فوجی توپخانه را همینطور که  
 عرض کرده اید بموقع برسانید ، از پاره شدن سیم خط انگلستان اطلاع حاصل شد انشاء الله  
 هروقت مخابره شد ما را اطلاع بدهید ۹۱



## سند چهاردهم

گزارشی است از سپهسالار در باره اختلاف های محلی نایب الحکومه اراک با حاجی اسحق خان افسر ایل خلیج ، این گزارش نمودار تحریکات و عداوت های شخصی مأموران دولت در آن زمان میباشد .

قربان خاکپای خواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم- دستخط مرحمت نمط آفتاب شعاع جهانمطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه که در ذیل عریضه تلگرافی رعایای خلیج مشعر بشکایت از حاجی اسحق خان شرف صدور یافته بود زیارت و موجب افتخار و سرافرازی گردید . حالت این غلام خانه زاد در خاکپای مرحمت پیرای مبارک خسروانه مکشوف است که بالطبع راضی بظهور ظلم از احدی نمی تواند شد خاصه آنکه از اهل نظام و ابواب جمع خود این غلام فدوی باشد ، مخصوصاً محض آنکه مبادا فی الواقع حاجی اسحق خان باطمینان نوکری دست تعدی به رعیت یا سرباز دراز کرده باشد بطوریکه فریضه ذمه چاکری است در این خصوص رسیدگی وغور کرده از داخل و خارج تحقیقات کافیه کردم ، از اتفاق دیروز قبل از زیارت دستخط جهانمطاع مبارک چند نفر از سادات خلیج کاغذی از رعایای مزبور که در قم هستند مشعر بر سر به رضامندی از حاجی اسحق خان و تحریک آقا رضا خان نایب الحکومه خلیج که حاشیه آن را نیز جناب حاجی ملا صادق مجتهد مهر کرده است و لغاً از عرض خاکپای مبارک می گذرد ، آوردند که مقوی تحقیقات سابقه این خانه زاد شد ، اصل و حقیقت این فقره این است که نواب نصره الدوله<sup>۱</sup> در عراق میرزا علی اکبر نامی را که از میرزا های دوم سوم میرزا سید احمد نایب الحکومه سابق عراق بوده حالا نایب الحکومه عراق قرار داده و بطوری در امور شاهزاده مختار شده است که خود نصره الدوله در عراق

محبوس محترمی است مأکول و مشروب او حاضر و از امور حکومت بی دخل است. آن میرزا علی اکبر با حاجی اسحق خان سابقه عداوت دارد و این تحریکات رامی نماید از جمله از فرار کاغذی که از عیال حاجی اسحق خان رسیدم و بعضی خاکپای مبارک میرسد، آقا رضاخان بتحریک میرزا علی اکبر با همتادفر جمعیت بخانه او ریخته آنچه داشته اند غارت کرده پسر چهارده پانزده ساله امر داورا گرفته به عراق بردم و انواع اقتضاح را در خانه او نمودم است که این غلام آدم معین کرده است که پس از زیارت جواب این عریضه عاجزانه بیرون آقا رضاخان را بی آورد و بحقیقت این کار فوراً رسی شود. حاجی اسحق خان حالش ماه است که شهر طهران و قراولخانه هاسپرده به اوست، شب تاصبح در کوچه های می گردد و احدی از او شاکی نشده اگر سرباز شاکی بود که فوراً بچاکر فدوی اظهار میکرد، اگر رعیت خلیج شاکی بود چگونه اینطور کاغذ می نوشت که جناب حاجی ملا صادق حاشیه آن را نوشته است ، آنچه این چاکر فدوی فهمیدم حاجی اسحق خان در این موقع مظلوم و خودش آدم با نظم بی شرارتی است و رعایا را میرزا علی اکبر و آقا رضاخان تحریک کرده اند زیرا که حاجی اسحق خان در خارج صاحب جمع پولی و طرف حساب و مالیات بده نیست که بکسی ظلم و تعدی نماید، محض اطلاع خاطر خطیر مرحمت تخمیر مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداء جسارت ورزید ، با زهر طور رأی آفتاب ضیاء ملوکانه اقتضا فرماید فوراً اطاعت خواهد شد ، معروضه ۲ شهر ذی قعدة ۱۲۹۲ الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع ، غلام خانه - زاد- حسین.

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است :

البته آنچه شما از حالت حاجی اسحق خان فهمیده اید ، همان صحیح است .

---

۱- نصره الدوله فیروز میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنه و پند عبدالحمین میرزا فرمانفرمایان در آن هنگام حکمران اراک (عراق) بوده و گزارش سپهسالار از بی کفایتی و سستی او حکایت می کند، با اینحال در اراک املاک و سیمی برای خود تهیه کرد .





## سند پانزدهم

گزارشی است از سپهسالار درباره شکایت وزیرمختار روس از بی نظمی مرزهای  
مغان و دستبردهای افراد شاهسون .

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم . بعد از آنکه وزیر  
مختار(۱) روس آن کاغذ مبسوط را دائر بحالت سرحد مغان و ایلات شاهسون و تعویق  
مواد واغتشاش سرحد بچاکر فدوی نوشت که در ضمن عرایض سابقه بعرض حضور  
مرحمت ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفداه رسانده و سوادی از آن برای  
حضرت اشرف والا ولیعهد فرستادم، خود وزیرمختار بملاقات چاکر فدوی آمده اظهار  
نمود که من لازم دانسته‌ام در این خصوصات مستقیماً بحضور مهرظهور مبارک عریضه  
تقدیم نمایم، چاکر فدوی او را از نظم سرحدات و اجرای مطالب حقه و ایفای اقدامات  
کامله اطمینان داده تلگراف حضرت اشرف ارفع والا ولیعهد را که مشعر بر همین  
فقرات بود باو نشان دادم سوادی هم از آن برداشت، عدم لزوم عرض عریضه را اشعار  
نمودم در آنمجلس دیگر اظهاری نکرد که از خیال عرض عریضه منصرف شده یا باز  
عریضه تقدیم خواهند نمود، دو روز بعد از آنمجلس کاغذی بچاکر فدوی نوشته و پاکت  
عریضه‌ئی هم برای تقدیم حضور مرحمت ظهور مبارک بانضمام صورتی از عریضه مزبور  
نزد چاکر فدوی فرستاده خواهش نموده است که عریضه او را چاکر فدوی تقدیم نمایم.  
اینک پاکت عریضه و سواد آن واصل کاغذی که باین غلام خان‌نژاد نوشته است بانضمام  
ترجمه تمام آنها برای عرض حضور ساطع‌النور مبارک خسروانه روحانفداه تقدیم شد،  
اگرچه این معنی مسلم است که در هر مسئله و مطلب عمدۀ پلتیکی و غیره بنا به علم

کامل و احاطه تام و تمام خاطر آفتاب اثر مبارک در کلی و جزئی امور وقتی قلم معجزشیم مبارک زینت افزای صحیفه کاذب می شود نوعی کامل و جامع احکام مطالعه شرف صدور می یابد که رعایت جمیع نکات عمیق و دقیقه در آن ملحوظ است لیکن با کمال قصور عاجزانه جسارت میورزد که هر گاه رأی جهان آرای مبارک تصویب فرماید در جواب این عریضه وزیر مختار دستخط مرحمت نمط آفتاب نقط مبارک بافتخار این چاکر خانه زاد شرف صدور یابد که قدری متضمن مرحمت بوزیر مختار و اطمینان از توجهات کامله همایونی در انتظامات سرحد مغان و مشتمل بر این فقره باشد که ایلات شاهسون امسال بواسطه غلای فوق العاده و برف و زمستان سخت و شدید خراب و مفلوک شدند و حالت شرارت آنها هم باین درجات که پولکنیک اقرا ناویج، مأمور سرحدی دولت روس مینویسد نباید باشد بلکه چون مأمور مزبور مدتها است در این مأموریت و در سرحدات با رؤسای ایلات شاهسون گویا طرف غرض واقع شده این فقرات را می نویسد و اخطار و اصرار می نماید، ماکه کمال اهتمام و توجه در اجرای مواد لازمه و نظم سرحد داریم و بمحض اظهار وزیر مختار مأمور سابق سرحد را تغییر داده حاجی میرزا حسنخان را فرستادیم، بهتر این است از طرف دولت روس هم این مأمور را که مدتها است مانده و با شاهسون بواسطه طول اقامت سرحد طرف غرض است یا نیست تغییر داده مأمور دیگر بجای او بگذارند که با مأمور اینطرف در نهایت اتحاد و موافقت مواد دایره را اجری و تسویه نمایند و فی الحقیقه طرفین آسوده شویم، این دستخط جهانمطاع مبارک نوعی بافتخار این چاکر فدوی شرف صدور یابد که در جواب عریضه وزیر مختار بتوانم سوادى باو بدهم. تا رأی قضا امضای مبارک چه اقتضا فرماید؟ الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین.

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم بهیچوجه منتظر همچو عریضه‌ئی از وزیرمختار روس نبودم ، همه اینها نتیجه اعمال خودسرانه حکومت آذربایجان است که مکرر نوشته‌ام امر آذربایجان و همه سرحدات آن را ضایع کرده و خواهند کرد، وقتی که بنا باشد کار بدست ولیعهد کم تجربه و درحقیقت بچه (۲) باشد و مشیرومشار میرزا احمد (۳) که هیچ نمی‌شناسم این مردکی بوده است و چکاره بوده است کجائی است از اهلچه ولایت و از چه طایفه است (۴) معلوم است این نتیجه ها را خواهد داد ، با عدم تسلط شما بر آنها معلوم است از اینها بدتر هم خواهم دید ، جواب بشما نوشتم که بعدها همان را به وزیرمختار بدهید درحقیقت جواب عریضه اوست ۹۷ .

- 
- ۱- در تاریخ ۱۲۹۷ ق دیپلماتی بنام «پیکر» وزیرمختار دولت روسیه در طهران بوده است .
  - ۲- مظفرالدین میرزا ولیعهد (متولد چهاردهم ج ۲ - ۱۲۶۹ ق ) در ۱۲۹۷-۲۸ ساله بوده و از حیث سن بچه نبوده ولی از لحاظ درایت و عقل تا پایان عمر حالتی مانند بچه‌ها داشته و پدرش در سنوات مختلف بارها از او اظهار نومیدی کرده است.
  - ۳- مقصود میرزا احمدخان مشیرالسلطنه نخست وزیر زمان بمباران مجلس است که در سال ۱۲۹۷ ق از طرف مظفرالدین میرزا ولیعهد به نیابت کل آذربایجان منصوب گردیده و در آن اوقات لقب مشیر نظام داشته . مسجد مشیرالسلطنه در خیابان گمرک (مولوی) طهران از آثار اوست .

## سند شانزدهم

پاسخی که ناصرالدین شاه بوسیله سپهسالار و بتقاضای او برای وزیر مختار روسیه نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم - عریضه جناب وزیر مختار روسیه را در فقره جسارت و دله دزدی شاهسون های سرحد آذربایجان دیدم و تماماً را ملاحظه کردم این دستخطی که بشما می نویسم در حقیقت جواب ایشان است بدهید ملاحظه کند ، اولاً وزیر مختار حالیه و سلف های او همه خوب فهمیده و دانسته اند که همیشه منظور ما آن بوده و هست که روز بروز روابط دوستی و اتحاد دولتین ایران و روس را در اعلی درجه خوبی و نهایت ترقی مشاهده نمائیم و با این اتحاد و اتفاق کارهای بزرگ انشاء الله بکنیم . اصلاح و تنبیه چهار نفر دزد هرزه شاهسون و تصفیه و نظم امور سرحد اردبیل حکایتی ندارد که از آن مضایقه شود یا بنظر بی اعتنائی دیده شود . ثانیاً پارسال در زمستان برای نظم همین امور حاجی میرزا حسن خان را که از مجربین درب خانه و نوکر کردانی بود محض این امور و اطلاع و نظم آن روانه و مأمور فرمودیم ، بعضی راپرتهای او را که ملاحظه فرمودیم در کمال جد و دقت مشغول اصلاح و انجام اظهارات سرحد داران دولت روسیه بوده است و کمال اهتمام را داشته است و همچنین عرایض ولیعهد و کارگذار خارجه آذربایجان را هم ملاحظه فرمودیم همه دال بر این بود که در اصلاح این امور کوتاهی نکرده اند ، حال بهتر این است که جناب وزیر مختار مجدداً صورتی بنویسد و بعرض برساند مختصراً ، که از امور سرحدیه مغان و شاهسون چه امری باقیمانده و چه کاری معوق است و بانجام نرسیده است تا بعد از ملاحظه آن احکامی که لازم است مخصوصاً فرموده هر قدر زودتر ممکن شود در اصلاحات آنها سعی بفرمائیم .

این فقره را هم لازم شد در این فرصت یادآوری بکنیم که خیلی از امور و دعاوی تبعه و رعایای این دولت چه شاهسون و غیره در سرحد معوق است و خانوارهای فراری زیادی از شعبه ایلات شاهسون اردبیل و مشکین و غیره در خاک روسیه پناه برده و باین دولت موافق عهد و قرارنامه هنوز رد نشده‌اند، انشاء الله باید کارگذاران و سرحد-داران طرفین در این مواقع معامله‌ی بمثل نمایند و مطالب سرحدیه دولتین را بطور خوبی بگذرانند و باز لازم شد بخاطر جناب وزیر مختار بیاوریم، چنانچه حاجی میرزا حسنخان را بتازگی مأمور اصلاحات سرحدیه قرار فرمودیم بهتر این است که از جانب دولت روسیه هم سوای «آقر نویچ» که چندین سال است آنجا مشغول است و احتمال دارد بعضی راپرت‌های خود را چندان از روی حقیقت ننویسد عوض کرده بکنفر مأمور جدید انتخاب و برقرار نمایند.

کمال دوستی و اتحاد ما را با دولت روسیه چنانچه همیشه اظهار داشته‌ایم مجدداً خاطر نشان جناب وزیر مختار نمائید. ۹۷ لوی ئیل - از عمارت شهرستانک.





## سند هفدهم

گزارشی است از سه‌سار در باره ترغیب و تشویق وزیر مختار روس برای دخالت دولت ایران در کار هرات

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم تلگرافی که از ملاحظه نظر انور همایون شاهنشاهی روحانفداه گذشت و امر بفرستادن فرمودید دیشب هفت ساعت از شب گذشته خود غلام خانه‌زاد با میرزا محمود منشی رموز نشسته با دقت تمام برمزد او رده امروز صبح بلندن فرستاده شد ، همان دیشب تلگراف رمزی از ناظم‌الملک (۱) رسید ، استخراج نموده با اصل همان تلگرافی که این رمز جواب او است در جوف پاکت تقدیم خاکپای انور میدارد و پس از آنکه امروز صبح آن تلگراف طولانی مرموز فرستاده شد باز تلگراف دیگر مختصر در لف این تلگراف رمز که استخراجش الآن از لحاظ همایون شاهنشاهی روحانفداه میگذرد نوشته برمزد او فرستاد که صورت او هم لفاً تقدیم می‌گردد . امروز صبح بسیار زود وزیر مختار روس نزد فدوی غلام آمد و به قدری نشست که از زیارت خاکپای مبارک ظل‌اللهی روحانفداه این غلام را محروم نمود ، در ضمن صحبت پرسید دو مأموری که از جانب شما بایست به هرات برود رفت یا خیر (۲) فدوی خانه‌زاد گفتم : هنوز نرفته است . خیلی این غلام را ملامت کرد که سالها میگذرد تا چنین موقع پلتیکی بدست می‌آید و شاید می‌توانید در اینوقت يك کار بزرگی بکنید چرا ساکت نشسته‌اید (۳) این فرستاد مأمور اگر هیچ نفعی نداشته باشد عجالتاً و بطور فوری که نفع عادی برای شما خواهد



داشت، اولاً از وضع و حالت همسایه خودتان که باینقدر بشما نزدیک و باین درجه موقع مزبور برای شما اهمیت پولتیکی دارد بطور درست و صحیح مطلع خواهید شد و این فقره خود بنفسه يك نفع بزرگی است. ثانیاً فرستادن مأمور شما بهرات باتصدیق و تمکین دولت انگلیس ابتدای تخریب و تزییع فصل ششم عهدنامه پاریس است، (۲) لهذا لازم شمردم که اعتقادات مشارالیه را هر چه زودتر بعرض آستان مبارک برسانم و از جانب خود هم عرضه دارم که نوشتجات و فرمان همایون و دستورالعملها حاضر است اگر اجازه میفرمائید با پست فردا فرستاده شود و میرزا یوسف خان هم فوراً حرکت کرده برود، اسباب و اثیائی که خواسته بودند حالا چندان لازم فوری نیست از دنبال هم میتوان فرستاد، در مسائل پلتیک میتوان يك كامرا بدست آورد و بعد متدرجاً به استادی آنرا کوه نمود و از ..... (۳) بعد از ملاحظه اینعریضه عبودیت فریضه هر چه رأی مبارک همایون شاهنشاهی روحانفداه مبادرة و باعتقاد باطنی قرار گرفت.... (۴) معمول شود، الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین - ناصرالدین شامدر بالای گزارش سپهسالار نوشته است.

جناب سپهسالار اعظم - در باب رفتن مأمور بهرات اول باید نتیجه و منفعت او را ملاحظه کرد بعد از آن مأمور کرد، مداخله ما بهرات و فرستادن مأمور و القای دستورالعمل شما بهراتی و افغانی برای این است که نتیجه آن رفتن قشون ما بهرات و تصرف آنجا باشد از عقبه مأمور و الاچه مصرفی دارد (۴) تا این قرار نامه بطور دلخواه امضا نشود قشون که نمی توانید بفرستید، تصرف که نمیتوانید بکنید، شاید بمحض رسیدن میرزا یوسف خان بهرات و اجرای دستورالعمل تمام افغانه اطاعت کنند و قشون ایران را به اصرار خواسته و رعیت شوند، آنوقت از عقبه چیزی نرسد و تکمیل دستور-

العمل که فرستادن قشون و تصرف باشد نشود ، چقدرها خفت خواهد داشت در -  
پیش افغانی و خراسانی ، چند روزی هم باید صبر کرد که تا این جواب آخر شما  
با ملکم برسد به بینیم چه می نویسد ، آنوقت فکر آخرین بشود ، شما ملکم را از  
اقدامات وزیرمختار طهران مایوس بکنید، درحقیقت گفتگوی دیپلوماتیک اینجا ختم  
شد حالا آنجا باید از نو شروع نماید، مجدداً تلگراف مختصر دیگری باو بکنید  
و چنانچه کرده اید جواب صریح زود بخواهید (۵)

۱- میرزا ملکم خان وزیرمختار ایران درلندن .

۲- عهدنامه پاریس در سال ۱۲۷۳ ق (۱۸۵۷ - م) در زمان صدارت میرزا آقاخان  
اعتمادالدوله نوری درپانزده ماده بین ریچارد چارلز کولی نماینده دولت انگلیس و فرخ خان  
امین الملک کاشانی نماینده ایران تنظیم و دولت ایران متمهد شد که خاک افغانستان را تخلیه کند  
ازدعاوی خود برافغانستان چشم پوشی نماید ، ماده ششم عهدنامه انصراف ایران ازهرگونه ادعا  
نسبت به هرات و دخالت نکردن در امور افغانستان را تأیید کرده بود و نیز بموجب همان  
عهدنامه پاریس روابط سیاسی ایران و انگلستان (که بمناسبت رفتن سپاه ایران به افغانستان  
در سال ۱۲۷۲ ق قطع شده بود) تجدید گردید .

۴۰۳ دوکلمه ناخوانا

۵- از این سند می توان دانست که در سال ۱۲۹۷ ق باز دیگر دولت ایران برای  
فرستادن نیرو و تصرف هرات بکوشش های سیاسی در طهران و لندن پرداخته ولی کوشش هایش  
بی ثمر بوده است .

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or letter, covering the majority of the page. The text is dense and appears to be a continuous passage of prose.

## سند هجدهم

گزارشی است از سپهسالار در شرح اعتراضات وزیرمختار روس

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم. از چندی است که جناب وزیر مختار روس از اغتشاش و اختلال امورات خودشان در داخله مملکت ایران اظهار شکایت و از عدم اعتنای حکام جزء به احکام دولت که درباره آنها صادر می شود اظهار ملالت می کرد ، غلام خاننهاد بعباراتی اعتراضات او را رد می نمودم و برای هر يك از اینها بزرگواران بزرگواران که محل اعتراضات بودند ادله و براهین اقامه می کردم تا اینکه سه روز قبل نوشته محرمانه بخط خودش طولانی بعنوان غلام خاننهاد نوشته و بعضی از بیانات سابقه خودش را در مراسله مزبور درج و اسرار نموده بود که از عرض خاکپای مبارک بگذرانم ، غلام خاننهاد خیال داشتم که در اول ملاقات با مشارالیه طوری نمایم که مراسله محرمانه خود را استرداد نماید و بهیچوجه بعرض خاکپای مبارک نرسد . امروز که چهارشنبه است صبح بسیار زود باحالت خیلی متغیر نزد غلام آمد ، بعد از تعارفات رسمی مختصر ، اول سئوالی که از غلام نمود پرسید که: نوشته محرمانه مرا بعرض خاکپای مبارک رسانیدید چه تاثیر کرده و چه جواب فرمودند و چه کاری در امورات که موجب اطمینان تواند بود دادند (؟) خانه زاد با براعت استهلال در استرداد نوشته مزبور شروع کردم ، دیدم گفت: نه اینکه اظهارات من اشد لزوم را بهم رسانیده است که بعرض خاکپای مبارک برسد بلکه اگر تاخیر نمائید لابد خودم استدعای شرفیابی نموده و عرایضی خواهم نمود که شاید ناگوار اتفاق افتد ، تلغراف طولانی از جیب خود بیرون آورد که بخط روسی بود و از قنسول استرآباد رسیده

بود مختصراً ترجمهٔ او را که در حضور مشارالیه و از روی تقریر او نوشتم از قراری است که جداگانه بعرض حضور مهرظهور میرسد، اصل تلغراف خیلی طولانی بود لکن همینقدر را بخانه زاد گفت و ترجمه نمود در ضمن اصراری که در تقدیم نوشتهٔ محرمانه خودش بخاکبای مبارک می نمود و شکایت طولانی میکرد این عباراتی که جداگانه عرض می شود تأکید داشت که از جانب مشارالیه بعرض خاکبای اقدس اعلی روحانفداه برسد که از بابت اصرار او در حضور خودش یاد داشت نمودم و جوابهائی که بجهت اسکات او و مدافعه از اظهارات مشارالیه لازم بود مفصلاً گفتم بعد از آنکه مشارالیه را تأمین نمودم که امروز مراسله محرمانهٔ او با خلاصهٔ بیانات امروزه او او بعرض خاکبای مبارک خواهد رسید، وداع نموده رفت با نهایت اوقات تلخی (!) خود خانه زاد مراسلهٔ مزبور را ترجمه نموده اصل و ترجمه لفاً از لحاظ انور همایون شاهنشاهی روحانفداه خواهد گذشت. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین .

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است

جناب سپهسالار اعظم - کاغذ محرمانه وزیر مختار روس را خواندم (۱) از شکوه های او هیچ تعجب نکردم او وزیر مختار دولت روس است باید پیشرفت کار خود را موافق عهدنامه مطالبه نماید ، اما تعجب از این داریم که منصب وزارت خارجه با شخص شما است در کمال استقلال و علاوه بر این منصب سپهسالاری را در کمال استقلال دارید، علاوه بر آن ادارات مستقله دارید، بخصوص در آذربایجان و قدرت همه قسم اجرای احکام را دارید، این عریضه شما و مضمون آن و فرستادن آن را پرت محرمانه وزیر مختار روس مثل این است که حسنعلی خان وزیر فوآند (۲) یا نظام الملک (۳) یا امثال آنها که حالا هیچ قدرت و نوکری و شغل معین نداشته باشند و یک دوستی با سفارت روس دارند توسطاً بعرض

رسانده باشند. شما وزیر دول خارجه و سپهسالار صاحب حکم و اقتدار چرا تکلیف خود را بعمل نمی‌آورید؟) چرا امور خارجه را مختل می‌گذارید که این نوع اظهارات ناگوار بعرض برسانید (۱) کی شده است که خواسته‌اید اجرای حکمی یا احقاق حق تبعه خارجه و غیره را بکنید دست شما را گرفته‌اند، من و نوکرها کلا باطمینان اینکه شما نخواهید گذاشت خللی برشته‌های این امور برسد ساکت هستیم و مطمئن، باز این نوع حرفها را بشنویم هیچ سزاوار نیست، آن روز در باغ بشما گفتم که ما ز ندرانی هرزه و اوطنی شده‌اند، حکم نظامی سختی بدهید که هر کس را بخواهد سیاست و تنبیه نماید قشون همراهی نماید، پس معلوم می‌شود که قبل از وقت و اظهار وزیر مختار خود فهمیده بودم. اینکه می‌نویسد: کسی که قلین میداد حاکم شده است. گویا عبدالرضا خان حاکم گیلان باشد یا چرا غعلیخان نوکر میرزا تقی خان مرحوم که حاکم اصفهان بوده، چرا این بحث را آنوقت نکردند و حال آنکه این شخص از اولاد محمدباقر خان بیگلر بیگی قاجار است، خلاصه هر قسم مصلحت میدانید زودتر قرارهای سخت مستحکم در اظهارات وزیر مختار روس داده بعرض رسانید، از خود حاجی شاه محمدخان نمیدانم کاغذی رسیده است یا نه؟) (۴)

---

۱- در متن «خاندم» .

۲- امیر نظام کروی .

۳- میرزا کاظم پسر میرزا آقاخان نوری .

۴- از دستیاران سپهسالار و مأمور ویژه برای رسیدگی به امور مازندران و

## دو راپرت پیوست گزارش سپهسالار

### راپرت اول

بعضی از تقریرات وزیرمختار روس است که اصرار زیاد در عرض آن بخواکپای همایون اعلی روحنافداه داشت درباره چیزها بود که من میخواستم در مراسله خود درج نمایم بنظرچنین می آید که امروز در ... (کلمه ناخوانا) امورات منظم تر و بجهت تبمه خارجه امنیت مال و جان زیادتر باشد ، آیا در پایتخت خود ملاحظه نمی فرمائید چقدر امورات مختل است و حال آنکه در تحت نظر خود اعلیحضرت همایونی است ، بعد از آنکه قرار بشود در خارج اشخاصی که دیروز در مجلس قهوه و قلیان می آوردند و امروز دارای ایالت بزرگه بشوند اهالی چه اعتنا بآن قبیل حکام خواهند داشت (؟) و دولت چه عظم در انتظار خارجه بهم خواهد رسانید ،

### راپرت دوم

ترجمه تلگراف قنصل روس است از استراباد مورخه سه شنبه غره جمادی الثانی ۹۷ و وکیل قنصلگری ما از مازندران اطلاع میدهد که شاه محمد خان وارد ساری شد ، مقصرین بارفروش ساری گفته اند که اگر دست بحمل غله بزنند یا بخواهند اشخاصی را که سابقاً تقصیر نموده اند بگیرند جمیع رعایای روس را بقتل خواهیم رسانید ، احکامی که شاه محمد خان از جانب سپهسالار اعظم آورده بود محل اعتنا نشد و مفید نتیجه نگردید و جرأت ابراز نکرد ، وکیل قنصلگری ما در مازندران مجبور شده طلب امنیت بجهت مال و جان تبمه روس بنماید .

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or manuscript. The text is densely packed and covers most of the page. There are several lines of text at the top, followed by a large section of text in the middle, and a final section at the bottom. The handwriting is cursive and characteristic of the Safavid or Qajar periods. There are some faint markings and possibly a small diagram or seal in the upper right quadrant.

گزارش سپهسالار و دستور شاه



## سند نوزدهم

دستخطی است از ناصرالدین شاه به سپهسالار درباره کارهای گوناگون کشوری

جناب سپهسالار اعظم عرایض شما رسید فقراتش معلوم شد، اولاً در باب مجلسی که با شارژ دافر روسیه حرف زدماید و حقیقتاً او را الزام کرده‌اید و خوب گذشته است، حالاکری که هست این است صورت مذاکره خودتان را با سواد کاغذ «لاما کین» (۱) و صورت دستخط من برای ساعدالملک (۲) به پترزبورغ بفرستید که آنجا هم با وزارت خارجه روسیه گفتگو بکند و باو بنویسید که تو مأمور دولت هستی و شغل تو این است که اظهارات دولت را درست حالی بکنی، در این موارد خود داری نکن و باکمال قدرت حرف بزن و جواب بگیر.

در باب تنبیه تراکه و قشون فرستادن انشاءالله در طهران با شما مذاکره می‌شود، در باب فوج سیلاخوری حقیقتاً رفتن آنها به استرآباد هیچ لازم نبود، نفوس عراقی و آذربایجانی را بی جهت در استرآباد به اتلاف نرسانید حالا که رفته‌اند بیش از يك ماه نباید آنجا بمانند و بعد از يك ماه حکماً مراجعت بکنند، توپچی آذربایجانی و عراقی هم بی‌چوجه بعد از این به مازندران، میان کاله و استرآباد نفرستید توپچی که باید در میان کاله و استرآباد ساخلو باشد از خود اهل ولایت آنجاها بگیرید بفرستید مشق بدهند آب و هوای آنجا عادت دارند غیر از این باشد هر کس برود خواهد مرد، توپچی بظامی برای استرآباد خوب است لیکن اگر کسر داشته باشد باز بگیرند، توپچی میان کاله را از اشرف بگیرند، مردان خوبی دارند از گرجی هائی که شاه عباس آورده اینجا نشاند جوانهای خوب دارد، از اتراک مثل «عمرانلو» و «دییخکشی» که زبانشان هم ترکی

است، جوان‌های مثل آنزباجانی دارد که هیچ شباهت بمازندرانی ندارند، توپچی‌های میان کاله را هم از آنها بگیرند، توپچی خرقانی را که در میان کاله دیدم یکنفر آدم صحیح نداشت، بنویسید عوض شوند، امروز که روز بیست و چهارم است در آمل هستیم از باران متوالیه چند شب و روز مال ما مفلوک شد، دوروزی اینجا اتراق است انشاءالله چهارم ذی‌قعدة بتهران وارد می‌شویم- زیاده فرمایشی نبود.



*Handwritten title or header, likely identifying the document as a 'Sind' or similar administrative record.*

*Main body of handwritten text, including a signature at the top right and several lines of script. The text is dense and difficult to read due to the image quality.*

*Vertical marginal notes on the right side of the page, continuing the text or providing commentary.*

گزارشی از وزارت خارجه به ناصرالدین شاه در باره طلب اداره تلگراف روس

فهرست عرض وزارت امور خارجه - امروز عصر شارژدافر روس برای مطالب خود نزد این غلام خانزاد آمده بقدری درباب طلب اداره تلگرافی روس سختی کرد و حرفهای نامالایم گفت که بنمک مبارك اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه در عصر روز رمضان چند مرتبه حالت این خانه زاد نوعی منقلب شد که نزدیک بود بدهن او بزنم، بر خاطر خطیر آفتاب تأثیر ملوکانه مکشوف است که دو ماه متجاوز استقبض وصول طلب دولت علیه را از کمپانی پروس چاکر فدوی نوشته بمخبرالدوله داده که امر طلب ادارات تلگرافی خارجه را بکننداند بعد از آنهمه تعویقات مخبرالدوله برای ادای طلب اداره تلگرافی روس مهلت خواست فدوی هم از سفارت مهلت گرفت پنجم رمضان مهلت او منقضی شد باز بهمان صورت تعویق ماند و در اول ظهور این گفتگو چنانچه در پیشگاه مرحمت دستگاه همایونی واضح است هرگونه حساب نوشت و هر چه خواست بدون گفتگو و محض آنکه این عمل بگذرد قبول کردم با این حالت و با وجود آن تأکیدات که غلام خانه زاد نمودم باز اصلاً اعتنا نکرده معوق گذاشته است که امروز این غلام خانزاد آنطور سختی و نامالایم ببیند که باقطع موت بهتر از ملاحظه آن حالات است، اگر چه خارج از حد عاجزانه و چاکرانه این فدوی جان تثار است ولی وضع طوری شده که هر کس خود را وزیر و با سایرین در يك میزان میدانند وقواعد تقدم و تأخر و ملاحظه سبقت خدمت و اجمیت و عظمت بعضی وزارتها از دیگری و لزوم اجرای امور از نظر آنها رفته کسی به کسی اعتنا ندارد که اجرای امور را بآن ملاحظه نماید. از این جهت این قبیل کارها معوق

می ماند و غفلت از این دارند که از یکطرف اقتضای پلوتیک حالیه راضی و خشنود نگاهداشتن دولت روس است نباید از طرف دیگر اینقدر خلاف وعده کرد که انزجار کلی از برای آنها بیاورد، بنمک مبارک قسم است بقدری در اینباب در این مدت رعایت کرده و با سفارت روس مبادعه نمودم و همیشه خود را برای حفظ حالت مخبرالدوله معرض گله و حرف و مذاکرات سفارت روس نموده است که فوق آن بتصور نمی آید، باز حالت این فقره این است که جسارت بعرض عبیدانه ورزیده و زیاده بر این هم مقدور نیست که با سفارت ممالله و اهمال شود، حتی امروز در ضمن حرفها می گفت: من لابدم بجهة نگذشتن این امور مستقیماً بعرض مهر ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفداه برسانم. منظور این چاکر خانه زاد این است که کارهای وزارت امور خارجه منحصر باین فقره نیست اگر این فقره بواسطه حکم قدر نظم مبارک مؤکد همایونی صورت بگیرد باز کار دیگر است در اینصورت باید برای هر کاری العیاذ بالله خاطر آفتاب اثر مقدس ملوکانه مشغول شود و بعرض عبیدانه جسارت گردد، تدبیری لازم است که کار بدون زحمت خاطر الهام اثر مبارک صورت بگیرد و همه چیز در قبضه قدرت قضا صولت اقدس همایون خسروانه روحانفداه است که بیک امر قدر قدر مطاع کل عمل منظم گردیده امور نافذ گردد یا امور منتظمه پریشان شود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین.

شاه در بالای گزارش نوشته است.

«من امروز مخبرالدوله (۱) را حاضر کرده مطالبه تنخواه را میکنم اگر انکاری دارد بلافاصله بمجلس میفرستم در آنجا رسیدگی بکنند، شما هم آنچه اسناد اینکار باشد بیکی از نواب وزارت خارجه بدهید ببرد مجلس یا پای مخبرالدوله یادگیری که وارد آمد فوراً بول گرفته می شود.

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or manuscript. The text is arranged in several columns, with the main body of text on the left and a large, dense column of text on the right. The script is cursive and appears to be from the 17th or 18th century. The document is heavily faded and stained, particularly in the center and right-hand side. The right-hand column of text is written in a smaller, more compact script, possibly representing a list or a detailed account of events. The main body of text on the left contains several lines of prose, with some words appearing to be in a different script or dialect, possibly indicating a specific region or context. The overall appearance is that of an aged and well-used historical document.

## سند بیست و یکم

گزارشی است از سپهسالار برای ناصرالدین شاه درباره اظهارات وزیر مختار روس  
و اوضاع آذربایجان (۱۲۹۶ق) (۱)

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم۔ هر دو دستخط مرحمت  
نقط انجم نقط مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء که در صدر عریضه عاجزانه  
این چاکر و علیحدہ در جواب عریضه وزیر مختار روس بافتخار این چاکر خانه زاد  
شرف صدور یافته بود پریشب وقت سحر زیارت وما یه غایة القصوای افتخار و مباهات  
و سر افزای گردیده با کمال عجز و انکسار جسارت بعرض عبیدانه می ورزد که  
که دیروز که روز هفدهم بود جواب وزیر مختار روس را نوشته سوادى از دستخط  
جها نمطاع ملفوف آن نموده با اصل دستخط مرحمت آیت مبارک بمیرزا نصرالله خان (۲)  
نایب الوزاره تسلیم نموده و دستور العمل لازم را باو دادم که با وزیر مختار روس ملاقات  
و جواب را ابلاغ و دستخط مبارک را قرائت نموده و مذاکرات لازمه را بجا آورد و چون  
منزل سفیر کبیر عثمانی به افطار موعود بود قدری زودتر او را روانه کردم رفته تکلیفات  
مزبوره را بعمل آورده راپرت مجلس ملاقات خود را با وزیر مختار روس نوشته است که لفاً  
از شرف عرض خاکپای مرحمت پیرای مبارک ملوکانه روحنا فداء میگردد ، جوابهای  
وزیر مختار از یمن توجهات خاطر آفتاب اثر مبارک در کمال درستی داده شده است اما  
با کمال ضراعت چاکرانه بعرض عبیدانه جسارت می ورزد که اگر این چاکر خانه زاد  
از وقتی بزبانت دستخط مبارک که در صدر عریضه چاکرانه شرف صدور یافت مشرف  
و مفتخر گردیده است از ضعف و عجز چاکرانه در جنب قدرت و هیمنت و سلطنت

ملوکانه روحانفداه خواب و آرام ننموده باشد درپیشگاه حضورمهر ظهور مبارك قصور معدود نخواهد شد ، اینکه درضمن دستخط قضا آیت مبارك مرقوم شده که خاطر مهر مظاهر مبارك همایونی هرگز منتظر اینطور اظهارات و عرایض وزیرمختار روس نبوده مرآت قلب غیب نمای مبارك از همه آگاه تر و بصیرتر است که از برای اخذ و جلب صرفه خود هر دولت و هر مأمور دولتی از این قبیل وسایل را بدست میآوردند لکن درمقابل باید جواب شافی کافی داد و غیر حق يك ذره از حقوق و صرفهرا از دست نداد ، حالت حالای دولت عثمانی در حضرت سپهر بسطت همایونی مکشوف است با اینحال يك مرتبه شش دولت بزرگ درباب یونان و کنگره برلن (۳) آنطور کاغذ های رسمی بیابعالی می نویسند و آن نوع تکالیف شاقه و تهدید می نمایند که استماعش مقذور نیست ، بازمی ایستد جواب میدهد ، مذاکره می کند ، در اینموقع وزیر مختار روس يك عریضه ئی عرض کرده جواب خود را کاملاً شنیده است وانگهی وزیر - مختار روس منظورش از این نوشتجات فی الحقیقه مواد معوقه نیست منظور حقیقی دولت روس ایلات شاهسون است میخواهد متدرجاً بخاك خود بکشد ، اگر هر چیز وزیرمختار در اینخصوصات اظهار نماید فوراً اجری شود همان منظوری که دارند بعمل خواهد آمد از جمله این مواد دعاوی معوقه را وسیله کرده اند ، موادی نیست که در این دو ساله ظهور یافته باشد ، موادی است از پانزده الی بیست سال قبل متراکم شده ، و تا حال مانده و برای همین مواد مرحوم سردار عزیزخان (۴) خودش بسرحد رفت تمام نشد . صاحب دیوان (۵) رفت تمام نشد ، مامورین دیگر رفته اند قدری گذرانده اند ما بقی مانده است ، بمرور میگذرد و قطع و فصل میشود . در عرض این بیست سال هم همیشه سفارت روس محض منظور خود از این شکایات سخت تر کرده جواب شنیده آسوده شده از میامن اقبال مصون از زوال مبارك ذره ئی از صرفه و



حقوق دولت علیه‌ها از دست نداده حقوق طرفین را بالسویه درکمال دوستی و مودت اجرا خواهد داشت ، اینکه ظهور این فقرات از بی نظمی وضع آذربایجان و عدم اعتنای حضرت اشرف ارفع والاولی‌مهد و میرزا احمد ۶ بقدری در حضرت سپهر بسطت ملوکانه روحانفاداء جلوه‌گرفته است ، چاکر جان نثار بالبداهه بدون امر قدر قدر - جهانمطاع مبارک منشاء و مصدر هیچگونه خدمت و اثر نمی‌تواند شد و تکلیف‌چاکری وجان نثاری آن است که احکام مطاعه مبارک رافوراً و سریعاً اجری دارد ، پارسال بر حسب اراده مطاعه مبارک امر و مقرر فرمودند که می‌خواهم حالت آذربایجان مثل طهران بشود ، چنانچه در اینجا صدراعظم وید واحد نیست و هر یک از شعب خدمات بعهدہ یکی از چاکران محول است در تبریز هم چنین باشد ، حسب الامر الاقدس الاعلی امین لشکر بریاست دفتر و ساعد الملك (۶) بکارگزاری مهام خارجه و شعاع الدوله (۷) بحکومت تبریز و اعتماد السلطنه (۸) بریاست قشون و سلیمانخان بریاست دیوانخانه مأمور شدند امین لشکر (۹) از ریاست دفتر که قبل از او با میرزا شفیع خان پسر میرزا - حسن خان گرکانی بود معزول شد و فی الحقیقه بهتر شد که عزل شد بعد از آن مقرر شد میرزا احمد (۱۰) بجای میرزا شفیع خان (۱۱) رئیس دفتر باشد اطاعت شد ، چندی قبل که دستخط آفتاب نقط مبارک در حق میرزا احمد شرف صدور یافت میرزا احمد مجهول بجای مرحوم امیر نظام (۱۲) و قائم مقام (۱۳) و غیره در آذربایجان واقع شده است ، چاکر فدوی از آنجا که اهمات عاجزانه خود را بر حسب اقتضای فدویت حقیقی که اجرای مکنونات ضمیر منیر مهر تاثیر مبارک است مصرف میدارد در ضمن عریضه عبیدانه جسارت ورزید که هر یک از چاکران را مقرر فرمایند فوراً اینغلام خاکسار بدون آنکه حضرت ولیعهد اشکالی بمیان بیاورند به تبریز روانه نمایم ، دستخط مبارک در صدر عریضه عبیدانه بشرف صدور مقرون گردید که حالا موقع این کار نیست ، عریضه مزبور موشحه بدستخط قضا

قدرت مبارك لغاً تقدیم شده است حالا هم با کمال عجز و انکسار جسارت می‌ورزد که هر کس را برای ریاست دفتر آذربایجان معین فرمایند فوزی روانه می‌نمایم ، مستشارالملك (۱۴) از خراسان آمده بیکار است هر گاه مقرر شود او را روانه دارم، هر گاه دیگری بنظر انور اقدس همایون ملوکانه روحانفداه برسد بلا تأمل سریعاً روانه خواهد داشت . اگر چه این غلام خانداز قابل اجرای خدمات بر طبق سلیقه مبارکه کاملاً نباشد اما چون در آستان مبارك تربیت شده است و سایه خدا روحانفداه آگاهند که در مذهب پادشاه پرستی فانی محض می‌باشد مادامی که توجه خاطر آفتاب تأثیر مبارك به این چاکر بيمقدار است و حکم و قدرت از آن مصدر جلال و جبروت بقدوی میرسد احدی را قدرت بی‌اعتنائی باین کمترین غلامان بی‌مقدار نخواهد بود، دور قیمة حضرت ولیعهد که یکی را درد دل بقدوی مرقوم داشته‌اند و لازم نبود بعرض خاکپای مبارك برسد و دیگری را کمال تمکین اظهار فرموده‌اند لغاً برای اثبات این عرض عبیدانه تقدیم نمود، ذات مقدس ملوکانه روحانفداه مالک رقاب و مقتدر بر جان و مال و عیال و هستی همه خاصه بر این چاکر فدوی که عبدمملوک و احیا شده مرزحمت‌های همایونی میباشم هستند و در هر اراده مطاعه مبارکه شاکر و حاضرم لیکن امیدوارم با وجود اثر تربیت آستان ملوک در بان همایون در حضور سپهر بسطت همایونی بی‌آنکه به بی‌کفایتی معروف شود در این داهیه عظمای آذربایجان و قحطی که ظهور نمود و بایستی یکصد هزار تومان دیوان همایون مخارج علاج آن فرمایند و از طهران با آنهمه ایلات و حاضر بودن دواب و اقتدار زیاده از یکصد و سه خروار مقدور نشد به تبریر برسانند ، این ذره بی‌مقدار بقدر کفاف رساندم و بنمک با محک مبارك قسم است تا الآن که بعرض این عریضه عاجزانه جسارت می‌ورزد دوازده هزار تومان در سر اینکار ضرر برده‌ام ، منظور عرض ضرر نیست هستی و وجود و مال و عیال

چاکر از تصدق خاکپای مبارک است از ممر دیگر تحصیل شده در این راه صرف شده است، و الله العلی العظیم از روی صدق چاکرانه این فدوی هر گز خود را در راه ولینعمت تاجدار صاحب مال و جان ندانسته و نخواهد دانست، ذات کامل الصفات مقدس شاهانه روحانفداه مالک و مختار و مقتدر ندکه در باره آذربایجان هر نوع اراده مبارکه مطاعه تعلق پذیرد مقرر فرمایند، اما استدعای عاجزانه دارد که در خاکپای مبارک اینغلام خاننژاد به لکه بی کفایتی منسوب نشود، میرزا احمد هم کاغذی باین خاننژاد نوشته اصرار و التماس در احضار خود کرده است لفاً از عرض خاکپای مبارک خواهد گذشت . الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خاننژاد - حسین .

- 
- ۱- وزیر مختار روس زناویف (دردزیر نویسی صفحه ۵۲ نیز بجای «پیکر» «زناویف» صحیح می باشد ، پیکر بعد از زناویف وزیر مختار شده است .
  - ۲- میرزا نصرالله دبیر الملک شیرازی      ۳- کنگره برلن در ۱۲۹۶ ق (۱۸۷۸ م) پایان یافت و دست دولت عثمانی را از کشورهای بالکان و اروپای شرقی کوتاه کرد      ۴- سردار کل      ۵- فتحعلی خان شیرازی
  - ۶- میرزا عبدالرحیم      ۷- سلیمان میرزا      ۸- مصطفی قلیخان
  - ۹- میرزا قهرمان خان      ۱۰- مشیرالسلطنه      ۱۱- مستشار الملک
  - ۱۲- میرزاتقی خان امیر کبیر      ۱۳- میرزا ابوالقاسم فراهانی
  - ۱۴- (گویا) میرزا شفیع خان

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or manuscript. The text is arranged in two columns, with the right column being significantly larger and more densely written than the left. The script is a cursive style characteristic of historical Persian manuscripts. The right column contains the main body of text, while the left column appears to be a shorter section, possibly a preface or a specific note. The paper shows signs of age, with some discoloration and wear at the edges.

## سندیست و دوم

گزارش میرزا ناصر الله خان طالبی و قاضی خلیفه (۱۱) حشر ملاقات و گفتگوهای اخیر  
مختار روس

رابط ملاقات چاکر قسوی یلوزیر مختار روس ییلاریخ روز ۱۲ شهر رمضان -

المبارک ۱۲۹۷

بر حسب دستور العمل حضرت اجل الشرق اتقتم عالی دام الجلاله بیلاوقات  
وزیر مختار روس رفته پاکت جوابی وزیر مختار را که مضمون موالده مستطط مرحمت  
آیت مبارک اقدس عمایون شاحتشاهی روحنا و روح العالمین قباله بود ابلاغ نمود و  
اصل دستخط جهانمطالع مبارک را هم بر ای وزیر مختار قرائت نمودم و خود وزیر مختار  
هم گرفته زیارت نمود ، بعد گفتم جناب مستطاب اجل الشرق اتقتم سیهسالار العظیم  
سلام رسانده فرمودند: چون شما خواهش کرده بودید که عرشه شما را بختور مرحمت  
ظهور مبارک ملوکانه روحنا قباله تقدیم نمایم از قرط کمال موهبت تقدیم نمودم و مستطط  
جهانمطالع مبارک اینطور شرق صدور یلوقت که زیارت کردید ، لیکن لازم شمردم  
بخاطر شما اخطار نمایم که بیوجوه این عرشه موقع لزوم نداشت زیرا که طالب  
شما معین است ، یکی دعوی حوقه عثمانی بر سر حدیث طرفین است ، خود شما خیر میدانید  
که این دعوی از پارسال تا بحال ایجاب نشده دعوی یا نترده و بیست ساله است واضح و  
مبرهن است که دعوی بیست ساله مانده و روی هم تلخیص در موعده توقیف پارساله حاضر درین  
طرفین غیر مقدور بود با وجود سختی فوق الطامه زمستان و غلای فوق الطامه مفضلت  
آند با بجان و خرابی دیدن عثمانی شاهسون از این جهات یگانه بود . البته چنانچه سال  
گذشته با موانع مزبور میالقی از دعوی قطع و فصل شده در سنوات آتیه بطریق اولی

قطع و فصل میشود، یکی از مطالب شما تبعهٔ فرضی خان و اولاد او و قوجه بیگلر از سرحد مغان است، پارسال وقتی که شما این اظهار را کردید و ما مور شما و ما سرحد رفتند ایلات شاهسون و ایل بیگی ها و قوجه بیگلر همگی بمواقع خود در مغان رفته جا بجای شده بودند از خود شما استیصال می نمایم آیا در آن موقع که کل ایلات مجتمعاً جا بجای شده بودند میخواستیم دست بهودت و تبعید آنها بز نیم بدون آنکه اقلأ دو بیست نفر تلف و کشته شود مقدور و ممکن بود و اگر فرضاً باین فقره هم راضی می شدیم آیا بک ماده از دعاوی طرفین قطع و فصل می شد؟ من این ملاحظات را در آن موقع کردم بمحض آنکه موسم مراجعت ایلات شد حکم قطعی بر تبعید آنها دادم و الآن مشغول انجام آن هستند دیگر جای نگرانی و عرض عریضه باقی نبود، یکی از مطالب شما در طوایف «قراکندو کلو» و غیره است که میگوئید فراری هستند باید زود تسلیم شوند، اولاً خانوارهای زیاد از شاهسونهای ما فراری در خاک شما میباشند چنانچه شما فراری خود را لازم ال رد میدانید بحکم حقوق بالسویه فراریان ما نیز لازم ال رد هستند چرا کار گذاران قفقاز اقدام به رد کردن فراری های ما نمی نمایند؟ (۴) یقین است که انصاف خودتان بلاتأمل تصدیق این معنی را می نماید و انگهی شما خود صریحاً میگوئید که چندین نفر از این فراریها قاتل و شریر میباشند که پس از رد شدن باید آویخته و مقتول شوند، با این تصریح کردن شما این مطلب را، چگونه این طور ملتجی را بلاعوض و مجاناً در صورتیکه فراریهای ما در خاک شما آسوده راه میروند رد نمائیم، قدری امعان نظر نمائید، آیا اگر چنین تکلیفی را ما بشما میگردیم فوراً قبول می نمودید و اجرا میکردید؟ (۴) از جمله اظهارات شما این است که مالیات معمولی را حاکم اردبیل چرا در خاک روس از شاهسون میگیرد؟ (۴)

این معنی بقدر ذره جای تأمل نیست که حاکم ما مالیات خود را از رعیت خود در خاک شما بگیرد، اصلاً بهیچوجه من الوجوه برای شما تصور ضرری ندارد، هرگاه ما مور شما غرض نداشته باشد این اشکالات و ایرادات را چرا بخاطر شما

اخطار می نماید و حال آنکه مأمور شما میدانند که چون وقتی ایلات شاهسون در مغان حاضر و همه جمع می شوند و در يك جا مجتمعند مالیات آنها بسهولت گرفته می شود ولی اگر در آنجا گرفته نشود و ایلات از آنجا مراجعت نمایند همگی متفرق شده هر يك به بیلاقات خود رفته اخذ مالیات از آنها قرین کمال اشکال می شود، از برای دولت و سرحد روس چه ضرر دارد که مالیات ایلات در آنجا بسهولت گرفته شود، فرضاً و تقدیراً مأمور شما میگوید حاکم ظلم می نماید. بامور شما چه دخل دارد (۴) که حاکم ما برعیت ما ظلم می نماید، رفع آن تکلیف خود ما است تکلیف مأمور شما در امور سرحدی محدود است دیگر حق مداخله در عمل مالیات ما ندارد، در صورتیکه مطالب شما از این قبیل باشد حقیقت این است که عرض عریضه هم لزوم نداشت و قدری در این زمینه حرف زدم، جناب وزیر مختار ابتدا زائد الوصف از مراحم همایونی و اطمیناناتی که در ضمن دستخط مبارک درج بود اظهار تشکر نموده گفت: من خود انصاف جناب مستطاب اشرف را از برای خودم و از برای عموم مطالب میزان حقیقی یافته ام و نمیخواهم تکلیف شاقی هرگز بکنم، هر يك از مطالب را ایشان صحیح و باعث انتظام سرحد می دانند اجری دارند و هر يك را منافی یا غیر مقدور یا غیر حق میدانند اظهار فرمایند من قبول خواهم داشت اما از بس مأمور ما نوشت که فرضی خان را احضار نکرده اند و قوجه بیگلو را تنبیه ننموده اند من لاعلاج بدون بعضی ملاحظات آن عریضه را عرض کردم حالا خواهشی که دارم این است که يك تلگرافی در این خصوصات که صحیح میدانند به تبریز بفرمایند، گفتم البته مضایقه نخواهد کرد من فوراً می روم عرض مینمایم، بعد گفت: چون در ضمن دستخط مبارک مندرج است که وزیر مختار مطالب را نوشته بنظر من برساند من خودم يك پروژه عرض مینمایم و خودم خدمت جناب مستطاب اجل اشرف می آورم، بعد قدری مذاکرات متفرقه میان آمد و خیلی وزیر مختار ملایم و آرام بود و مجلس خیلی بخوشی و مودت ختم شد - الامر الاجل

الاشرف مطاع مطاع مطاع





## سند بیست و سوم

دستخطی است از ناصرالدینشاه برای طرد و تنبه دو نفر از مرز نشینان باغی سیستان که مورد حمایت دولت انگلیس بوده‌اند .

جناب سپهسالار اعظم - در فقره تاج محمدخان (۱) لازم است يك کاغذ رسمی به سفارت انگلیس نوشته شود باین معنی که سابقاً آنچه گفته شد که سردار شریفخان (۲) را از سرحد سیستان دور کرده بداخله افغانستان ببرند برای اینکه همه روزه فساد و شرارت می‌کند و دولت ایران هنوز منتظر طرد و دفع اوست ، مفید فایده الی حال نشده و کماکان در سرحد سیستان آن طرف هیرمند مشغول افساد است ، در موقع غیبت شاه هم در فرنگستان تاج محمدخان که از مفسدین سیستان و مدتی در حبس و قید بود و بالاخره مدتی هم بود که بطور آزادی حرکت میکرد فرصتی بدست آورده فراراً خودی به سیستان انداخته رفته است و خیال افساد در داخله سیستان دارد لازم شد بشما اطلاع بدهم که بفرمانفرمای هند و کارگذاران انگلیس اطلاع بدهید که تکلیف بافغان بکنند که این دو نفر را به امیر قائن (۳) رد نمایند یا از سرحد سیستان دور ببرند والا اگر بهمین حالت بماند دولت ایران لابد است برای نظم داخله سیستان بهر تدبیر که خود بدانند دفع و رفع این دو نفر مفسد را از همسایگی خود بنمایند و در آن صورت بهیچوجه منتظر نخواهد شد که از دولت انگلیس بحثی و ایرادی ملاحظه نماید ، جواب را خیلی زود منتظر هستم - ۹۶ -

۱ - تاج محمدخان حکمران جلوان ، مدعی حکومت کلات بود و در مرز سیستان آشوب برپا میکرد و هرگاه او را دنبال میکردند به کلات انگلیس می‌گریخت .

۲ - افغانی                      ۳ - امیر علم خان

The image shows a page of handwritten Persian text in Nasta'liq script. The text is arranged in several lines, with some marginalia on the right side. The main text includes:

در روز شنبه ۱۳۸۱  
بسم الله الرحمن الرحیم  
الحمد لله رب العالمین  
والصلاة والسلام علی من لا نبي بعده  
وآله الطيبين الطاهرين اجمعين  
اینکه در روز شنبه ۱۳۸۱  
در شهر تهران  
مجلس شورای اسلامی  
جلسه پنجمین  
در روز شنبه ۱۳۸۱  
در شهر تهران  
مجلس شورای اسلامی  
جلسه پنجمین  
در روز شنبه ۱۳۸۱  
در شهر تهران  
مجلس شورای اسلامی  
جلسه پنجمین

## سند بیست و چهارم

گزارشی از سه سالار در رد تقاضای انگلیس‌ها برای تسهیل حمل املحه از راه بمپور  
به افغانستان

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم. چاکر فدوی در وقعه قندهار، پریروز که وزیر مختار انگلیس (۱) بملاقات فدوی آمده بود، اظهار تأسف کردم او نیز اظهار امتنان از این اتحاد نموده گفت اگر چه از جانب دولت بمن مأموریتی داده نشده است لکن در اینموقع که میخواهند از هندوستان برای ترمیم این وهن قشون بطرف قندهار روانه دارند هر گاه دولت علیه ایران اظهار دوستی و اتحاد جدیدی فرموده به کرمان امر بدهد که شتر و قاطر از راه بمپور به آنها کرایه داده برسانند اثر تازه بسیار مطلوبی خواهد داشت و در نظر دولت انگلیس خواهد ماند، چاکر جان بنام میرزا نصرالله خان نایب الوزاره (۲) را بتلگرافخانه فرستادم که در اینخصوص با نواب نصرت الدوله (۳) مخابره نماید که بکلی اظهار وزیر مختار در معرض بی‌اعتنائی نمانده باشد، میرزا نصرالله خان نیز مخابره کرد، شاهزاده پس از شرح و بسط حالت خشکسالی و قحطی و حالت اغتشاش باین جهات عذر خواستند که قاطر وجود ندارد و شتر هم معدود قلیلی که یافت می‌شود اگر چهار روز راه دور برود میمیرد و اگر دوروز همان شتر از آذوقه‌کشی بماند مردم میمیرند بهیچوجه مقدور نیست، چاکر فدوی نیز صورت مخابره مزبور را برای وزیر مختار انگلیس فرستادم که بداند اقدام شده و میسر نگردیده است، اگر تا وقت بستن پاکت عریضه از پیش وزیر مختار آوردند لفاً بعرض خاکپای مبارک خواهد رسانید، والا خلاصه مضمون آن چنان است که بعرض چاکرانه جسارت ورزیده‌ام - الامر

الاقدرس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام‌خانه‌زاد - حسین .

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته‌است

جناب سپهسالار اعظم - مخابره باکرمان بنا بر اظهار [وزیر مختار] انگلیس  
عیب‌نداشت لکن واضح است که امکان ندارد، یکنفر شتر یا یک قاطر بتوانند بدهند،  
به نصرت الدوله تلگراف بکنید که مجبور نیست در اجرای این حکم، چرا که واقعاً  
میسر نخواهد شد - ۹۷ -



۱- تامسن      ۲- دبیرالملک

۳- فیروز میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنه .

مستور  
 مکتوبات  
 کتبات  
 کتابخانه  
 ...

و با سحر کین جویند با کف و سحر پیچیدگی کس...

فدایم که بداند استن این که کین پیچیدگی...

و این که کار پیچیدگی استن این که کین پیچیدگی...

فدایم که بداند استن این که کین پیچیدگی...

سید پرده شدت کین پیچیدگی کین پیچیدگی...

از هم و این که کین پیچیدگی کین پیچیدگی...

نیکو است این که کین پیچیدگی کین پیچیدگی...

و ما هر چند که کین پیچیدگی کین پیچیدگی...

کتابخانه  
 کتبات  
 کتبات  
 کتبات  
 ...

## سند بیست و پنجم

گزارش جامع گفتگوی با وزیر مختار انگلیس درباره منطقه مرزی کوهک و عوارض راهداری

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم در ضمن عرایض در دوشنبه غره شهر جمادی الآخر ۱۲۹۲ بعرض عبیدانه جسارت ورزیده بود که مستر طاه سن (۱) سفیر انگلیس برای مذاکره دو مطلب معوق به باغ جان نثار آمده پس از مذاکره نتیجه آن هر چه بشود بعرض خاکپای جواهر آسای اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه خواهد رسید، در روز مریور سفیر انگلیس ابتدا گفتگو در باره راهداری و موقوف شدن آن نمود، نصیرالدوله جوابهای مقتضیه را داد، بالاخره چون بموجب عهدنامه رعیت و تجار خارجه بجز صد پنچ حق گمرک به هیچ اسم و رسم در هیچ جا چیزی نباید بدهند، سفیر انگلیس اظهارات خود را باین دلیل قوت داده بر اصرار خود افزوده بعضی دلایل اقامه نمود که این رسم راهداری ما بین شیراز و بوشهر بدعت مستحده است و از برای تجار داخله و خارجه کمال ضرر دارد و هرگز سفارت انگلیس از عهدنامه تجاوز نکرده دیناری باین اسم در حق رعایای خود قبول نخواهد کرد، بملاحظه آنکه دلایل او خالی از قوت نیست و در این مجلس نتواند از پیش ببرد قرار شد که عجالاً بحالت خود باشد تا نصیرالدوله تحقیقات خود را در این باب از مأمورین گمرک و غیره بنماید که سالی چه مبلغ از راهداری عاید میشود (۲) و آیا از چه وقت تا حالا این رسم را در راه بوشهر برقرار داشته اند (۳) آنوقت قرار اینکار داده شود و فی الواقع این امر بدعت و مضر حالت تجارت است، اگر بنا شود که موقوف دارند باید از تجار داخله و خارجه هر دو بالسویه برداشته

شود تا همه دعاگوی دولت جاوید آیت باشند .

بعد از آن شروع بمذاکره در فقره کوهک شد چاکر فدوی يك مقدمه مشروحي بیان کرد که دارا و حاوی دلایل قویه تعلق کل بلوچستان از سند تا کرمان بایران و ظهور تزلزل در آن و دخالت انگلیس بدون هیچگونه حق در این مسئله و تمکین دولت ایران بتکالیف شاقه آنها محض احترام دوستی دولت مشارالیه و قبول استقلال خان کلات در حالی که اجداد او همه نوکرو رعیت بوده اند بخواهش دولت انگلیس و تمکین بقرار داد سرحد مابین ایران و خان کلات محض احترام دولت مشارالیه و قبول شدن نقشه اول « گلداسمیت » (۲) باستثنای آنکه باید کوهک در جزو خاک ایران در نقشه درج شود و کاغذ خان کلات مبنی بر اظهارخشنودی از تنبیه آزادخان خارانی و اخراج کردن او از کوهک واذغان خان کلات در ملکیت به ایران بود بعد نقشه جدید را وزیر مختار بمیان آورد خلاصه آن این است که کوهک و اسپندار و کنار بست را از خاک کلات خارج می نماید که دولت ایران از کوهک بآن طرف خاک کلات حق قشون کشی ندارد ولی از برای خاک ایران هم حدی اظهار می نماید که حد ثالثش ما بین ایران و کوهک میتواند فرض شود و بهیچوجه هم اسم نمی برد که دولت ایران بکوهک نرود و آنجا را نگیرد ، چاکر فدوی سبب این رای را سؤال نموده محرمانه گفت که چون « نهجن صاحب » مهندس وقتی آنجاها را دیده جزو را پورت خود بدولت انگلیس نوشته بود که کوهک در تصرف شخصی است که خود را نیم مستقل میدانند و در اطاعت هیچک از دولت ایران و کلات نیست از اینجهت دولت انگلیس هم صریح نمی گوید از کلات متنزع و بایران واگذار است همان قدر که از کلات متنزع داشته و دارد کاری ندارد که شما بآنجا بروید یا نروید بسگیرید یا نگیرید، کافی است چنانچه حالا هم تصرف کرده اید ، چاکر فدوی بعد از اقامه دلایل که عرض آنها موجب زحمت خاطر خطیر مبارك است گفتم دولت علیه بیکی از سه

قسم نقشه را قبول می نماید یکی آنکه شما این سرحد را از برای خاک کلات معین کنید و کوهك را داخل خاک ایران بیندازید دیگر بالطبع سرحد ایران معین است ضرور بتوضیح و اسامی دهات حدود ایران نیست فقط اسم آن نقشه سرحد کلات باشد ، یکی آنکه سفارت دولت انگلیس کاغذ رسمی ضمیمه نقشه نماید که دولت انگلیس بهیچوجه کاری به کوهك و اقدامات و تصرفات ایران در کوهك ندارد وقتاً من الاوقات گفتگوی آن را نخواهد نمود ، یکی آنکه همان نقشه قدیم را امضاء شده قبول داریم لکن در صورتیکه خان کلات بموجب کاغذ خودش کوهك را بملکیت ایران تصدیق کرده باشد دولت انگلیس چه حرف دارد؟ (۲) تنها این است دولت انگلیس یکمرتبه حکم شد و آنطور تصدیق کرد، حکمیت او گذشت حالا خان کلات خودش اذغان بملکیت مانموده بهمین سند دولت انگلیس کوهك را ملك صحیح ما بداند ، چون مجلس خیلی طول کشیده بود بهمین جاماند که کاغذ آنها را که خودشان ترجمه کرده اند فدوی هم بدهم مترجمین وزارت خارجه ترجمه نمایند که اطمینان از اصل ترجمه هم حاصل نمایم بعد مذاکره شود ، حال بهرطور اراده علیه اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداء اقتضا فرماید اطاعت خواهد شد ، از اثر تربیت آستان ملوک پاسبان ملوکانه روحانفداء محال است چاکر فدوی بگذارد فقره کوهك در حالت ابهام بماند ، از سلیقه مبارکه همایونی مستنصر است و اسباب مشغله خاطر مبارك باستدعای تکلیف فراهم نمی آورد، این تفصیل محض استحضار خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارك عرض شد .  
معرضه ۴ شهر جمادی الاخر ۱۲۹۲ - امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین .

ناصرالدینشاه بالای گزارش سپهسالار نوشته است.

جناب سپهسالار اعظم در باب کوهك واسپندار (۳) بسیار خوب حرف زدهاید



همین است که مذاکره کردماید باید بانجام برسانید طامسون و انگلیس‌ها بی جهت اسباب درد سر می‌شوند، از نقشهٔ خاک کلات که سوا کردماند دیگر چه امراری دارند که در ابهام باشد، در برابر اهداری حالت خزانهٔ ما نمی‌تواند همه روز محتمل ضرر تازه بشود، اگر این راه‌انداری سالها است مجری است و گرفته می‌شود و می‌شد عملی است معمول شده چرا در آن سنوات حرفی نداشتند (۴) اگر یکدوسال باشد البته باید موقوف کرد، نصیرالدوله تحقیقات خود را عرض کند معلوم بشود از چند سال است که معمول است (۴)

- 
- ۱- از ۱۲۹۰ تا حدود ۱۳۰۱ قحود و ترجمان «تاسمن» بنوبت نایب سفارت و سپس وزیر مختار انگلیس در طهران بردمانه .
  - ۲- سرفردریک جان کلباسیت انگلیسی در ۱۲۷۷ و ۱۲۷۸ ق داور و مأمور نقشه برداری قاطب مرزی مورد اختلاف بین بلوچستان ایران و بلوچستان انگلیس و مرز سیستان و افغانستان بود و سرانجام نقشه و رسمینتی و داوریلو که زیران ایران بود هر دو مورد بکار بسته شد .
  - ۳- کوک و اسپنار . از دهستانهای واقع در جنوب سراوان که ایکه در مرز ایران و پاکستان است .

Handwritten text in the right margin, likely a commentary or continuation of the main text. It is written in a dense, cursive script.

Handwritten text in the upper middle section, possibly a title or a specific heading. It includes the word "عنوان" (Title).

Handwritten text in the upper left section, possibly a preface or introductory text. It includes the word "عنوان" (Title).

Handwritten text in the middle right section, possibly a section header or a specific note.

Handwritten text in the middle left section, possibly a section header or a specific note.

Main body of handwritten text, consisting of several paragraphs. The text is written in a cursive script and appears to be a detailed discussion or treatise. It includes various terms and phrases, some of which are underlined or highlighted.

## سند بیست و ششم

گزارش دیگری است راجع به شکست قوای انگلیس در قندهار

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم . چون از واقعه قندهار خبر رسمی نرسیده بود واز برای وزیرمختار انگلیس تازه تلگراف رسمی از فرمانفرمای هندوستان آمده بود برای چاکر فدوی آورده ترجمه کرد ، مضمونش از قرارى است که ذیلأً بعرض خاکپای مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفداه می رسد: صبح سه - شنبه ۱۸ شعبان محاربه فیما بین یکدسته از قشون انگلیسی با اردوی ایوب خان (۱) در موقع موسوم به خشکه نخود در گرفته است ، قشون انگلیس عبارت از دو هزار و پانصد نفر سوار و پیاده بوده است پانصد سواره هندوستانی و پانصد نفر سرباز انگلیس از فوج شصت و ششم متعلق بملکه و بقیه از سرباز هندوستان با سه عراده توپ که توپچی آنها همه انگلیسی بوده اند و ایوب خان دوازده هزار سواره و پیاده موظف و بقدر دو - هزار نفر غازی و مجاهدوسی و شش عراده توپ داشته ، بعد از چهار ساعت محاربه قشون انگلیس عقب می نشیند ، در این عقب نشینی خیلی صدمه بآنها وارد می آید ، عدد مقتولین قشون انگلیسی صاحب منصب از سرهنگ الی نایب بیست نفر و چهار صد و چهل نفر سرباز انگلیسی و هشتصد نفر سرباز هندوستانی و سه عراده توپ از بابت آنکه اسبهای آنها بالکلیه کشته شده بود در زمین مانده و بدست ابوبخان افتاده و جنرال یاروس با بقیه قشون وارد قندهار می شوند الآن چهار هزار نفر قشون از انگلیسی و هندوستانی در ارك قندهار محصور میباشند.

محض اطلاع خاطر مبارک جسارت بعرض ورزید ، وزیرمختار انگلیس میگفت از کابل « جنرال روبرتز ، با چهار هزار قشون انگلیس و چهار هزار قشون

هندوستانی و هجده عراده توپ رو بقندهار حرکت کردماند ، چاکر فدوی گتم از حالت کابل چگونه اطمینان حاصل کردماند که قشون آنجا را بقندهار فرستادماند(۴) گفت بقدر کفایت حفظ کابل قشون در آنجا هست ، این هشت هزار قشون زیاده بر کفایت بوده که بقندهار سوق کردماند، وزیر مختار گفت پنج هزار نفر قشون هم در شالکوت حاضر بودمانست بطرف قندهار فرستادماند و هجده هزار قشون هم از هندوستان میفرستند که پشت بند آنها باشد و هر قدر لازم بشود داخل جنگ بشوند و عبدالرحمن خان(۲) که به امارت افغانستان برقرار شده بود، قرار بوده است که با جنرال استوارت (۳) در خارج کابل یکدیگر را ملاقات نمایند، جنرال استوارت که حاضر شده عبدالرحمن خان طفر خنده حاضر نشدمانست، این مراتب که جسارت بعرض عییدانه ورزیده است تماماً تقریرات وزیر مختار انگلیس بود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع غلامخانزاد - حسین -

شاه بالای راپرت سپهسالار نوشته است

جناب سپهسالار اعظم از تفصیلی که وزیر مختار انگلیس بیان کرده است در واقعه قندهار اطلاع حاصل شد - زیاد فرمایشی نبود .

- ۱- تاریخ جنگ قندهار و شکست انگلیس از امیر ایوب خان افغانی در ۲۷ ژوئن ۱۸۸۰ میلادی برابر با آغاز شعبان ۱۲۹۷ ق بوده است ، امیر ایوب خان در شوال ۱۲۹۸ از انگلیسها شکست خورده به ایران پناهنده شد و هفت سال در مشهد میزیست .
- ۲- حکمران کابل ، در ۱۲۹۸ - انگلیسها با کمک او بر ایوب خان پیروز شدند.
- ۳- افسران انگلیسی مأمور سلمان دامن کار افغانستان.



## سند بیست و هفتم

گزارشی از سپهسالار مبنی بر اعتراض تاسون وزیر مختار انگلیس درباره قرارداد راه آهن که باروس هابسته شده است (۹۱؛ ۹۱ق)

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس هما یونت مبارکت شوم . دوسه روز بود که وزیر - مختار انگلیس به اصرار میخواست فدوی را ملاقات نماید از بابت نقاهت مزاج عذر می خواستم امروز علی الففله آمد و قدری کله با شدت نمود از مضمون جواب کاغذ فدوی خاننژاد ، اولاً گفت کاغذ من رسمی بود شما چرا نوشته اید کاغذ شخصانه شما رسید (۴) گفتم من رسماً ابدأ شمارا محق در مداخله مذاکره فقره رایتر (۱) نمیدانم بآن جهت کاغذ را شخصانه می شناسم لا غیر . ثانیاً میگفت شما انکار از مداخله رسمانه سفارت روس در عمل امتیاز جنرال فالکن هاگن (۲) نموده اید و این دروغ است زیرا که من و سایر سفرا همه میدانیم اعلیحضرت شاهنشاهی مایل نبودند و به اصرار و تهدید وزیر مختار روس این کار گذشت . گفتم اگر تصدیق ما معتبر است که میگوئیم مداخله نداشت . اگر اطلاعات خارجی را شما سند میدانید مختارید .

سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی روحانفداه مایل نبودند تا وقتی که شرائظضمانت و گمرک مندرج بود ، بعد از آنکه آن دو شرط برداشته شد آنوقت اجازه انعقاد مرحمت فرمودند و اگر باز مایل نبودند احدی نمی توانست دولت ایران را مجبور بقبول کاری نماید که برخلاف رضای او باشد .

گفت این عبارات تغییر اعتقاد مرا نمی دهد و دولت انگلیس هم در فکر کار صرفه

رعیت خود خواهد بود و اگر تا بحال سکوت کرد محض اظهار دوستی بود ، چون سایرین این رعایت را نکردند و صرفه بردند او هم در آتیه فکر خود را خواهد نمود ، چون عجالتاً من زیاده بر این دستور العمل ندارم ساکت میمانم تا تعلیمات من برسد ، دیگر فدوی بقدری که مقدر بود عباراتی که باعث تسکین او بشود و در زمان آستانبوسی شفاهاً بعرض خواهم رسانید. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خان‌زاد - حسین - (۳)

- ۱ - مقصود قرارداد روینر است که موقوف الاجرا ماند و در مقدمه این کتاب بدان اشاره شد .
- ۲ - فالکن هاگن (Falken Hagen) افسر عالیرتبه مهندسی ارتش روسیه و از سهامداران کمپانی راه آهن گرجستان بود. او در ایران با وساطت وزیر مختار روس موفق به گرفتن امتیاز راه آهن جلفا - تبریز - طهران گردید و قرارداد در میان او و حسنعلی خان گروسی امیر نظام (وزیر فواید عامه) در ۱۲۹۱ ق به امضای ولی اعتراض شدید دولت انگلیس مانع اجراء قرارداد شد .
- ۳ - ناصرالدین شاه بالای گزارش سپهسالار دستور مفصلی نوشته که محو شده تنها این جملات خوانده میشود، این طمسون قدیماً در ایران بود در عهد میرزا اقاخان وعادت کرده که در ایران سختی بکند و در آن اوقات بسیار کارهای ناهنجار کرد که به - انگلستان نوشتیم این شخص بایستی برود و مأمور دیگر بیاید.. خلاصه در لندن... خدا - حفظ کند ۹۱





## سند بیست و هشتم

دستخطی از ناصرالدین شاه خطاب به سپهسالار در باره عباس میرزا و دولت عثمانی  
و چند نکته دیگر .

---

جناب سپهسالار اعظم - عریضه شمارا دیدم . تلکراف بغداد ملاحظه شد از  
مخبر الدوله (۱) جواب بنخواهید اگر آنجا کاری از پیش نبرده اند همانطور که نوشتم ده -  
هزار تومان را اینجا به افندی (۲) بدهند موافق قرارداد اسلامبول معجلاً نفی عباس میرزا  
(۳) را مطالبه بکند .

تلکراف حاجی محسن خان (۴) را دیدم جواب بنویسید با تلکراف که در اینجا  
با وکیل کمپانی مذاکره شده قرارداد را معجلاً با اطلاع طرف مقابل خواهد رساند، اطمینان  
کامل بدهد ، رضاقلی خان (۵) گیر آمده است و حبس شده است بسیار خوب است .  
فردا صبح درب خانه حاضر بشوید اگر سوار شدم در دولت حاضر باشید . در فقره شروط  
عمل با شما حرف میزنم که با وکیل کمپانی حرف بزنید، قبل از محرم میخواهم انشاءالله  
دوشان تپه بروم ۱۹ که اسب دوانی است از ۲۰ که شروع مهمانی و جشن می کند ، او  
را بترتیب بنویسید بفرستید بدانم کدام روز میتوان رفت - ۹۳ - عریضه سربازان -  
سواد کوهی زمین انداخته بودند فرستادم ملاحظه بکنید اگر از حقشان چیزی مانده است  
از پارس سال ، امسال بگیریید برسانید ، امین السلطان ( ۶ ) سابقاً اطمینان  
میداد که مواجیشان را داده و میدهم چطور شده مانده است (؟)

---

۱- علیقلی خان مخبر الدوله وزیر تلکراف

۲- منیف افندی وزیر مختار عثمانی

۳- عباس میرزا برادر ناصرالدین شاه در آغاز پادشاهی برادرش چند سال با اغوای چند نفر از رجال و پشتیبانی امیر کبیر و حمایت سیاست‌های بیگانه‌پنهانی مدعی سلطنت بود و عاقبت ناچار به ترك ایران گردید و سالها در سرزمین عثمانی بسر می‌برد و بامدحت پاشا شخصیت مؤثر دولت عثمانی که چندی هم صدراعظم شد دوستی نزدیک داشت، سرانجام شاه او را بخشود و در ۱۲۹۵ ق به طهران بازگشت ، مدتی حاکم زنجان و حاکم قزوین و زمانی وزیر تجارت شد .

۴- شیخ محسن خان معین‌الملک (بعداً مشیرالدوله) سفیر ایران در عثمانی

۵- گویا از یاغیان بوده است .

۶- آقا ابراهیم امین‌السلطان اول.

بنا بر این که  
 در روز دوشنبه ۱۳۰۴  
 در شهر تبریز  
 در محله کهنه بازار  
 در خانه شماره ۱۲۵  
 در حضور من  
 در وقت ظهر  
 در روز دوشنبه ۱۳۰۴  
 در شهر تبریز  
 در محله کهنه بازار  
 در خانه شماره ۱۲۵  
 در حضور من  
 در وقت ظهر  
 در روز دوشنبه ۱۳۰۴  
 در شهر تبریز  
 در محله کهنه بازار  
 در خانه شماره ۱۲۵  
 در حضور من  
 در وقت ظهر

## سند بیست و نهم

گزارشی است از سپهسالار درباره سفیر عثمانی و معاهده تجارتي ایران و روس

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم۔ امشب که شب جمعه ۱۳ بود فخری بیک ایلچی کبیر عثمانی (۱) بدون دعوت خودش محض ادب و انسانیت بی خبر به افطار آمده بود از تصدق خاکپای انور همایون شاهنشاهی روحانفداه همه چیز حاضر بود، در کمال شکوه صرف افطار و سایر لوازم شد و بجهت شب ۴شنبه ۱۸ از این - غلام دعوت افطار بمنزل خود نمود چنانچه رسماً در زیر سایه مبارک ظل اللہی روحانفداه شب بیست و هفتم رمضان مشار الیه و جمیع اجزای سفارت و اولیا و رجال دولت علیه هم در منزل اینغلام خانه زاد موعود بودند. بعد از افطار مذکور داشت که دول معظمه فرنگستان قرارداد مجلس کنفرانس را خواهی نخواهی بر ضد مامجری خواهند داشت و ایالات «باتیه» و «ترهاله» را بدولت یونان خواهند داد و میگفت همینقدر اکتفا نکرده و دولتین انگلیس و فرانسه هم رای و هم اعتقاد شده اند که به امور مالیه دولت عثمانی مداخله نموده و بهمان قسم که زمام اختیار مالیه مصر را بدست خود گرفته اند مالیه عثمانی را هم متصرف شوند و احتمال کلی میرود مأمور مالیه فرانسه همین «مسیوتریکور» وزیر مختار حاضر فرانسه در ایران بشود و از این فقره خیلی اظهار وحشت و اضطراب میکرد. مراتب بجهت اطلاع خاطر خطیر انور جسارت بعرض رفت. در فقره تجدید معاهده تجارتي با دولت روس در خاکپای مبارک همایون ظل اللہی روحانفداه مشهود است که چقدرها ذات اقدس ملوکانه روحانفداه زحمت بوجود مبارک

خودشان دادند و چقدر هم بر حسب امر قدر قدر، اینغلام خانه زاد سعی و اهتمام نمودم تا دولت و سفارت روس را حاضر دخول بمذاکره و تجدید معاهده نمودم . يك مدتی وزیر مختار روس به بهانه تحصیل اطلاعات از ولایات معطل داشت تا آنکه اینروزها اخبار نمودند که اطلاعات خود را تکمیل نموده است و البته در نظر مبارك همایون شاهانه هست که اینغلام خانه زاد ناصر الملك (۲) را بجهت مذاکره اینکار تعیین نموده بودم که بموجب دستور العمل وزارت خارجه داخل مذاکره شود و همه روزه راپرت مذاکرات خود را بغلام خانه زاد بدهد و هر چه لازم است بخاکپای انور عرض نمایم و دستور العمل مجدد بر طبق اوامر ملوکانه بدهم تا انشاء الله در زیر سایه مبارك شاهانه روحانفاده این عمل بزرگ تمام شود، حالاکه این صدمه بزرگ به بیچاره ناصر الملك روی داده است (۳) خیلی بد حال و پژمرده میباشد و تا دو ماه دیگر احتمال اینکه بتواند مشغول کاری بشود نمیرود، حالا امر و اختیار در يد قدرت همایون شاهنشاه ظل الله روحانفاده است، اگر میفرمائید صبر نمایم تا مشارالیه حالت شروع بکار حاصل نماید و اگر صلاح میدانند این خدمت را رجوع بمعتمد الملك (۴)، نمایم و میرزا نصر الله خان (۵) را هم در مذاکرات بمعیت مشارالیه شرکت بدهم و مشغول بشوند، و اگر شخص دیگری بنظر مبارك مناسب تر می آید مقرر فرمائید غلام خانه زاد منتظر اوامر علیه همایونی است تا بدانچه امر و مقرر آید اطاعت فوری نماید. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین -

شاه در بالای راپرت سپهسالار نوشته است:

در دو فقره تجدید معاهده تجارتي با روس کار خیلی بزرگ اعمی است، ناصر الملك اگر بتواند فوری شروع در مذاکره نماید بسیار خوب است و الا مثل میرزا محمد رئیس صدیق الملك (۶) یا کسی دیگر را بگذارید حرف بزاند همه روزه

صورت مجلس مذاکره را پیش‌شما می‌آورند، جرح و تعدیل را شما می‌کنید، مطالب عمده را بنظر میرسانید جواب میدهم، البته بدون يك ساعت تأخیر مشغول مذاکره بشوند - البته -



- 
- ۱- فخری بیگه پس از منیف افندی سفیر کبیر عثمانی در طهران بود، این گزارش مربوط  
سال ۱۲۹۶ ق میباشد .
- ۲- محمودخان قراگزلو      ۳- اشاره بمرگ احمدخان سرتیپ فوج مخبران پسر  
محمودخان و پدرا بو القاسم خان ناصرالملک      ۴- یحیی خان برادر سپهسالار
- ۵- میرزا نصرالله خان دبیرالملک      ۶- از رؤسای وزارت خارجه

## سند سی ام

گزارشی از سپهسالار راجع برفع اختلاف با عثمانی نسبت بمنطقه مرزی قطور

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم۔ الآن متوالیاً دو تلغراف و نامه‌جات از خوی از امین نظام و عمیدالدوله بعنوان این غلام خانہ زاد رسید که همه را جسارت ورزیده لغاً تقدیم خاکپای مبارک نمودم ، حقیقتاً کردها را خوب گوشمالی داده‌اند و جای تحسین دارد و آن مجروح شقی که رئیس آنها باشد اگر مرد و بدربک واصل شد که نعم الانفاق الا باعتقاد ناقص فدوی باید آورد و انبار انداخت تا زنده است محبوس باشد، الآن هم که بعرض این عریضه عبیدانه جسارت می‌ورزم نوشته رسمی به سفارت عثمانی از بابت تشکی حرکات عشایری که در خاک عثمانی سکنی دارند مینمایم ، تلگراف دیگر امین نظام حاوی جواب والی « وان » است که او هم از شرف لحاظ انور اعلی میگذرد، فوراً تلغراف رمزی که مواد آن در جوف تقدیم میشود بعنوان حاجی محسن خان نوشته فرستادم و اگر بنظر مبارک همایون شاهنشاهی روحانفداه درست بیاید در جواب محمد صادق خان نوشته شود که از قرار تلغراف ایلچی کبیر و بموجب مراسله رسمیه که از باب عالی بسفارت سنیه رسیده دستور العمل قطعی کافی بجهة والی وان در تسلیم قطور نوشته و فرستاده شده است مجدداً آدمی به « وان » فرستاده و همین فقره را به والی مشارالیه نوشته و بنویسد، چون زمستان نزدیک است تعجیل در این فقره لازم است و البته تعلیمات بشما رسیده روز معین نمائید که این امر صورت انجام یابد، یا اگر طور دیگر بنظر مبارک ملوکانه انسب میآید مرقوم گردد که از آن قرار جواب به امین نظام نوشته شود. امر امر قدر قدر همایون شاهنشاهی روحانفداه است

غلام‌خان‌زاد - حین (۱)

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است.

جناب سپهسالار اعظم - تلگرافها را دیدم دفع اشارات بسیار خوب شد ،  
 بخدمت صادق‌خان و عمیدالدوله تمجید بنویسد سواره‌خوی قدری کم است ، بصاحب‌دیوان  
 بنویسد صد و پنجاه نفر سواره دیگر باردوی محمد صادق خان بیفزاید برای همچه  
 روزها لازم است از پیاده‌کاری ساخته نمی‌شود ، کرایه مال‌قور خانه و مکاری راهم  
 بدهند ، تلگرافی که به شیخ محسن‌خان کرده‌اید بسیار بجا و لازم بود فوراً ابلاغ نمائید و  
 زود جواب بگیریید تلگراف «کاستیکر خان» (۲) ملاحظه شد .

۱- قطور اکنون از دهستانهای خوی و درمرز ایران و ترکیه و شامل بیست و  
 هفت روستا و مزرعه میباشد، قسمتی از دره بزرگ قطور جزو ایالت وان بوده است، قطور  
 ایران را عثمانی‌ها در زمان صدارت امیر کبیر (۱۲۶۵ ق) متصرف شدند و در مرز بربک  
 ستون یادبود لوحه‌ای از سنگ مرمر با این عبارات در رأس حدود دولت علیه  
 عثمانی در ناحیه قطور ۱۲۶۵ ، نصب نمودند ، پس از تشکیل کنفره برلن در  
 ۱۸۷۸ م ( زیر نظر بیسمارک وزیر خارجه و صدر اعظم آلمان و کنت دنداری  
 وزیر خارجه اتریش و «پیکونسفیلده» رئیس الوزراء و سالیسبوری وزیر خارجه انگلیس و مسیو  
 و ادینکون وزیر خارجه فرانسه) و تنظیم قرارداد ۶۴ ماده‌ای و تجزیه و خود مختاری  
 مستملکات اروپائی دولت عثمانی از طرف ناصرالدین‌شاه و سپهسالارهم بوسیله ملکم وزیر  
 مختار به کنفره برلن درباره ناحیه قطور شکایت شد و با کوشش سیاسی ایران بموجب ماده  
 هشتم قرارداد کنفره برلن دولت عثمانی مکلف به واگذاری قطور به ایران گردید .  
 ۲- این نام شناخته نشد .



## سند سی و یکم

گزارش میرزا محبعلی (۱) نماینده دولت ایران به سپهسالار راجع بمنطقه مورد  
اختلاف قطور و توضیح سوابق و موقعیت آن

تصدقت شوم۔ حدود قطور سه حالت دارد ، یکی مصداق کلیه دره قطور  
که قدیماً همگی ملک ایران بوده متدرجاً مفروز گشته بعضی قبل از معاهده  
اخیره به تصرف عثمانی درآمده و بعضی که بتصرف ایران باقی مانده بود بعد از معاهده  
اخیره باغصب و با استمالت ملاکین و تبدیل تابعیت آنها ضبط نموده اند. دوم قطوری  
که فدوی در ترسیم خط حدود بر عایت منطقه خریطه های رسمیه و تصدیقی که از مرحوم  
حاجی قاسمخان خوئی در دست بود خط استاتوقوئی برای آن بیان نموده ام، بدین واسطه  
بعضی از کلیه دره مزبوره بجانب عثمانیه مانده مابقی بانضمام قصبه قطور و ساطمائیس  
و شرفخانه بجانب ایران منظور شده است. سوم قطوریکه درویش پاشا بعد از معاهده  
اخیره غفلهً بانجا تخطی نموده است، مزیداً للتوضیح عرض میکنم شق اول حاوی  
سی و نه قریه معموره و مخروبه است شق ثانی با بیستوشش قریه و شق ثالث باهیجده  
یا بیستوچهار با اختلاف فدوی و درویش پاشا، بدیهی است که بالطبع حدود این سه  
شق با همدیگر خیلی متفاوت و برای هر یکی خط مخصوص جداگانه درخور  
میباشد.

از اینکه معاهده برلین مطلق دره قطور را بسایران واگذاشته است  
میتوان گفت تمامی دره قطور است که عبارت از شق اول بوده باشد ولی این ادعاهم  
مخالف خط حدودی میشود که در لائحہ سر حدیه برای قطور بیان و در روی خریطه های

رسمیه ترسیم نمودام وهم مخالف قراری میشود که وکلای واسطه مداخله و توسط خودشان رادر مجالس اسلامبول منوط بقبول آن نموده‌اند وماهم یعنی طرفین هم قبول نموده‌ایم و آن عبارت از بیرون نرفتن خط هیچیک از طرفین از منطقه خریطه‌های رسمیه است ، زیرا این ادعا به بعضی قراومحالی شامل میشود که از ملک قطور در خارج غربی منطقه خریطه‌های رسمیه بجای عثمانیه مانده است بدین علت گمان دارم که اختیار این شق بیچوجه مناسب نباشد چرا که زودتر بموجب بیانات رسمیه خودمان مجاب ومنفعل می شویم وانگهی هیچ بعید نیست که بسبب اختلاف پلتیک روس و انگلیس مؤدی بتطویل ذیل مذاکرات گردیده حسن ختام مسئله بی آنکه متضمن مصلحتی برای ما بوده باشد بعهدہ تعویق افتد . اختیار شق ثالث نیز مناسب نیست زیرا هم اسباب غبن فاحش خودمان و هم متضمن تکذب خط استاتوقوی خودمان گردیده در سایر نقاط سرحدیه نیز موجب بردن اعتبار خط استاتوقوی رسمی مامیشود ، باعتبار فدوی اختیار شق اوسط انب و اولی است که هم متضمن تسجیل و تاکید خط استاتوقوی خودمان است وهم دولتین واسطه اگر هر نوع رقابت و اختلاف پلتیکی هم در حق این مسئله نسبت بیکدیگر و هر نوع حمایت و رعایتی نسبت بطرفین حقاً یا - مصلحتاً داشته باشند بهانه تعویق و اختلاف عمده پیدانکرده بهتر از سایر شقوق با - یکدیگر متفق و مصدق ادعای مامیشوند؟

علیهذا فدوی مصمم است که برای تعیین حدود قطور شق وسط یعنی همان استاتوقوی را اختیار و پیشنهاد نماید که در لائحہ سرحدیه خودمان و در روی خریطه‌های رسمیه ترسیم نموده و مقبول دولت علیه آمده است ، تا صرف طرف مقابل و تکالیف مأمورین واسطه و طی قرار قطعی مسئله چه اقتضا نماید .

چون محتمل است که برای تعیین حدود قطعی قطور و مبادله سندان احتیاجی

بملاحظه دنباله اختیار نامه های مأمورین جانبین بوده باشد فدوی عجالاً از جناب  
جلالتمآب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه باقتضای مأذونیت مطلقه و سمت سفارتی که  
دارند اجازت نامه مخصوصه گرفته همراه خواهد داشت ولی برای اینکه اقدامات  
ایشان و فدوی بدون اجازت مخصوصه جناب مستطاب اشرف امجددام اجلاله نبوده  
باشد قبل از وقت بعرض مراتب جسارت شد که به هر نحو اراده علیه همایونی و اجازت  
جناب مستطاب عالی بوده باشد اختیار نامه آنرا زودتر بفدوی ابلاغ فرمائید الامرالاشرف  
مطاع ۱۵ شهر رمضان ۱۲۹۵

---

۱- میرزا محبعلی مهندس و نقشه بردار ، در بیشتر اختلافات مرزی ایران در زمان  
ناصرالدین شاه مأمور نقشه برداری و تعیین نقاط مورد اختلاف بوده گزارشها و نقشههایی  
که از او دیده شده بردقت و وطنخواهی وی گواه است .

## سند سی و دوم

گزارشی است از سپهسالار باره آشفتنگی کاد دولت عثمانی

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم - امروز صبح روز - چهارشنبه ۲۳ جمادی الآخر ۱۲۹۳ بعرض عریضه عاجزانه وقایع امور جسارت ورزیده امید است بشرف عرض خاکپای مرحمت اقتضای مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه مشرف شده باشد، الآن هم يك پاكٲ از معین الملك (۱) و يك پاكٲ از ناظم الملك ( ۲ ) رسید، خواننده برای عرض لحاظ انور اقدس ملوكانه تقدیم نمود ، روزنامه ترکی العبارة هم بود که کاغذ سلطان عبدالعزیز را که در حال حیات خود بسطان مراد نوشته در آن چاپ کرده اند بهمانطور تقدیم می شود ، هرگاه کسی در رکاب مبارک باشد ترجمه نماید بعرض خواهد رساند والا اعاده خواهند فرمود ، کاغذ مزبور را باشرح حالات حسن افندی که حسین عونی پاشا (۳) و غیره را گشته ترجمه نموده و برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نماید ، نوشتجات حاجی محسن خان از عرض لحاظ انور میگردد ، موقع خیلی باریک شده اینچاکر جان نثار تا حال همه را منتظر این بودم که ببینم عقبه و دنباله حالت عثمانیها بکجا منجر می شود وجه ظهور می نماید ، حالا اینطور شد که حاجی محسن خان نوشته، بمفیده قاصر این غلام خانه زاد موقع آن رسیده است که یا دولت ابد آیت علیه در این بین فرصتی غنیمت شمرده يك صرفه و غبطه ئی تحسیل نماید ، یا آنکه بطوریکه حاجی محسن خان نوشته است باکمال پختگی و اظهار فتوت منتهی بر دولت عثمانی بگذارد ، این انتخاب منوط برأی الهام پذیر مبارک خسروانه است بهر طور مقرر فرمایند اطاعت شود و اگر اراده علیه مبارک

همایونی بمشورت در اینباب هم علاقه پذیرد با چند نفر اشخاص خاص و مخصوص بلاضرر است و مطلوب است لیکن اگر بجنجال مجلس دارالشوری بیفتند بلا نتیجه خواهد ماند و عقبه منظوره را حاصل نخواهد کرد ، در هر حال منوط به امر و اراده مطاعه همایونی است زیرا که قلب مبارک همایون شاهنشاه بدون هیچ تملق چاکرانه محل تأیید و الهام خداست، آن چیزی که بقلب مبارک همایونی القا می شود چاکران از آن محرومند ، نارای جهان آرای مبارک چه اقتضا فرماید ، خبر تازه از جائی نرسیده که بعرض خاکپای مبارک جسارت ورزد ، از میامن اقبال مصون از زوال اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه همه جا امن و امان و آرام و ازدوی نظامی در کمال آراستگی و نظم و آرامی است . معروضه یکساعت از شب پنجشنبه ۱۴ گذشته است ،

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلامخانه زاد - حسین -

ناصرالدینشاه بالای گزارش سپهسالار نوشته است

جناب سپهسالار اعظم - دوپاکت شما پی در پی رسیده و جواب آنها نوشته شد اینک فرستاده می شود ، نوشتجات ملکم و اسلامبول را بدقت خواندم در فقره دولت عثمانی عجالتاً شما باتلکراف زور بحاجی محسن خان بیاورید که فقرات اربعه را مطابق خواهش و میل دولت ایران بگذرانند و حکم بکنید صریحاً که او هم زور آورده مطالب اربعه را حکماً بخواهد و بگیرد، این وضعی که شیخ محسن پیش گرفته است مشکل میدانم در این حالت نزع دولت عثمانی هم بتواند یک فقره از فقرات اربعه را مجری بدارد، یک حالت عجیبی از او نسبت بدولت عثمانی می بینم که حرکاتش باتأنی زیاد بلکه با ترس زیاد و تملق است نسبت به عثمانی ، در این موقع حالت سفیر ایران باین طرز در پایتخت اسلامبول برای منافع ما بسیار بسیار مضراست و من نمیخواهم او عزل شود و نمیخواهم مفسده بکند ، لیکن باید او را ملتفت بکنید که قدری سختی

و مردانگی کند و موقع را از دست ندهد، هر چه دولت باو دستور العمل میدهد رفتار کند، فضولی را موقوف بکند کارها خوب می شود، فقرات اربعه را در این حالت از عثمانی با کمال تشدد باید بنخواستید والا جای هزار افسوس است، بعد از اخذ فقرات اربعه (۴) باز هم حالت آنها معلوم خواهد شد، افکار دولت ایران هم بنا بوقت و موقع صرف خواهد شد، ملکم خان حقیقتاً عبارات مضحکه آمیز و دیوانه وار نوشته است، در آمدن و نیامدن او حرفی ندارم و لیکن تعجب زیاد از نرسیدن مواجب پارسا له او کردم که با آن همه اهتمام شما اگر نرسیده سبب چه چیز است (۴)

۱- شیخ محسن خان سفیر ایران در اسلامبول

۲- ملکم وزیر مختار ایران در لندن

۳- پس از قتل سلطان عبدالعزیز در یازدهم ج ۱/۲۹۳ قمراد پنجم بجای او سلطان عثمانی شد. در شعبان همان سال شیخ الاسلام عثمانی به جنون وی فتوی داد و از سلطنت خلع گردید و سلطان عبدالحمید بجای او نشست.

۴- وزیر جنگ سلطان عبدالعزیز

۵- فقرات اربعه، کارهای چهارگانه دولت ایران بوده است در باره بازگشت سپاه عثمانی - حوالی خوی و در باره عباس میرزا برادر ناصرالدین شاه که بحالت تبعید در عثمانی بوده و در باره آسایش زوار ایرانی در عتبات و در باره تحدید حدود نقطه های مورد اختلاف مرز

## سندسی و سوم

---

دستخط دیگری است از ناصرالدین شاه راجع به تفتین انگلیسها در گذشتن اختلاف مرزی ایران و عثمانی

---

جناب سپهسالار اعظم - بعضی تلگراف‌ها که فرستاده بودید رسید . در تلگراف حاجی محسن خان (۱) نوشته بود، انگلیس‌ها نمی‌گذارند امر سرحد بکنند، نفهمیدم ضدیت و عداوت بی‌جهت دولت انگلیس با دولت ایران چه چیز است (۲) شما اینجا با طامسون (۲) یک مجلس مفصلی در این فقره صحبت بکنید بملکم خان (۳) هم بنویسید، اگر چه ملکم هیچ کاری بجز قصه نویسی ندارد و هیچکاری هم از او ساخته نخواهد شد، پول مفتی باید باو بدهیم بخورد و باین تلخی و سختی پول بگیرد ، هیچ فایده‌ئی هم نداشته باشد ، خلاصه تلگراف مصطفی قلیخان عرب (۴) را هم دیدم ، هزار تومان را البته بگیرید ، قاتل چاپار را هم حتماً بخواهید ، اگر میدانید در شهر اصفهان پنهان است باید هر جا هست سراغ بدهد آدم مخصوص شما بفرستید بگیرند ، انشاءالله فردا که هفدهم است عصری وارد شهر خواهم شد هیچ تشریفاتی لازم ندارد -  
زیاده فرمایشی نبود -

---

- ۱ - معین‌الملک سفیر ایران در عثمانی ( ۲ ) وزیر مختار انگلیس .  
۳ - وزیر مختار ایران در لندن (۴) مصطفی قلی خان عرب عامری اردستانی  
مسئول قراسوران راههای یرد و اصفهان و کاشان بوده مدتی هم در کاشان و یزد حکومت داشته است .

## سند سی و چهارم

گزارش سپهسالار راجع بکودتای عثمانی و خلع و قتل سلطان عبدالعزیز

فرمان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم - بشرف زیارت دستخط مرحمت آیت جهانمطاع مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفداه که در صدر عریضه عاجزانه چاکر فدوی و در ضمن پاکت علیحده باین غلامجان نثار عزا صدر پذیرفته بود مشرف و مقتخر و سرافراز گردید و کسب افتخار و مباهات نمود، اینکه استفسار فرموده بودند، سلطان عبدالعزیز بنا بر تقریرات منیف افندی زنده است یا خیر؟ منظور عریضه عاجزانه که حالت اظهارات او را بخاکپای مبارک رسانده بود این است که چون خلع سلطان عبدالعزیز و جلوس سلطان مراد (۱) در اسلامبول شبانه و بغتته واقع شد و اغلیبی از مردم مطلع از این فقره نبوده اند بعد از سه چهار روز مردم به جنبش و هیجان آمده که کار باین عظمت راجعت چه بوده؟ و از طرف دیگر هم تصدیق دول در جلوس سلطان مراد دیر رسیده حامیان این جلوس از حالت مردم استنباط شورش و ظهور مفسده نموده بقای سلطان عبدالعزیز و حیات او را ماخل مقصد خود و باعث هیجان مردم دیده او را بتوسط آدم های نمک بحرام که نطفه آنها را بلاشک خلل است و وجود آنها در صفحه روزگار حرام و بلاشبهه به بدترین عقوبات گرفتار شده کیفر و نتیجه این نمک بحرامی را خواهند دید، سلطان عبدالعزیز را از حیات محروم داشته اند، از تقریرات پریروز منیف افندی همینطور استنباط می شد، اما در باب اقدامی که مقرر فرموده اند حالا چگونه باید بشود؟ (۴) میرزا ملکم خان باسلامبول برود و بامعین الملك متفقاً اقدام کرده در اینموقع فرصت را فوت نکرده حقوق دولت



علیه را تحصیل نمایند یاخیر (۴) این مرحله واضح و آشکار است که عقول و اوهام ناقصه چاکران بيمقدار هر چه عرضه داریم درخور اراده مبارکه و رشحات قلب مبارك که خزانه الهامات خداوندی است نخواهد بود ولی امتثالاً لامر الاقدس الاعلی همین قدر جسارت بعرض عبیدانه می ورزد که بعقیده قاصره اینغلام علی العجاله همان نوت که معین الملک نوشته و فرستاده شد خیلی باقوت و برای شروع مقدمات کار بسیار نافع است . میرزا ملکم خان هم که احضار شده و از تلکراف میرزا ملکم خان که دیروز بعرض خاکپای مبارك رسید چنین معلوم می شد که انتظار خیر مجدد هم دارد ، هرگاه اراده مطاعه مبارکه علاقه گیرد تلکراف کنیم میرزا ملکم خان با کمال تعجیل بایران بیاید و تا ورود او هر معلوماتی در اسلامبول ظهور یابد معین الملک اطلاع میدهد هر دستور العمل و تعلیماتی که لازم است حضوراً باو مرحمت شده بجای آنکه باید از راه حاجی ترخان بفرنگستان برود از راه اسلامبول خواهد رفت و دستور العمل خود را در آنجا اجرا داشته از آنجا بفرنگستان برود و بفضل خدا و توجهات شاهانه ارواحنافداه حقوق دولت علیه تحصیل شود ، تا رأی آفتاب ضیای مبارك اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه چه اقتضا فرماید (۴) تلکرافی از میرزا - محمدعلیخان کارپرداز دولت علیه مقیم بغداد رسیده بود برای اطلاع خاطر مرحمت تأثیر مبارك لفاً از عرض خاکپای مبارك خواهد گذشت. معروضه ۱۵ شهر جمادی الاولی ۱۲۹۳ - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلامخانغزاد - حسین -

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است

« ملکم را با تعجیل احضار کنید بیاید طهران، در یاد داشتها حکم نوشته شد

ملاحظه کنید .

## سند سی و پنجم

گزارشی است از سه سالار راجع بخرید اسلحه و توضیح نظریات عثمانی راجع به اتحاد اسلام و قبولاندن مقام خلافت سلطان به مملت ایران و هند.

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم . بطوری که امر قدر - قدرها نمطاع مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفداه بشرف صدور مقرون گردیده به نریمان خان (۱) تلگراف کردم که پنجاه هزار تومان بانك را پنجهزار قبضه تفنگ کوتاه قرابینه سواره و سه کرور فشنگ آن ایتباع و ارسال نماید ، لکن واضح است که قیمت این تفنگ و فشنگ قریب دو هزار تومان از پنجاه هزار تومان زیادتر میشود و تنخواه بانك هم پنجاه هزار تومان حساب شد و حال آنکه باز نریمان خان مبلغی مخارج وصول کردن آن نموده است که کسر خواهد شد ، اگر چه فدوی تلگراف کردم که معطل زیاد و کم نشده زود ایتباع و ارسال نماید اما لازم است تنخواه از برای او تهیه شود که در وزارت جنگ اتریش معطل نکنند .

برای توضیح تلگراف رمز ناظم الملك (۲) در باب خیال آنکه عثمانی هامی - خواهند زور خلافتی در هندوستان و ایران نشان بدهند ، امر مبارک شرف صدور یافته بود اطاعتاً جسارت می ورزد ، اولاً میخواهند ملت اسلام را در صفحات آسیا متحد نمایند ، مثل المان بطوریکه بهر يك از آنها از طرفی یا از دولتی تعرض شود همه بسدا بیابند و ثانیاً این هیئت اتحاد به خلافت عثمانی باشد ، چنانچه در روزنامه اختر شرحی از لزوم اتحاد اسلام درج کرده و شرحی هم راجع بایران از روزنامه پلمل - گازت، که روزنامه انگلیسی است و از قول مخبر طهران نوشته نقل نموده نسخه روزنامه

اختر لفاً تقدیم شد، هرگاه اراده مبارکه مطاعه علاقه گیرد از عرض لحاظ انور - بگذرد، اما اینها همه خیالاتی است که بعد از یأس اقتدار در روم ملی (۳) کرده میخواهد بقوت مسلمانهای آسیا خودداری نماید و از جمله خیالاتی است که هرگز صورت - پذیر نخواهد بود، چرا که اهل ایران عموماً من دون استثنا احدی زیر خلافت عثمانی و سنی نمی رود، اهل هندوستان هم اکثری خلافت آنها را قبول نمی نمایند باز همانطوری که حالا هستند خواهند ماند و این خیالات واهی هدر خواهد شد، اگر چه حالت گرانی و وضع آذربایجان دیروز در ضمن عریضه عبیدانه جسارت و عرض شده امروز هم از حضرت والاولی عهد و دیگران تلگراف رسیده بود برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نمود، پاکت حشمة السلطنه نیز لفاً از عرض خاکپای مبارک خواهد گذشت، سایر امور عموماً از شمول توجهات همایونی در کمال انتظام است - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین - (۴)

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است

جناب سپهسالار اعظم - علاوه بر تنخواه بانك هر چه قیمت اسلحه که معین کرده ام بشود بعد از تعیین ودقت صحیح برات صادر بکنید، علاوه تنخواه داده می شود که انشاء الله پنجهزار قبضه قرابینه و سه کرور فشنگ بزودی ایتباع شده برسد. روزنامه اختر را خواندم و از خیالات عثمانی که توضیح کرده اید مطلع شدم بعد از این هر چه شد بعرض برسانید - ۹۷ -

۱- نریمان خان قوام السلطنه وزیر مختار ایران در اتریش -

۲- متن تلگراف رمز ناظم الملك (ملکم) نقل از کتاب اسناد نویافته

نمره ۴۹ - ۲۱ رجب ۱۲۹۷ بمضی از متعصبین و متملقین اسلامبول ذهنی سلطان کرده اند که چون دول فرنگستان مصمم هستند عثمانی را از خاک روم ایلی بکلی بیرون بکنند بجهت تلافی چنان شکست عظیم چاره منحصر است که دولت عثمانی رجوع به حقوق

و قدرت خلافت بکند و به زور آن اسبابی که باقی مانده حقوق و تسلط مسند خلافت را از مصر تا هند و بخصوص در ایران و آسیای وسطی جاری بکنند ، در این باب بعضی کتابچه ها نوشته و یک روزنامه مخصوص هم برپا نموده و الآن در اسلامبول گرم اینخیال هستند ، خیال واقعاً خیلی عالی است اما غفلت و بی کفایتی اسلامبول بالاتر از هر نوع خیال است . ملکم .

### ۳- سرزمین بین دریای سیاه و بالکان

۴- موضوع تثبیت خلافت از سال ۱۸۷۶م در برنامه اساسی سلطان عبدالحمیدجای گرفت، او در زیر عنوان فریبنده اتحاد اسلام اندیشه تجاوز به استقلال ایران و دیگر کشورهای مسلمان را که خارج از حیطه اقتدار امپراتوری عثمانی استقلالی داشتند در سر - می‌پروراند، قتل ناصرالدین شاه بتحریر عبدالحمیدقدمی در راه اجرای این نقشه بود ولی در آن وقت هشیاری و میهنخواهی مردم ایران و هشدار دولت روس و انگلیس عثمانی را از تجاوز به ایران بر حذر داشت، از اینرو باصراحت باید گفت داعیان اتحاد اسلام در استانبول که ریزه خواران خوان سلطان عبدالحمید بودند ( مانند جمال الدین افغانی و یارانش ) در دعوت اتحاد اسلام جز خدمت به عبدالحمید و دشمنی با استقلال ایران هدفی نداشتند .





## سندسی و ششم

---

یادداشتی بخط ناصرالدین‌شاه در باره اخبار شکست انگلیس در افغانستان

---

جناب سپهسالار اعظم - البته اخبار شکست انگلیس به هرات خیلی زود میرسد، تلگراف رمزی به رکن الدوله (۱) بکنید به امیر افضل خان (۲). بگوید يك نفر از افاغنه خودش را بچاپاری روانه هرات بکند، اخبار صحیح و تفصیل این جنگ هر چه در هرات شهرت دارد معین کرده بیاید بمشهد و بعرض برساند- ۹۷

---

۱- محمدتقی میرزا اسفاندار خراسان و سیستان .

۲- امیر افضل خان از سرداران افغان که بدولت ایران پناهنده بوده و در تاریخ

این یادداشت در مشهد اقامت داشته است.

حاجی بیگم

الیه اخبار کتیب نفس لبراسه مع زواری

تکرات روزی برکن الموده بکیر با مر افترمان

بکیر بکیر لدا ما غنه خونش و بیانه روزی

بکیر اخبار مع و تفهیر الی صبی لبراسه در کلاس

لترت دلو معین که بیارم کهنه در کلاس

۱۶

## سند سی و هفتم

گزارشی از سپهسالار که جزئیات کار شکست قشون انگلیس را در قندهار توضیح میدهد .

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم - در عرایض سه روز قبل حکایت معدوم و نابود شدن يك بریکادقشون دولت انگلیس را در نزدیکی قندهار جسارت ورزیده بعرض خاکپای جواهر آسای همایون شاهنشاهی روحانفداه رسانیده بودم و عرض شده بود که هنوز معلوم نیست این صدمه به قشون انگلیس از ایوب خان (۱) وقشونی که باخود داشته رسیده است یا از اهالی خود قندهار یا از جمعیتی که محمدجان درغزنین دارد رسیده است، پس از عرض آن عرایض از قرار اخبارتلفرافی که از ناظم الملك (۲) رسیده و لفاً از لحاظ انور خواهد گذشت و اخباری که به سفارت انگلیس رسیده وقوع مسئله از قراری است که جسارت ورزیده بعرض میرسانم ، مدتی است فیما بین شیرعلیخان که از جانب انگلیسها بحکومت مستقله قندهار معین شده بود و اهالی قندهار با ایوب خان در مخایره بودند که من از بابت ترس و لاعلاجی تمکین بحکومت نموده ام هر وقت شما حرکت کرده به عنوان جهاد بقندهار بیایید من و جمیع اهل قندهار بشما ملحق خواهیم شد ( این خبر چهار ماه قبل از جانب کارگذاران خراسان به غلام خان مزاد رسیده بود و فیما بین صحبت بوزیر مختار انگلیس گفته بودم و آنها باور نمیکردند) بعد از آنکه ایوب خان با جمعیت خود به «فراه» رسید شیرعلیخان را هم با شش فوج و معدودی توپ انگلیس ها از قندهار حرکت داده به «کرسک» فرستادند ، بعد از ورود مشارالیه یکی از افواج مزبوره که کابلی بود اولاً شوریده و به «فراه» رفت، بفاصله دو ساعت سایر افواج هم شوریدند و توپها را برداشته



روبه اردوی ایوب خان رفتند و شیرعلیخان به تنهایی در «کرشک» ماند با قلیلی از سواره، انگلیس‌ها که از این مقدمه مطلع شدند جمعیتی به تعاقب آنها فرستادند توپها را مسترد نموده افواج را متفرق کردند و بعد ایوب خان با دو هزار پیاده و چهار هزار سواره وسی و شش عراده توپ رو بقندهار از راه «فراه» حرکت می‌نماید، انگلیس‌هایک بریکاد ناقص که عبارت از سه هزار سواره و پیاده بوده باشد باش عراده توپ بجهت دفاع ایوب خان میفرستند و فیما بین کرشک و قندهار محاربه بوقوع میرسد از این سه هزار نفر هزار نفر خلاص شده و تمه از صاحب‌منصب و نفرات کشته می‌شوند همینکه این خبر بقندهار میرسد مردم قندهار بر بقیه قشون و غیر قشون انگلیس که کلیه یک هزار و هفتصد نفر بوده‌اند می‌شورند و آنها هم به ارک قندهار فراری و محصور می‌شوند، روز جمعه ۲۱ شعبان ایوب خان با جمعیتی که داشته‌است وارد قندهار می‌شوند و تلگراف فیما بین قندهار و هندوستان را مقطوع می‌نمایند، دیگر خبری ندارند و در قتل و اتمام محصورین ارک قندهار شبیه ندارند، حالامشوشند که آیا پس از وصول این خبر به کابل اهالی کابل و جمعیتی که محمدجان و عبدالرحمن خان دارند همین معامله را با انگلیسها بنمایند یا آسوده بمانند، از لندن و هندوستان قشون زیاد به افغانستان تعیین نموده میفرستند. در تلگراف و نامه‌جات ناظم الملك مطلبی است بعد از تشریف از لحاظ مبارک بهر چه امر همایونی شرف صدور یا بد اطاعت خواهد شد، الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خان نژاد - حسین -

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است.

جناب سپهسالار اعظم - از تفصیلی که نوشته‌اید اطلاع حاصل شد بعد از اینهم هر خبری باسد بعرض برسانید تلگراف های ملکم را دیدم بهیچوجه اقدام بمذاکره یا حرفی نباید کرد اما همینقدر در اینجا و در لندن بانگلیس‌ها حالی بکنید که اگر هرات

را بطوری که مامیل داشتیم واگذار میکردند بایران ، باین زحمت و شکست و ضرر و بدنامی دچار نمی‌شدند -۹۷-

۱ - تاریخ جنگ قندهار و شکست انگلیس ها روز ۲۷ ماه ژوئن ۱۸۸۰ میلادی (آغازشعبان ۱۲۹۷ق) بوده است . امیر ایوب خان افغانی به قندهار حمله کرده سپاهیان شیرعلیخان حاکم قندهار ( که با پشتیبانی انگلیس ها در آنجا حکومت داشت ) در نزدیکی های قندهار به سپاه امیر ایوب خان پیوستند و شیرعلیخان گریخت ، برای مقابله ژنرال بورون (General Boron) فرمانده ارتش انگلیس از قلعه قندهار بیرون آمده با سپاهیان که داشت به پیکار سپاه ایوب خان شتافت ولی با دادن تلفات سنگین شکست خورد و ایوب خان قندهار را گرفت اما یک ماه بعد سپاهیان تازه نفس دولت انگلیس بفرماندهی ژنرال روبرتز همراه سپاهیان امیر عبدالرحمن خان حاکم کابل به قندهار حمله بردند و ایوب خان شکست خورد و به هرات گریخت و پس از چند بار جنگ و گریز در شوال ۱۲۹۸ با شکست قطعی روبرو شد و همراه جمعی از یارانش از جمله جنرال فقیر احمد خان کابلی به ایران آمد و پناهنده شد دولت ایران برای او حقوق و مسکن تعیین کرد ولی پس از چندی بی خبر از طهران به مشهد گریخت و تا سال ۱۳۰۵ق در آنجا مهمان دولت ایران بود و سرانجام بایادانش بمأموران دولت انگلیس تحویل داده شد .

۲ - میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران در لندن

Handwritten notes in various directions at the top of the page, including names like "باب اول", "باب دوم", and "باب سوم".

Main handwritten text in a vertical column. The text is dense and appears to be a detailed explanation or list of items, possibly related to medicine or health, given the context of the "Sephalar" label below. Phrases are difficult to decipher due to cursive handwriting.

Handwritten text on the right side, likely a continuation of the notes or a separate entry. It is also in cursive script.

گزارش سپهسالار

## سند سی و هشتم

گزارشی است از سپهسالار در باره تقاضای سردار ایوب خان فاتح قندهار که بدولت ایران پناهنده شده بود .

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - چنانچه در اوایل ماده مبارک -  
رمضان بعرض خاکپای مرحمت اقتضای مبارک اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده  
جسارت ورزیده جنرال فقیر احمد خان کابلی ، ودونفر دیگر از سرداران هراتی از  
از جانب سردار ایوب خان آمده بودند و آدمهای سنجیده و معقول میباشند بهیچوجه  
دخلی بفرستادگان سابق سردار ایوب خان ندارند و عریضه سردار ایوب خان را هم  
آورده اند ، در ماه رمضان اینغلام جان نثار بطوری که لازم بود نسبت بآنها مهربانی  
و آنها را اغلب شبهای رمضان دعوت و ضمناً از آنها تحقیق نمود که منظور از آمدن  
بدربارگردون مدار چیست (؟) در آن لیالی متبرکه بواسطه حضور در مجالس شوری  
و غیره و احضار بخاکپای جواهر آسای مبارک فرصت گفتگوی مجلس مفصل نشد و  
هر وقت شروع مذاکره شد بطور ابهام اظهار میکردند، تا بعد از رمضان نزد فدوی  
خانزاد آمده اظهار داشتند که خلاصه عرض و منظور سردار ایوب خان از فرستادن  
ما بدربار گیتی مدار همایون این است که میگوید بحمدالله از روزی که در دولت  
علیه ملتجی شده ایم از همه جهت مورد نوازش و عنایت گردیده غرق نعمتهای گوناگون  
دولت علیه و از شراعادی محفوظ هستیم ولی منظور و مقصود اصلی من از التجای بدولت  
علیه استخلاص و نجات برادرم سردار یعقوب خان از حبس بوده و هست که از پرتو  
التفات این دولت اوزا مستخلص - ازم ، این غلام جان نثار گفتم دولت قوی شوکت ایران

کمال مرحمت را بسردار ایوب خان مادامی که در خاک ایران است فرموده و او را محترم و عزیز داشته و خواهد داشت و میل او را رغب است تا هر وقت مایل بتوقف ایران است مورد حمایت خواهد بود هر وقت هم مایل بر رفتن بشود منعی از برای او نیست ، و باز نظر مرحمت همایونی با او خواهد بود ، اما در باب خلاصی سردار یعقوب خان خودتان میدانید که شیرعلی خان آدمی است وحشی و در افغانستان خود را رئیس دیده و مشتم زیر چانه نخورده و چنین میداند که رأی او مجری است چنین آدم وحشی پسر بزرگ رشیدی مثل یعقوب خان را محبوس و پسر کوچک معیوب خود را ولیعهد خود قرار دهد دور نیست که اگر از طرف دولت علیه کسی بجهت رهائی یعقوب خان نزد او برود نپذیرد و نسبت باین دولت ابد مدت بی احترامی ظهور یابد ، آنوقت دولت مکلف شود که بطورهای دیگر رفع این حالت را فرماید و باعث زحمات و مخارج زیاد گردد و اقدام باین فقره خارج از طریقه حزم است مگر چیزی که علی الظاهر بنظر میآید بسفارت انگلیس در اینخصوص تکلیف شود که بفرمانفرمای هندوستان بگوید نصیحت لازم را در اینباب بشیرعلی خان نماید ولی معلوم نیست که نتیجه این اقدام چه خواهد شد و منظور حاصل میشود یا نه (۴) و این اقدام راه من بدون تحصیل اجازه از خاکپای مبارک ملوکانه روحانفناه نمیتوانم کرد ، چون فقیر احمدخان خیلی آدم پخته و معقولی است حرفهای خانزاد فدوی را پذیرفت ، حال هرگاه اجازه مرحمت شود و در خاکپای مبارک بی عیب جلوه نماید يك مجلس مختصری با سفیر انگلیس صحبت بمیان بیاورد تا نتیجه آن چه شود (۴) اینك عریضه سردار ایوب خان از عرض خاکپای جواهر آسای مبارک خسروانه میگردد هر آنچه امر و مقرر فرمایند اطاعت خواهد شد ، و چون آدمهای قابل هستند هرگاه اراده مطاعه مبارکه اقتضا فرماید بعد از تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب همایون ملوکانه از جاجرود بحضور مهر ظهور مبارک

مشرف شوند و بملاحظه آنکه بآنها در مدت توقف در دارالخلافة باهره خرج مرحمت نشده هرگاه خلعت بانضمام يك انعام معتنابهی بآنها عنایت گردد خالی از مناسبت نخواهد. بود تا رأی مرحمت پیرای مبارك اقدس همایون شاهنشاهی روحنفاذیه چه اقتضا فرماید - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین -

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم - انشاءالله بعد از ورود ما بطهران فقیر احمد خان را بحضور بیاورید ، هیچ عیب ندارد با سفارت انگلیس حرف بزید در باب استخلاص یعقوب خان و اهتمام بکنید شاید خلاص شود ، خلعت و انعام هم آنچه لازم است در شهر که آمدیم بعرض برسانید داده شود .





## سند سی و نهم

دستخطی از ناصرالدینشاه به سپهسالار در اظهار یأس و دلنگی از ولیعهد (مظفرالدین میرزا)

جناب سپهسالار اعظم - تلگرافهای ولیعهد و تیمورپاشا خان (۱) را دیدم حقیقتاً کار آذر بایجان حالا طور است که آدم نمی داند باکی حرف بزند و باکی سؤال و جواب نماید و ریش کی دردست است و احکام را کی مجری می کند؟ شما که نمیتوانید توی کله ولیعهد بزنید و از او کار و اجرای احکام بخواهید ، همه را باید تعارف بکنید او هم نوشتجات و تلگرافهای آقایانه بشما بکند و همه را هم اظهار یأس نماید، این کار آذر بایجان خیلی بد و خیلی بفرنج است و آخرش یقیناً بد است ، تیمورپاشا که صریح می نویسد اگر اد هرزگی می کنند و خواهند کرد ، این نوکر بزرگ و سرحددار معتبر ، آن حاکم و صاحب اختیار ، خلاصه همانطور که سابق نوشته بودم بروید تلگرافخانه ولیعهد و میرپنجه و هر کس پیدا میشود حاضر بکنید ببینید چه قراری برای رفع و دفع هرزگی اگر اد می دهند و میخواهند و کی را میخواهند بفرستند از قشون و .. و سیورسات يك ماهه آنها چه می شود، تفصیلاً بعد از مذاکره بعرض برسانید و اقدامات سریعه بشود لازم است

۱- تیمورپاشا خان فرمانده افواج سوارماکو، از سرداران و مرزداران رشید ایران بوده و بارها در برابر سپاه عثمانی ایستاده و فتنه کردها را خاموش کرده ، وی پدر اقبال السلطنه ماکومی بوده است



بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
صلى الله على محمد وآله

الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دروساً لمن يتفكر

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

## سند چهلیم

گزارشی از سه سالار در باره توپخانه و توپچی‌های طهران و سان‌سربازان نظام  
اتریشی ایران و مطالبی از آذربایجان و مرز عثمانی

قربان خاکپای جواهر آسای مبارک اقدس همایونت شوم مجاری امور را دیروز  
در ضمن عرایض عبیدانه بشر فعرض باریافتگان حضور مرحمت ظهور مبارک اقدس  
همایون اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحانفاده رسانیده است ، امروز صبح روز  
شنبه ۲۴ جمیع توپچی حاضر رکب‌بدر میدان مشق حاضر کرده خود چاکر فدوی و  
کلنل اتریشی و «واگنر» (۱) و صاحب‌منصبان توپخانه نیز حاضر شدیم هر چه توپچی  
مأمور بود روانه کردم، توپچی مقیم دارالخلافه هفتصد و هشتاد و دو نفر شد «کلنل» و «واگنر»  
آنها را بطریقه و اصلاح خودشان برگروهان و دسته تقسیم کرده نظم و ترتیب لازم را  
دادند و بکلی امروز از نظم و ترتیب آنها فراغت حاصل شد ، این غلام خانه‌زاد  
امیدوارم در مراجعت موکب فیروزی کوکب همایونی یک توپخانه منظم و مرتب موافق  
اراده مطاعه مبارک از عرض حضور مرحمت ظهور مبارک بگذرد .

امروز اردوی سربازان طرح اتریش و غیره نیز با ترتیب و انتظام کلی بیرون رفت  
و بطوری که فرمایش جهانمطاع مبارک شرفصدور یافته است آب از برای آنها از سوهانک  
و از گل خریدم که یک قطره آب بهیچ جا تحمیل و خسارت وارد نشود، خاطر آفتاب تأثیر  
مبارک کلاماً آسوده خواهد بود ، بعضی تلگرافها رسیده بود که لازم است از شرف  
خاکپای مرحمت اقتضای مبارک بگذرد از قبیل تلگراف تیمور پاشا خان (۲) در باب  
رفتن جلالی (۲) بخاک عثمانی، لهذا برای عرض حضور ساطع النور ملوکانه روحانفاده تقدیم

نمود بهر طور اراده مطاعه مبارک اقتضا فرماید احکام قضا نظام بشرف صدور مقرون خواهد شد، امروزیکی از کلنل‌های انگلیس که از اسلامبول آمده و میخواهد از این راه به هندوستان برود نزد چاکر فدوی آمده بود تفصیل و شرح خیلی حزن انگیز از حالت ارضروم و با یزید و آن صفحات بیان میکرد که از بیانات او رقت حاصل می شد، از جمله میگفت در ارضروم از نان اسمی ذکر می شود آنهم يك من دوتومان، بطوری مردم در هلاکت می باشند که از حد بیان خارج است، میگفت از جمله خودم سه روز آنجا توقف کردم از گرسنگی نزد پاشای آنجا رفتم يك خوراک نان بمن داد و آدمهای من در این سه روز همگی گرسنه بودند، در پائین ارضروم و با یزید هم بهیچوجه زراعتی نشده بوی آبادی ندارد، در با یزید هم نان یکمن پانزده قران است، معلوم می تواند بود که مخلوق بی بضاعت آنجا با این قحط و غلا در چه حالت تأسف آمیزی میباشد، میگفت در ورود او با آنکه در خوی و تبریز و غیره نیز غلا بود اما نسبت به ارضروم و با یزید مثل آن بود که از جای قحط بجای وسعت و فراوانی و آسایش رسیده بودم، دیگر اصلاً صدمه از این جهات ندیدم، معض استحضار خاطر مرحمت اثر مبارک اقدس همایون ملوکانه روحانفاده بعرض عبیدانه جسارت ورزید، کلنل مزبور از حالت بی لجامی و خودسری اگراد صفحات عثمانی میگفت بهیچوجه اطاعت دولت عثمانی را ندارند، حسب الامر الاقدس الاعلی با تلگراف رمز از کارگذار خارجه استرآباد حالت قشون روس را شوال کردم الآن جواب رسید استخراج آنرا لفأ برای عرض خاکپای مبارک تقدیم نمود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع - غلام خانزاد - حسین -

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است .

جناب سپهسالار اعظم - عراض سابقه را جواب نوشته فرستادم البته رسیده است و معمول داشته اید، عراض حالیه هم رسید فوراً جواب نوشته میفرستم، در فقره توپچی

رکابی که این طور اقدام به نظم و تصحیح عمل آنها شده است انشاءالله بسیار مفید خواهد بود ، در ورود جلگه طهران انشاءالله ملاحظه خواهد شد ، میدان توپخانه راهم البته مشغول شده‌اند که منازل توپچی را بقواعد سر باز خانه های جدید بر قرار نمایند ، تلگراف مفصل تیمورپاشا را دیدم، اگراد سرحد نشین هیچ اعتباری در کارشان نیست رفت و آمد نشان چندان نظمی ندارد ، گاهی میروند باز می‌آیند بخصوص جلالی هرگز نمیتواند از محل و مرتع بیلاق و قشلاق خاک ماکو و خوی بخارج بروند ، اگر بدانند هم نمیروند ، تیمورپاشا این فقره را پلتیک عمل افواج خوی قرار داده است که او را مجبور نکنند یا بیاید بافوج یا ترك فوج نماید باین بهانه که جلالی رفته است میخواهد دست بدست بمالد که ایل را بیاورم جایجا کنم بعد می‌آیم و در فقره فوج هم جواب یأس بدولت ندهد، برای امیدواری او تا اینجا میتوان گفت که خیال اصلی او است لیکن حالا جلالی رفته است باید تأکید و سفارش در عودت آنها در کمال سختی از جانب دولت بشود ، و شل گرفته نشود ، اینکه تیمورپاشا می نویسد: باید آنها را امیدوار کرد و آورد و گرسنه هستند و غیره و غیره، تصریح نکرده است که دولت چه اقدام نماید (۴) چه بذل و مرحمت کند (۴) بعد از اقدام بر جلب آنها تیمورپاشا مشول است که آنها را بیاورد یا نه (۴) خلاصه باید از تیمورپاشا باتلگراف سوال نمائید که چه باید کرد و تدبیر چیست (۴) بعرض رساند تا معمول شود، معجلاً جواب بگیریید ، در فقره هرزگی اگراد در سرحد خوی و ماکو بعلاوه گرسنگی و قحطی خوب نیست باید چاره کرد ، محصولی هم که در سرحدات امسال بعمل آمده باشد امسال بواسطه هرزگی و غارت کرد ها از میان برود باز امسال هم در قحطی و ذلت اهالی خواهد بود

تلگراف مصطفی قلیخان (۳) راهم دیدم که ولیعهد صلاح دانسته است قشونی

فوق العاده بسرحد برود و تکلیف خواسته بودید که علاوه بر خرج مستمر خواهد بود؛ در این فقره هم در مجلس وزراء حرف بزید و ببینید چه صلاح میدانند هم خودتان بروید تلگرافخانه و لיעهد و میرینجه را حاضر کرده حرف بزید ببینید چقدر جمعیت می خواهد بفرستد و آن جمعیت بیک ماه چقدر سیورسات لازم دارد؟) هر قدر می ماند معلوم شود و آن جمعیت از چه مقوله خواهد بود و از چه طایفه؟) جنس نوه هم که بدست آمده است. خلاصه بعد از فهمیدن و حرف زدن و اطلاعات کامل دو باره بعرض برسانید حکمش می شود . ۹۶

۱- چنانکه در مقدمه این کتاب نوشته شد نظام اتریش زیر نظر افسران اتریشی در زمان سه سالار در ایران تشکیل شد و ژنرال واگنر سرپرست افسران اتریشی بود پس از برچیده شدن نظام اتریش نیز تا سالهای میانه دوران بی سامان مظفرالدین شاه در ایران می زیست و فرمانده تعلیماتی و بازرسی نظام بود .

۲- جلالی- از تیره های مرزنشین خوی و ماکو .

۳- قراگزلو از فرماندهان نظامی .

## سند چهل و یکم

یاد داشتی است از ناصرالدینشاه درباره قحطی روسیه و منع صدور گندم و جو از ایران

جناب سپهسالار اعظم از فراری که در روزنامه خود بطرز بورغ نوشته بودند ملاحظه شد قحطی که امسال در خاک روس است خیلی شدیدتر از بار سال است، خودشان نوشته بودند که امسال سی کرور نفس رعیت روس بی نان است و ملخ بشدنی محصول قازان را خورده است و همچنین قفقاز و اودسا و... که در همه این ممالک که غله خیز روس است هیچ چیز باقی نگذاشته است و لاعلاج باید از خارج غله بخرند و ببرند برعیت بدهند، شما خیلی لازم است که احتیاط امساله آذربایجان را بکنید باین - معنی که یکمن غله نگذارید بخارج ببرند و این عمل را به چه تدبیر خواهید کرد نمیدانم، بکار گذاران آذربایجان بنویسید، میگویند: بچشم اطاعت نمیگذاریم ببرند. ولی همان حرف خالی و نوشته است والا هیچ کاری نخواهند کرد و تمام غله را روس و روم امسال هم خواهند برد و باز در زمستان و پائیز و بهار قحطی است که بخاک آذربایجان خواهد افتاد و بالمره رعیت رازیر و زبر خواهد کرد. علاج واقعه را حالا باید کرد که غله در زمین است و من الآن میتوانم قسم بخورم که تمام غله سرحدات را تجار روس دردم پیش خرید کرده اند و در کلرند از سر خرمن می برند، مثل روز روشن می بینم و کسی هم منع نمی کند، بیک غفلت یا نفهمیدگی کار گذاران آذربایجان مبتلا بیک مشقتی بشوید که آخر نداشته باشد، لازم شد این دستخط را بنویسم، بعلاوه قحطی و ملخ خوارگی در روس، در ارمن و ارزنة الروم و دیار بکر و آسیای مرکزی از بی نظمی و تاخت اکراد و سبب های دیگر هیچ بندر نکاشته اند، خیلی تعجب است که قنصل های ارزنة الروم و طرابوزان و هشرخان و تفلیس این تفاضیل قحطی را نمی نویسند و اطلاع نمیدهند ۹۶

## سند چهل دوم

سپهسالار در پاسخ یاد داشت شاه در باره قحطی روسیه نوشته است

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم۔ توفیعات حکمت آیات همایون ظل اللہی روحانفداه که در ۱۲ رمضان بافتخار این غلام خاننژاد شرف صدور یافته بود زیارت نموده کسب افتخار و مباحات فوق العاده نمود و در تحت هر لفظی هزار معنی و نکات و فواید ملاحظه کرده بی اختیار دعا بآن وجود مسعود مبارک نمود که آنی ودقیقه [ئی] از فکر و خیال دولت و حفظ منافع و دفع مضرات فارغ نیستند ، خداوند سایه همایون شاهنشاهی روحانفداه را بفرق اهالی ایران مستدام بدارد ، در فقره قحطی در خاک روسیه همان است که بعرض خاکپای مبارک رسانیده اند، در چهارپنج ایالات حاصلخیز آنها که همه ساله از آن ایالات غله زیاد بفرنگستان حمل می شد در هذه السنه از بابت ملخ خوارگی خوراک خودشان را ندارند و لابد باید از خارج حمل کنند ، در پروس هم که همجوار روس است ملخ خوارگی شدت داشته است در قفقاز ایالت ایروان امسال نسبت به سنه ماضیه قدری بهتر است لیکن ایالات گنجه و تفلیس راهم ملخ خورده است و در شدت اضطراب میباشند، در ارضروم و وان و حکاری و دیاربکر همان نوع که از قلم معجز بیان ملوکانه شرف صدور یافته بود از عدم امنیت زراعت نکرده اند و البته اهالی قفقاز و ارمنستان و کردستان مجبور میشوند که مایحتاج یومیه خودشان را از آذر بایجان تحصیل نمایند و محصول هذه السنه آذر بایجان هم نسبت بسنه ماضیه بحمدالله خیلی بهتر است و مردم شیفته پول سنه ماضیه شده اند بهر طور ممکن و مقدورشان بشود غله بحدی و درجه [ئی] خارج خواهند نمود که

اسباب تنگی و مشقت اهالی داخله خودمان خواهد گردید و از ابتدای محصول جدید تا بحال مکرر خدمت حضرت ولیعهد عرض و اصرار نموده‌ام که در منع حمل غله بخارج مبالغه نفرمایند و جواب همه بهمان قسمی که در دستخط مبارک شرف ترقیم یافته است مشعر بر اطمینان عدم حمل رسیده است و یقیناً اصل مطلب آن قسم نیست که جواب نوشته اند، حالا بجهت اطمینان قلب مبارک که در زمستان باز اسباب زحمت مردم فراهم نیاید اگر مقرر میفرمائید و بنظر مبارک درست می آید پنج نفر اشخاص امین از اینجا منتخب شده به جلقاومعبر شاه تختی و سرحد خوی و سرحدارومی مأمور و متوقف گردیده شغل و کار آنها انحصار بمنع خروج غله از خاک ایران بخارج باشد و جز این فقره عجاله بنظر این غلام خانه زاد چاره فوری نمی آید، هر قسم که در خاکپای اقدس اعلی درست و مقرون بصالح ملحوظ شد امر قدر قدر شرف صدور خواهد یافت تا از آن قرار معمول شود - الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع - غلام خانه زاد - حسین -

شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است -

«جناب سپهسالار اعظم، بلی باید باین معابر مأمورین مخصوص معتبر حال فرستاده شود که نگذارند احدی غله بخارجه ببرد و لیکن مأمورین درستی باشند که از هر باری دو شاهی نگیرند و اذن بدهند»



## سند چهل و سوم

دستخطی است از ناصرالدینشاه برای حراست مرز ایران و بصره

جناب سپهسالار اعظم - کاغذهای حشمت الدوله (۱) را خواندم، (۲) در باب اخبار بصره و غیره نوشته بود و اینکه اسباب ضروریات حربیه فرستاده شود، سرحدات را همیشه گفته‌ام نباید خالی گذاشت البته، خواه حرفی باشد یا نباشد دولت باید حاضر باشد بخصوص در سرحدات بسیار بسیار لازم بل واجب است که سه هزار قبضه تفنگ سوزنی با مقداری فشنگ آن از فشنگهای ساخته روانه بکنید که در قورخانه عربستان باشد (۳) اگر توپخانه دارند در آنجا بنامد دو عراده توپخانه هم بعد بفرستید، از گلوله نارنجک هم هر قدر خواسته است موجود کرده بهمان پوند که خواسته است روانه دارید، البته همه این‌ها را بزودی تدارک دیده با یک نفر آدم و قورخانه‌چی مخصوص روانه بکنید،

(۱) خانلر میرزا حکمران خوزستان

۲- در متن «خاندوم» .

(۳) در سازمان اداری دوران قاجاریه خوزستان را «عربستان ایران» هم می‌گفتند ولی خود خوزستانیان نام دیرین و تاریخی سرزمین خود (خوزستان) را پیوسته در همه جا بکار برده‌اند و در متن‌های تاریخی و ادبی دیرین ایران نیز برای این سرزمین گرامی و زرخیز همیشه همان نام باستانی «خوزستان» بکار برده شده است .

## سند چهل و چهارم

تلکراف ناصرالدین شاه در باره انتصاب سپهسالار به پیشکاری آذربایجان  
و پاسخ ولیعهد.

بتاریخ شب سوم ذی قعدة ۱۲۹۷ - از طهران به تبریز - دستخط مبارك .  
ولیعهد بملاحظه اختلال امور آذربایجان و اهمیت انتظامات لازمه فوری و اینکه امروز  
برای شما از نوکرهای کار آزموده مجرب دولت از هر چیز بیشتر لزوم داشت ، ما  
در میان نوکران بزرگ جناب مشیرالدوله که فی الحقیقه ممتازترین اشخاص است و  
نکات و دقائق امورات مملکت را از هر چیز و هر جهت خوب و درست میداند ، او  
را برای فرستادن بآذربایجان و شریک الزحمة شما قرارداد انتخاب و اختیار فرمودیم  
و حکم شد که تا فردا عصر بیچاپاری عازم تبریز شود و خود را بزودی آنجا رسانیده  
مشغول انتظامات لازمه باشد و وجود او در قزوین معطل و بی فایده مانده بود، البته در  
آذربایجان مشغول خدمات باشد خیلی بهتر است شما هم وجود چنین شخصی را برای  
رفع بعضی اختلالات غنیمت خواهید شمرد .

جواب. بخاکپای مبارك اقدس اعلی روحانفداء - در خصوص مأموریت جناب  
مشیرالدوله که در نزد اینغلام جان نثار باشد ، هر کس را مرحمت می فرمودند  
اینغلام تشکر می نمود خاصه جناب معزی الیه که از نوکران بزرگ شاهنشاه جمجاء  
روحانفداء و در حقیقه مرحمت منصوص بود که در حق اینغلام فرمودند ، خداوند جان  
اینغلام را قربان خاکپای مبارك نماید که هیچوقت اینغلام را از نظر فراموش نمی-  
فرمایند . کمترین غلام- مظفرالدین- مهر تلکرافخانه مبارکه- بتاریخ شب ۲ شهر ذی قعدة  
تلکرافچی گیرنده مطلب ، مهدی -



ادارہ تکرانہ و کتابخانہ

مرکز دہلی

تاریخ ۱۹۲۲

اس کا عنوان ہے

موضوع	تاریخ اشاعت			ملاحظات
	روز	شاہت	مقیہ	

و شکر برک و لیسہ جو خطہ شمال ہندوستان میں ہے اس کی تعلیمات ہندوؤں کے لئے ہیں اور ان کے لئے ایک ایسا ادارہ ہے جس سے ان کو تعلیم حاصل کرنے کا موقع ملتا ہے۔ اس ادارہ کے تحت ایک ایسا اسکول ہے جس میں ان کو تعلیم حاصل کرنے کا موقع ملتا ہے۔ اس ادارہ کے تحت ایک ایسا اسکول ہے جس میں ان کو تعلیم حاصل کرنے کا موقع ملتا ہے۔ اس ادارہ کے تحت ایک ایسا اسکول ہے جس میں ان کو تعلیم حاصل کرنے کا موقع ملتا ہے۔

اس ادارہ کے تحت ایک ایسا اسکول ہے جس میں ان کو تعلیم حاصل کرنے کا موقع ملتا ہے۔ اس ادارہ کے تحت ایک ایسا اسکول ہے جس میں ان کو تعلیم حاصل کرنے کا موقع ملتا ہے۔ اس ادارہ کے تحت ایک ایسا اسکول ہے جس میں ان کو تعلیم حاصل کرنے کا موقع ملتا ہے۔ اس ادارہ کے تحت ایک ایسا اسکول ہے جس میں ان کو تعلیم حاصل کرنے کا موقع ملتا ہے۔

تاریخ ۱۹۲۲	مرکز دہلی	مقیہ
تکرانہ و کتابخانہ		

## سند چهل و پنجم

---

فرمان مأموریت آذربایجان - دستخط ناصرالدین شاه

---

محل مهر - السلطان ناصرالدین شاه قاجار

چون امور و اداره مملکت آذربایجان سابقاً هم سپرده و در تحت نظارت جناب مشیرالنوله بود حال هم بنا بر مصالحی چند موافق این حکم محکم میفرمائیم که کلیه پیشکاری و وزارت و ریاست قشون و مملکت آذربایجان را بدون استثنای هیچ امری سپرده بایشان است و موافق این حکم باید بجایاری از قزوین با کمال عجله حرکت کرده روانه آذربایجان شود و کلیه کار آن مملکت را بتحت قاعده و نظم آورده دقیقه [ئی] از این امر مهم فارغ ننشیند ، انشاءالله تعالی عنقریب می بینم که با حسن کفایتی که دارد و دولتخواهی که همیشه از ایشان ظهور کرده است بالکلیه از هر جهت نظم آن مملکت چنانچه بوده سر مشق انتظام سایر ممالک ایران خواهد شد . -۹۷-



کف شرودنو  
 چون اور دادلو ملک اور سال بالعام  
 روز و محله و شهر  
 سرود و درگت فلک و جاب و اور و سو  
 رز و ن فلور کور  
 با بکده نذر شهر  
 مالام بنا بر صلح چند سوانی این حکم حکم سوانی  
 نفطم ان ملک و پانچ  
 ه کعبه بیگ در وزارت در ایست تون و ملک  
 جو نرسن نظام  
 در مایان سو بدون آتش را از سر برد و پانچ  
 بار مایان  
 در سوانی این حکم با به مایان نوزدین به کمال خود  
 منظم و  
 وک کور بر لایحه اور سال نو و کعبه کورال ملک  
 ۱۷ لکھنؤ  
 تحت باغنه و نفطم آورد دقیقه از انک اور هم  
 ناریخ نرسن ۱۷ الی ۱۸ خور و پانچ و پانچ



---

عکسی از سپهسالار و برادرانش، میرزا یحیی خان ممتدالملک (نفر اول سمت چپ) و میرزا نصرالله  
خان نصرالملک (نفر دوم سمت چپ) و میرزا عبدالله خان علاءالملک (نفر اول سمت راست)  
در آخرین سال اقتدار او در حضور ناصرالدین شاه

## فهرست مندها

---

### یادآوری

---

کلیشهٔ برخی از اسناد  
این کتاب بسبب  
فرسودگی یا تیرگی  
رنگ کاغذ و یا در  
دسترس نبودن ، تهیه  
نگردید. رونوشت اسناد  
مزبور برای چاپ در  
این کتاب از روی اصل  
آنها که در کتابخانه  
مجلس می باشد فراهم  
شده است.

## فهرست اسناد کتاب

صفحه	
۲	۱- دیباچه
۱۱	۲- فرمان تقدیر از سپهسالار
۱۳	۳- فرمان وزارت جنگ و وزارت خارجه
۱۵	۴- مقررات مربوط بحدود وظایف وزیران
۲۲	۵- پیشنهادهای سپهسالار
۲۶	۶- پیشنهادهای دیگر سپهسالار
۲۹	۷- دستخط در تأیید اختیارات سپهسالار
۳۱	۸- گزارش شکایت آمیز سپهسالار
۳۳	۹- گزارش درباره خزانه و ملبوس نظام
۳۵	۱۰- گزارش درباره عده سپاهیان ایران در سال ۱۲۹۲ ق
۳۶	۱۱- گزارش درباره گماردن ژاندارم در راهها
۳۹	۱۲- گزارش درباره رویدادهای داخلی و خارجی
۴۲	۱۳- گزارش درباره مستشار اتریشی
۴۵	۱۴- گزارش درباره سپاهیان کرمانشاه
۴۷	۱۵- گزارش درباره بی نظمی کار حکمرانان ارک
۵۰	۱۶- گزارش درباره شکایت وزیر مختار روس
۵۳	۱۷- پاسخ ناصرالدین شاه بوزیر مختار روس
۵۴	۱۸- گزارش درباره نظریات وزیر مختار روس در باره هرات
۶۰	۱۹- گزارش در شرح اعتراضات وزیر مختار روس
۶۳	۲۰- دو راپرت پیوست سند هجدهم
۶۵	۲۱- یادداشتی از ناصرالدین شاه درباره امور داخلی
۶۸	۲۲- گزارش وزارت خارجه در باره مطالبات اداره تلگراف روس
۷۱	۲۳- گزارش درباره بیانات وزیر مختار روس
۷۸	۲۴- گزارش نایب الوزاره درباره ملاقات با وزیر مختار روس



- ۲۵- یادداشت ناصرالدین شاه درباره یاغیان سیستان صفحه ۸۱
- ۲۶- گزارش درباره تقاضای انگلیس‌ها برای حمل جنگ‌افزار از راه بمبور د ۸۳
- ۲۷- گزارش گفتگو با وزیرمختار انگلیس درباره منطقه مرزی کوهك د ۸۶
- ۲۸- گزارش درباره شکست سپاهیان انگلیس در فندهار د ۹۱
- ۲۹- گزارش درباره اعتراض وزیرمختار انگلیس د ۹۴
- ۳۰- گزارش درباره عباس میرزا ملك آرا د ۹۷
- ۳۱- گزارش درباره سفیر عثمانی و معاهده بازرگانی با روسیه د ۱۰۰
- ۳۲- گزارش درباره منطقه مرزی قطور د ۱۰۱
- ۳۳- گزارش میرزا محبعلی (مهندس) درباره قطور د ۱۰۵
- ۳۴- گزارش درباره آشفتگی کار دولت عثمانی د ۱۰۸
- ۳۵- گزارش درباره تفتین انگلیس‌ها درباره اختلاف مرزی ایران و عثمانی د ۱۱۱
- ۳۶- گزارش درباره کودتای عثمانی و خلع سلطان عبدالعزیز د ۱۱۲
- ۳۷- گزارش درباره خرید اسلحه و هدف عثمانی از اتحاد اسلام د ۱۱۴
- ۳۸- یادداشت ناصرالدین‌شاه درباره شکست انگلیس در افغانستان د ۱۱۸
- ۳۹- گزارش درباره شکست انگلیس و تفصیل آن د ۱۲۰
- ۴۰- گزارش درباره سردار ایوب‌خان افغانی د ۱۲۴
- ۴۱- یادداشت ناصرالدین‌شاه در یاس و نومیدی از مظفرالدین میرزا د ۱۲۸
- ۴۲- گزارش درباره توپخانه و توپچی‌ها د ۱۳۰
- ۴۳- یادداشت ناصرالدین‌شاه در باره قحطی روسیه د ۱۳۴
- ۴۴- گزارش سپهسالار د د د ۱۳۵
- ۴۵- یادداشت ناصرالدین‌شاه درباره مرز ایران و بصره د ۱۳۷
- ۴۶- تلگراف درباره انتصاب سپهسالار به پیشکاری و فرمانروائی آذربایجان د ۱۳۸
- ۴۷- فرمان مأموریت سپهسالار به آذربایجان د ۱۴۰
- ۴۸- تصویری از سپهسالار و برادرانش در حضور ناصرالدین‌شاه د ۱۴۲

## فهرست نام‌ها و لقب‌ها

امیر کبیر (میرزا تقی خان)
۷۵ - ۹۸ - ۱۰۴
امیر نظام (میرزا تقی خان) ۷۴
امیر نظام (حسنعلیخان) ۶۲ - ۴۰
امین الدوله (امین‌الملک میرزا علیخان)
۲۱ - ۲۳ - ۲۵ - ۳۳ - ۴۳
امین‌السلطان (آقا ابراهیم)
۲۶ - ۹۷ - ۹۸
امین‌السلطنه (علیمحمد خان =
صندوقدار) ۳۳
امین‌لشکر ۷۴
امین‌نظام (محمد صادق خان) ۳۶
۱۰۳ - ۱۰۴
ایوب‌خان (امیر = سردار) ۹۱ -
۹۲ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۴
<b>ب</b>
بیسمارک صدر اعظم معروف آلمان
۱۰۴
بیگلربیگی (محمد باقرخان) ۶۲
<b>پ</b>
پولکنیک ۵۱
پیکر ۵۲ - ۵۷
پیکونسفیلد ۱۰۴
<b>ت</b>
تاج محمدخان ۸۱

<b>آ</b>
آقا (میرزا یوسف مستوفی الممالک)
۱۵ - ۲۳
آقا ابراهیم (امین‌السلطان اول)
۹۸
آقا رضاخان ۴۷
<b>الف</b>
ابوالقاسم‌خان (ناصرالملک) ۱۰۲
احمد خان (سرتیپ قراقرلو)
۱۰۲
ادینکون ۱۰۴
اعتضاد السلطنه (علیقلی میرزا)
۱۶
اعتماد الدوله (نوری) ۵۸
اعتماد السلطنه (مصطفی‌قلی خان قراقرلو)
۳۶ - ۷۳
افغانی (جمال‌الدین) ۱۱۶
افندی (منیف) ۹۷
اقبال السلطنه ماکوئی ۱۲۸
الکساندر دوم ۴
الکساندر سوم ۴
امیر افضل خان ۱۱۸
امیر حسینخان ۳۴
امیردیوان (میرزا نبی خان) ۷
امیرقائن (امیر علم خان) ۸۱

خ	تامسن ۸۹ تیمور پاشا خان (ماکوئی) ۱۲۸ - ۱۳۰ - ۱۳۲
خان کلات ۸۷ - ۸۸ خضر آقا (کرد) ۴۰	ج
د	جلیل خان ۳۳ جناب آقا (میرزا یوسف مستوفی - الممالک) ۲۳ - ۲۴ - ۲۶
دبیر الملك نصرالله ۷۵ - ۷۹ - ۸۰ ۱۰۲ درویش پاشا ۱۰۵ دنداری (کنت) ۱۰۴	چ
ذ	چارلز کولی ۵۸ چراغلیخان ۶۲
ذوالفقارخان ۳۴	ح
ر	حاجی اسحق خان ۴۷ حاجی محسن خان ۹۷ - ۱۰۳ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۱ حاجی ملاصادق ۴۷ حاجی ملاعلی (کنی) ۵ حاجی میرزا حسنخان ۵۱ - ۵۳ حسام السلطنه (سلطان مراد میرزا ) ۳۶ - ۴۵ - ۴۶ حسن افندی (قاتل عونی پاشا) ۱۰۸ حسنعلیخان (گروسی = امیر نظام) ۶۱ - ۹۵ حسین عونی پاشا (وزیر جنگ مقتول عثمانی) ۱۰۸ حشمة السلطنه (محمد حسن میرزا) ۱۱۵ حشمت الدوله (خانلر میرزا) ۱۳۷ حمزه آقا منگودر (کرد) ۴۰
رایتر (رویتز) ۹۴ - ۹۵ رحمت الله خان (ساری اصلان) ۲۱ رضا قلیخان ۹۷ رکن الدوله (محمد تقی میرزا ) ۱۱۸ روبرتز (ژنرال) ۹۳ - ۹۵ رئیس (صدیق الملك) ۱۰۱	
ز	
زناوی یف ۷۵	
ژ	
ژنرال برون ۱۲۲ ژنرال روبرتز ۱۲۲ ژولیوس رویتز ۳	
س	
ساعد الملك (میرزا عبدالرحیم ) ۶۵ - ۷۳	

ع

عباس میرزا (ملك آرا) ۹۷-۹۸-۱۱۰

عبدالرحمن خان ۹۲-۱۲۱-۱۲۲  
عبدالمجید (سلطان) ۱۱۳

عبدالحمید (سلطان) ۱۱۰-۱۱۶  
عبدالرضا خان ۶۲

عبدالغزیز (سلطان) ۱۰۸-۱۱۰-۱۱۳-۱۱۴

عزیز خان (سردار) ۷۲

عبدالملك (علیرضا خان قاجار) ۱۶-۴۶

علاءالدوله (محمد رحیم خان) ۱۶-۲۶

علاء الملك ۱۴۲

علی آقا ۴۰

علی اکبر (میرزا) ۴۷

علی محمد خان ۳۳

عمیدالدوله (کیومرث میرزا) ۱۰۳-۱۰۴

ف

فالکن‌هاگن ۹۴-۹۵

فراهانی (قائم مقام) ۷۵

فتحعلی خان ۷۵

فتحعلی شاه ۷

فخری بیك ۴۰-۱۰۲

فرخ خان (امین الملك کاشی) ۵۸

فردریك (سر) ۸۹

فرمانفرمائیان (عبدالحسین) ۴۸

سالیسبوری (لرد) ۱۰۴

سپهسالار = سپهسالار اعظم - حسین =  
(میرزا حسین خان) در بیشتر

صفحات

سردار کل (عزیز خان) ۷۵

سلطان مراد میرزا ۴۶

سلیمان میرزا ۷۵

سید احمد (نایب الحکومه اراک) ۴۷

سیف الملك (آقاوجیه) ۴۰

ش

شاه عباس ۶۵

شاه محمد خان ۶۲-۶۳

شجاع الدوله ۳۴

شریف خان (سردار) ۸۱

شجاع الدوله ۷۳

شفیع خان (میرزا) ۷۴-۷۵

شیخ الاسلام ۱۰۱

شیخ محسن خان ۹۸-۱۰۴-۱۰۹-۱۱۰

شیخ عبیدالله (کرد) ۳

شیرعلیخان (افغانی) ۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۵

ص

صاحب‌دیوان (فتحعلی خان) ۷۲-۱۰۴

۱۰۴

صالح عرب (سید) ۵

صدیق الملك ۱۰۱

ط

طامسن وطمسن ۸۶-۸۹-۹۵

مستشارالملك ۷۴-۷۵  
 مشیرالدوله (حسین) ۲-۱۳۸ -  
 ۱۴۰  
 مشیرالسلطنه (میرزا احمد) ۵۲-۷۳  
 مصطفی قلیخان عرب ۱۱۱  
 مصطفی قلیخان قراگزلو ۱۳۲  
 مظفرالدین میرزا (شاه) ۴-۳۵ -  
 ۴۰-۵۲-۱۲۸-۱۲۳-۱۳۸  
 ممتدالملك (بحیی) ۱۰۱  
 معینالملك ۱۰۷-۱۰۸-۱۱۱  
 ۱۱۲-۱۱۳  
 ملکم ۳-۵۸-۶۹-۹۷-۱۰۴  
 ۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳ -  
 ۱۱۶-۱۲۱-۱۲۲  
 منشی حضور (میرزا علیخان) ۲۱  
 منشی رموز محمود ۵۶  
 منیف افندی ۱۰۲-۱۱۲  
 مهدی (تلگرافچی) ۱۳۸  
 میرزا آقاخان (نوری) ۵۹-۶۳  
 میرزا تقی خان ۶۲  
 میرزا محبعلی (مهندس) ۱۰۵ -  
 ۱۰۷  
 میرزا سعیدخان (وژمنالملك) ۵-  
 ۷  
 میرزا نبی خان (امیردیوان) ۲-۷  
 میرشکار (مصطفی قلیخان) ۲۱  
 ن  
 ناصرالدین شاه در بیشتر صفحات  
 ناصرالدوله ۳۶  
 ناصرالملك (ابوالقاسم) ۱۰۲

فرهاد ممتد (محمود) ۷  
 فقیر احمد خان کابلی ۱۲۲-۱۲۴  
 ۱۲۵-۱۲۶  
 ک  
 کاستیکر خان ۱۰۴  
 کاظم (میرزا) ۶۲  
 کامران میرزا ۴۵  
 کنل شیونسکی ۷  
 کنل منتویچ ۷  
 ک  
 گلداسمیت ۸۹  
 ق  
 قائم مقام ۴۷  
 قراگزلو (مصطفی قلیخان) ۷۵ -  
 ۱۳۳  
 قراگزلو (ناصرالملك) ۳۴  
 قهرمان میرزا ۷۵  
 ل  
 لاماکین ۶۵  
 م  
 ماه نوش لب خانم ۷  
 محمدجان (افغانی) ۱۲۰  
 محمد علیخان (کارپرداز بغداد)  
 ۱۱۳  
 مخبرالدوله (علیقلیخان) ۲-۸  
 مدحت پاشا ۵-۹۸  
 مراد (سلطان) ۱۰۸-۱۱۰-۱۱۲

وجبه الله ميرزا (سيف الملك آقاوجيه)

۴۰

وزير لشكر (ميرزا عنايت) ۲۴-۳۵

ولي عهد (مظفر الدين ميرزا) ۵۰ -

۱۱۵-۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۶ -

۱۳۸

ی

يحيى خان (معمدا الملك) ۱۰۲ -

۱۴۲

يعقوب خان (امير) ۱۲۵-۱۲۶

يوسف خان (ميرزا) ۵۷

يوسف (ميرزا) مستوفى الممالك ۲۳

ناصر الملك (محمود) ۳۳-۱۰۲ -

۱۰۷

ناظم الملك (ملك) ۵۶-۱۰۸-۱۱۴

۱۲۰-۱۲۱

نائب السلطنه (عباس ميرزا) ۴۸

نائب السلطنه (كامران ميرزا) ۱۷

نريمان خان (قوام السلطنه) ۱۱۴

نصر الملك ۳۶-۱۴۲

نصر الله خان (نائب الوزير) ۷۱ -

۷۸-۸۳

نصرة الدوله ۴۷-۴۸-۸۳-۸۴

نصير الدوله ۳۶-۸۶-۸۹

نظام الملك (كاظم) ۶۱

و

واكتر (ژنرال) ۱۳۰-۱۳۳



## توضیح

در این کتاب چند غلط چاپی روی داده است، از خوانندگان محترم کتاب پوزش می‌خواهد و اصلاح غلط‌ها را خواستار است.

<u>صفحه</u>	<u>سطر</u>	<u>غلط</u>	<u>صحیح</u>
۱	سوم	نیمه اول	نیمه دوم
۲	بیست و دوم	خواهان و	خواهان
۳	د	خودیش	خوبش
۴	سی و یکم	یکدنیار	یکدینار
۵	پنجاه و دو	پیکر	زناوی یف
۶	یکصد و هشت	۳	۴
۷	یکصد و ده	۴	۵

بها ۲۵۰ ريال



سازمان اسناد و کتابخانه ملی